



تعاونیهای سنتی و تعاونیهای نوین

در اسلام: وقف، زکات، خمس، صدقه دادن، هبه دادن، تعیین ثلث دارایی و مال و مثال به منظور کمک به فقرا و رسیدگی به امور خیریه پس از مرگ، مدد رسانی به مستمندان و تنگدستان، بیماران، نابینایان، از پای افتادگان، آوارگان، ایتام، اسیران، سالخوردهگان، بدهکاران، اطعام مساکین، کمک به عائله مندان، تهی دست، نذورات، کفاره، قربانی، زکاة فطریه و... همگی در مسیر همبستگی و همیاری و تربیت و تقویت مشارکت و تعاون حسی، عاطفی، فکری، عملی بین افراد، گروهها و جمعیتها مطرح شده‌اند و در اقدام به آنها امتیازاتی از باب تشویق و ترغیب قائل گردیده‌اند.

عبدالرحمان جامی می‌گوید:

جمع را هست قوتی معتاد

که نباشد مسیر از آحاد

متأسفانه بر اثر تهاجمات پی در پی بیگانگان و نیز خودسری و خودکامگی و استبداد سردمداران امور حکومتها بتدریج قداست و صلابت نظر و عمل همدلی، همیاری، مشارکت و تعاون گروهی و جمعی آسیبهای فراوان (آشکار و نهان) دید و روحیه تعاونی تضعیف گردید. نباید فراموش کرد که برخی از این تهاجمات، کشورها و جامعه‌های متعدد و فرهنگها و تمدنهای مختلفی را از صحنه روزگار ناپدید کرده است، مع ذلک کشور ایران هر بار توانست از گردابها و سیلابهای دهشتناک رهایی یابد. منتهی عوارض و صدمات آنها چنان بوده است که هنوز هم، کم و بیش، نشانه‌هایی در افکار و اعمال مردم این مرز و بوم به وضوح ملاحظه می‌شود. از جمله می‌توان: پاره‌ای تکروها، فزون خواهیها، اکراه

بنی آدم اعضای یکدیگرند
که در آفرینش زیک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار
دیگر عضوها را نماند قرار
توکز محنت دیگران بی غمی
نشاید که نامت نهند آدمی
به طور کلی در ادیان بزرگ و روایات پیامبران اولوالعزم یا آنچه که منسوب به آنان است بویژه در دین اسلام، مبحث مؤاسات (برابری) و مؤاخات (برادری) با اهمیت خاص مطرح شده است و یکی از دلایل فراوان گرایش به اسلام از سوی پیروان ادیان کوچک و بزرگ آن زمان همین شعار مؤاسات و مؤاخات بوده است و مسلمانان در ماهیت شعار مزبور عدالت اجتماعی (به مفهوم عام: اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، تربیتی، معیشتی) طلب می‌کردند.

از امام علی (ع) نقل می‌شود که عدالت به مفهوم این است که هر چیز در جای خودش قرار گیرد.

در چنین شرایطی: وحدت (یعنی از بین بردن خودخواهیها) نمایان می‌شود. از عدالت و وحدت: رابطه همبستگی و پیوند افراد و اعضای جامعه موجبات ترقی و تعالی اعمال و رفتار (عینی و ذهنی) فراهم می‌آید و فواید گوناگون ظهور می‌کند.

ابوالحسن فرقانی (متوفی: ۴۲۵ هـ ق) بر سر درخانه خویش (خانقاه) چنین شعاری را درج کرده بود:

«هرکه در این سرا درآید نانش دهید و از ایمانش میرسید، چه آن کس که به درگاه باری تعالی بجان ارزد البته برخوان ابوالحسن به نان ارزد.»

تعاونیهای سنتی از گذشته‌های دور در دو مجرای دینی مذهبی و انساندوستی و خیراندیشی به طور غیررسمی (سازمان یافته و سازمان نیافته) فعالیت داشته‌اند. در اسلام آثار و ثمرات همدلی، همیاری و تعاون بسیار مورد تأکید واقع شده و در قرآن مجید شواهدی متعدد درباره تربیت و تقویت نظر و عمل تعاون و تعاونی میان مسلمین وجود دارد و توصیه‌های مکرر در این مورد یافت می‌شود.

در احادیث و روایات اسلامی که در فقه و حکمت دینی (کلام)، حکمت مشاء اسلامی، حکمت اشراق و عرفان تبلور و تجلی یافته نسبت به عمومیت دادن افکار و اعمال همیاری و تعاونی مصادیق متنوع ابراز شده است و غالباً در ادوار گوناگون و رویدادهای پیش‌بینی شده و ناشده منشاء اثر بوده است.

«تعاونوا علی البر و التقوی و لا تعاونوا علی الاثم و العدوان»

(در انجام اعمال نیک و رعایت تقوی به یکدیگر یاری رسانید و تعاون را معمول دارید اما در گناه و ستم همکاری ننمایید.)

در حدیثی از پیامبر اسلام (ص) نقل می‌شود:

«مؤمنین برای مهر و محبت، همدلی و تعاون نسبت به یکدیگر همچون اعضا یک بدن و کالبد هستند که در آن چنانچه بر عضوی صدمه‌ای وارد آید در بقیه اعضا بدن و کالبد اثر می‌نهد یا بقیه اعضا از آن متأثر می‌شوند.»

سعدی با عرفان اجتماعی خاص خود می‌سراید:

بعضی نسبت به پیوست در امور تعاون و تعاونی، بی تفاوتی نسبت به مصالح و منافع جمعی و مسائلی چنین را به عنوان نمونه بیان نمود. در عرفان، بویژه شهر پنجم (هفت شهر عشق) یعنی «توحید» معطوف به وحدت دادن نیروها و تواناییهای اجزاء و عناصر تنی و معنوی انسان است. وقتی در فرد این «توحید» قوت گیرد خواه ناخواه به جمع و جامعه نیز تسری و جریان پیدا می‌کند و به اصطلاح درون و حال مستحکم و یکصدا به برون و قال جامعه و روابط اعضای آن کشیده می‌شود و «توحید» عرفان اسلامی در واقع جوشش و پیوند خدشه‌ناپذیر منافع و مصالح اعضای جامعه بزرگ کشوری و بشری را القاء می‌نماید. در ایران مسأله تعاون و تعاونی به شکل نوین و امروزی برای نخستین بار در دوازدهم خرداد ماه ۱۳۰۴ هـ در قانون تجارت مطرح و ثبت گردید و هدف از آن بازسازی و نوزایش تعاون و تعاونی سنتی و تحکیم و تقویت آن در شکل و محتوای نوین (مدرن) با پشتوانه قانونی بوده است.

شک نیست که نه تنها در ایران بلکه در همه جای جهان تعاونیهای نوین در آغاز کارکرد خود گرفتار افت و خیزهای بسیار شده‌اند و موانع و مشکلات عدیده‌ای فرراه کارکرد مثبت و آشکار نوامیس و قوانین مربوط به امور تعاونی و گسترش آن قرار گرفته‌اند.

در یک بررسی توسط سازمان ملل متحد درباره نقش تعاونیهای نوین در توسعه کشاورزی چنین آمده است:

«انواع شرکتهای تعاونی مکمل یکدیگرند به همین جهت بسیاری از سازمانهای توزیع اعتبار، شرکتهای اعتبارات کشاورزی، مؤسسات احیای زمین و اراضی، ادارات و سازمانهای مربوط به امور و مسائل اهالی بومی و طرحهای محلی، هیأت توسعه کشاورزی و سایر بنگاههای رسمی و نوین و غیررسمی و سنتی و نیمه رسمی یا نیمه نوین احتیاج به تأسیس و توسعه تعاونیهای بازسازی شده و واقعاً نوین و مقتضی زمان حاضر را احساس کرده‌اند و صحنه نهاده‌اند. در بررسی مزبور راجع به اعستبارت روستایی در هندوستان

خاطر نشان شده «به دلایل مهمی که نه تنها تجربیات حاصله در هندوستان بلکه تجربیات بسیاری از کشورهای توسعه پذیرفته شده که در سطح روستاها یعنی در دهات و آبادیها هرگونه واحد، شرکت و سازمان مرتبط با توزیع اعتبارات به اندازه شرکتهای تعاونی مؤثر نیست.

در نهج‌الفصاحه آمده است: «هر چیزی را کلیدی است و کلید بهشت دوستی مستمندان و فقراست» ماکس وبر «۱۹۲۰-۱۸۶۴م) جامعه شناس معروف آلمانی با اشاره به مذهب کالونیسیم راجع به رابطه مذهب و اعتقاد دینی با پیشرفت و توسعه صنعتی، اقتصادی می‌گوید: در فرهنگ‌های بزرگ و دیرپا بسیاری از عناصر و عوامل لازم به منظور پیشرفت و توسعه وجود دارند مانند: دانش نظری و فنی، نیروی کار آزاد، اوضاع و احوال مناسب و سازمانهای مالی و اقتصادی مربوط به آنها. اما اگر در پشت کار سخت و بسی وقفه و ریاضت‌طلبی عقاید مذهبی منظورها و پل‌های ارتباطی میان رستگاری دنیوی و سعادت اخروی وجود نداشته باشد، آن عقاید مذهبی و عناصر و عوامل ضروری برای پیشرفت و توسعه عقیم خواهند ماند.

به نظر او تنها در کالونیسیم بود که رستگاری و نجات در جهان آخرت منوط به موفقیت و رستگاری در این جهان دنیایی تلقی شده است و این نکته مایه و پایه پیشرفت و ترقی در اقتصاد و تولید صنعتی و تکنولوژی غرب بوده است. ماکس وبر آن گاه با اظهار تأسف می‌افزاید: در سایر نقاط جهان چنین نیرویی در پشت کار و فعالیت و نوآفرینی که توان افزایش مطرح نیست یا از آن استفاده نمی‌شود.

تجارب دهه‌های اخیر در برخی از کشورها نشان داده است که هر اندازه و هر نوع کار و کوشش چنانچه از مایه‌های معنوی و اعتقادی و باورهای آسیب‌ناپذیر تغذیه شود آن کار و کوشش هم منشأ همدلی، همیاری و تعاون در شلکها و محتوای متنوع می‌گردد و هم مولود همدلی، همیاری و تعاون حسی، عاطفی، عقلی، اعتقادی و خودباوری و خوداتکایی

می‌شود، و به اصطلاح اصل غلیت دایره‌ای فزاینده و کارآمد دست‌اندر کار است و همین اصل، اصول دیگر موفقیت را قوت می‌بخشد. به عنوان مثال: می‌توان به کمک اجزا و عناصر مثبت و سازنده موجود در فرهنگ معنوی راههای پس‌پذیرش تسفیر، نوجویی، نوآوری و نوآفرینی از یکسو و تعامل (واکنش متقابل) و تعاونیهای ناشی از آن را هموار نمود.

پس نمی‌توان تعاونیهای نوین را بی‌ارتباط با تعاونیهای سنتی ریشه‌دار گسترش داد. زیرا همیاری و تعاونی سنتی قدیم از نیروها و کنش مردمی و جمعی برخوردار بوده است و بهره‌گیری از نیروهای محلی، خانگی و خودی منبع نیرومندی کارایی و اثربخشی (بهره‌وری) در هر گونه فعالیت تیمی و جمعی است. بویژه در کارکرد مثبت و آشکار تعاونیهای نوین در هر گستره و قلمرو بیش از شرکتهای غیرتعاونی ثمرات خود را ظاهر می‌نماید.

از این روست که به منظور جوش دادن و پیوند داشته‌های مستحکم با یافته‌های جدید محتاج شناخت محققانه اجزا و عناصر فرهنگ معنوی جامعه‌ها هستیم و از این طریق پاره‌ای از عناصر بازدارنده و مخرب جاگرفته در لایه‌های فرهنگی شناخته می‌شود و به اصطلاح از شیوه‌ها و روشهای تربیتی می‌بایست کمک گرفت و اجزا و عناصر مترقی را از اجزا و عناصر بازدارنده تفکیک داد و این تشخیص و تمیز مقدمات مفیدی برای استفاده از نیروهای رفتاری (ذهنی و عینی) در جهت تقویت و گسترش تعاونیها مخصوصاً تعاونیهای تولیدی در بخشهای صنعت و کشاورزی است و راهکاری مطمئن برای کارکردهای مطلوب تعاونیهای نوین در رابطه با تعاونیهای سنتی بشمار می‌آید هنگامی که شرکتهای سازمانهای تعاونی جدید از کارایی و اثربخشی مقبول عامه بهره‌مند گردند و موافق مقتضیات جامعه‌های تطور یافته و توسعه پذیرفته حرکت کنند آن گاه بسیاری از مسائل و مشکلات نوظهور و پی‌درپی شهرهای بزرگ و روستاها حل و فصل خواهند گردید و سلامت، تامين و رفاه اجتماعی -

اقتصادی خود سبب ناپدید شدن رنجها، دردها و تنگناهای فراوان خواهد بود.

پژوهشهای اجتماعی - اقتصادی نشان داده‌اند که فرد گروه و جامعه انسانی قابلیت‌های بسیار به منظور ترقی و تعالی در هر زمینه را دارند، وجود موقعیت مناسب، پرورش قابلیت‌های مشارکتی و احساس مسئولیت و تعهد نسبت به هموعان نیازهای مربوط به دستیابی به منزلت برتر، افتخار و شرافتمندی را ارضا می‌کند. چنانچه مطلب فوق تحقق نیابد آن‌گاه داشتن تخصص، مهارت، دانش و فن و حتی مالکیت به تنهایی قادر نخواهند بود مسائل و مشکلات آشکار و پنهان پی در پی نوظهور را از میان بردارند، زیرا شیوه زندگی و طرز تلقی و اعتماد و اتکا به خود و هموعان مهمترین عوامل تحقق اهداف کوتاه و بلند مدت فر، گروه و جامعه محسوب می‌گردند و آرمانهای مشترک را واقعیت می‌بخشند. چنانکه یکی از بارزترین راههای باروری اقتدار قانونی مشروع، موفقیت صاحبان قدرت (مادی و معنوی) نسبت به تهیه و تدارک مشارکت و تعاون فکری و عملی اعضا سازمان (شرکت) و جامعه است.

بی شک در عصری که هم سرمایه و هم نیروی کار نسبت به قرن نوزده و نیمه اول قرن بیست تغییر شکل و محتوای بسیار یافته است ضرورت وجودی تعاونها و کارکردهای متنوع آنها بیش از هر زمان حیاتی‌تر می‌گردد و تحول و تغییر امور مشارکتی نیز الزامی‌تر می‌شود؛ خصوصاً خلاءهای ناشی از تحول و تغییر امور اقتصادی، فرهنگی، پرورشی، آموزشی و بسیاری دیگر این احساس نیاز را آشکارتر نموده است و می‌توان با اندکی احتیاط علمی چنین برداشت کرد که انسان اجتماعی عصر حاضر منزلت‌های اجتماعی را به موازات ارضای نیازهای مادی، اقتصادی خواستار است و تعاونهای نوین مهمترین سازمانهای اجتماعی - اقتصادی در پاسخگویی به این خواسته هاست. ژرژگوریچ جامعه‌شناس روسی تبار فرانسه معتقد بود:

آیین‌ها و مذاهب در ذات خود هدف نیستند بلکه از لحاظ کارکردی اهمیت ویژه دارند و یکی از این کارکردها چهره

به چهره شدن آدمیان با همدیگر می‌باشد و همین امر تقارن، تفاهم و تعاون را نیرو می‌دهد و این نیرومندی منشأ بسیاری از ترقیات می‌شود.

در قانون مربوط به تعاونهای نوین وجود و همگامی حداقل هفت نفر و حداکثر میلیونها نفر مورد تاکید واقع شده است و به موازات آن داشتن هدف یا اهداف معین و از قبل مشخص شده و نیز آگاهی و دانایی نسبت به آثار و نتایج مثبت و سازنده فراوان کارکرد تعاونها در جهت تحقق اهداف از ضرورت‌های تشکیل و ایجاد تعاونهاست، لذا نحوه انتخاب شیوه‌ها، راهها، روشها و عملکردهای مناسبتر، مطلوبتر و با صرفه‌تر (از جنبه مالی) در زمره عوامل ایجاد و تشکیل تعاونهای نوین تلقی شده است.

در تعاونهای سنتی همانطور که قبلاً اشاره گردید نقش آداب، رسوم، سنتها، ارزشها، هنجارهای منتشر در جامعه (اعم از شهری و روستایی) و اعتقادات به منزله پشتوانه برای فعالیتهای گروهی، جمعی در جهت تامین رفاه و معیشت بسیار چشمگیر بوده و تا هنگامی که تعاونهای سنتی از کارکرد مثبت، آشکار و پنهان مطلوب برخوردار بودند وجودشان تداوم می‌یافت و زمانی که از کارکردهای مزبور باز می‌ماندند خودبه خود وجودشان زائد و غیر لازم می‌شد.

چنانچه سازمانهای تعاونی سنتی بر پایه احتیاجات مربوط به نهادهای خانواده، اقتصاد، دین و سیاست و تأمین اجتماعی و غیره شکل می‌گرفت و موافق سلوک و رفتارهای منظم و منتظم و روابط و ارتباطات سالم و کارساز عمل می‌کردند دوام و قوام داشتند.

امروز به کمک تجهیزات و ابزارها ارضای احتیاجات متنوع و روبه گسترش از پیچیدگی خاصی برخوردارند و در عین حال هیچگونه مانعی در مسیر برقراری ارتباطات سالم (بویژه، موانع جغرافیایی و طبیعی و نظایر آنها) میان تعاونیهای موجود و ممکن‌الوجود یافت نمی‌شود. و حتی می‌توان به طور مستمر و برنامه‌زمانبندی شده ارتباطات مزبور را ممیزی کرد و مجراها و کانالهای ارتباطی را محاسبه نمود.

توضیح این‌که تا قبل از ممیزی ارتباطات، حدود ۸۰ تا ۹۰ درصد وقت مدیران و مسؤولان برتر سازمانها صرف برقراری ارتباطات می‌شد و در حال حاضر اگر مدیران و مسؤولان سازمانهای مختلف به ویژه شرکتهای تعاونی نسبت به منتظم کردن یا سیستماتیک نمودن نظام ارتباطی در واحد و شرکت مورد نظر اقدام کنند آن‌گاه زمان لازم حدود ۸۰ تا ۹۰ درصد به منظور برقراری ارتباطات و نظام ارتباطی متحول می‌گردد و مسؤولان و مدیران شرکتهای از این زمان آزاد شده فراغت می‌یابند و می‌توانند از این زمان برای سایر امور و فعالیتها استفاده کنند و به سهولت از مرزهای نوآوری و نوآفرینی در کارکردها و ساختارهای متناسب با آن عبور نمایند و خلاق‌تر اهداف تعاونیها را پی بگیرند و از جمله در بهبود و بهبودی اهداف مستمراً گام نهند و وفق مقتضیات زمان همه امور و فعالیتها در جهت اهداف را انعطاف پذیرتر سازند و تا جایی پیش روند که کلیه اعضا تعاونی تعیین کنند که هر اندازه و هر درجه از موفقیت یک سفر است نه مقصد

برخی دیگر از تمایزها

یکی دیگر از وجوه تمایز تعاونیهای سنتی در مقایسه با تعاونیهای نوین اینست که برای تشکیل تعاونیهای نوین امروزه موانع طبیعی و جغرافیایی، فرهنگی (مادی و معنوی) و مانند اینها در میان نیست و علاوه بر آن قانونمند کردن ساختار (بنیاد) و کارکرد تعاونیها موجب حذف بسیاری از مستانسبتهای مستناب و اتفاقی و رویدادهای پیش‌بینی نشده در اثرگذاری به حیات و فعالیت تعاونیها شده است و دیگر، آسیب‌پذیری تعاونیها سنتی چه از نظر کمی و چه از لحاظ کیفی مبتنی بر غلایق و سلیقه‌های غیرمترقبه در کار نیست و همه اعضا یک تعاونی براساس موازین و قوانین، اساسنامه و آیین‌نامه به سهولت نسبت به نقش و وظیفه خویش وقوف پیدا می‌کنند و روابط مکانیک (ماشینی) اعضا تعاونیهای سنتی جای خود را به روابط ارگانیک (سازوار همراه با درک عمیق وظایف و رسالتها) داده است همچنین کمیت و کیفیت رفتارها، کنشها و کارکردها قابل پیش‌بینی و محاسبه شده

است و علم، دانایی و حتی شناخت در خدمت مسؤولان برتر و مدیران تعاونیها قرار گرفته است و شیوه‌ها و روشهای نوینی را در جهت کارآمدی و باروری کارکرد تعاونیها می‌توان معمول داشت.

مع ذلک با همه امتیازاتی که برای تعاونیهای نوین برشمرديم می‌بایست به این مسأله هم توجه نمود که برخلاف گذشته، در عصر حاضر حرکت فرهنگ مادی بسی سریع‌تر از حرکت فرهنگ معنوی شده است و همین مسأله می‌تواند دوام و قوام تعاونیهای نوینی را که صرفاً به فرهنگ مادی روی می‌آورند و از همپا نمودن و همگام ساختن این دو رکن اصلی فرهنگ (مادی و معنوی) عاجز می‌گردند متزلزل گرداند. از این رو هم مسؤولان و مدیران و هم اعضای تعاونیهای نوین لازمست پیوسته آگاهی و دانش خود را بسفزیابند مخصوصاً در بازار رقابتی عدول‌ناپذیر این زمان و کمترین مسامحه در انجام وظایف و رسالتها و کوچکترین تخلف از مضامین و قوانین و مقررات شکست و اضمحلال تعاونیهای نوین را جبری خواهد نمود تا جایی که نتوانند در بازارهای داخلی و خارجی در مقابل بخش خصوصی مقاومت کنند و ناگزیر از گردونه تلاش و رقابت خارج خواهند شد.

در مقابل انبوهی از تجارب تلخ و شیرین، منفی و مثبت تعاونیهای مختلف در سراسر جهان وجود دارد و دستیابی به این تجارب بواسطه بهره‌مندی از نظام ارتباطات، نظام اطلاعات و نظام تحقیقات سهل‌الوصول شده است و چنانچه یک شرکت تعاونی از این همه امتیازات و مزایا آگاه و ناآگاه بهره‌برداری ننماید قصور و مسامحه آن شرکت بسیار گران تمام خواهد شد تا جایی که گاهی جبران این قبیل قصور و مسامحه‌ها غیرممکن می‌شود.

فراوش نشود که قبلاً اظهار گردیده است که بسیاری از تعاونیهای سنتی به طور ادواری، متناوب و در مواقع خاصی فعال می‌شدند: مثلاً در مواقع کشت و زرع، دامداری فصلی، برداشت محصول، شکار، جمع‌آوری و ذخیره آذوقه، مایحتاج زمستانی، مقابله با قهر طبیعت

همکاریهای مالی و معیشتی و تعاون فکری و عملی منزلت و جایگاهی ویژه قائل می‌شوند و مسأله شناخت بیشتر مهم می‌شود.

تردیدی نیست که مشارکت و تعاون روستاییان در همه تاریخ بیش از مشارکت و تعاون در شهرها جلب‌نظر می‌کند و این بحث در قبایل کوچ و عشیره‌ای کاملاً بارز و کماکان منشأ اثر است.

از دیدگاه جامعه‌شناسی تعاون می‌توان به کارکردهای آیینها، عقاید، ادیان و مذاهب کهن رجوع کرد و بازتاب آنها را در اجرای مراسم و مناسک و آیین‌های مذهبی و جشنهای مربوط ملاحظه نمود و برعکس بازتاب اجرای مراسم، مناسک و آیین‌های مرتبط با ادیان و مذاهب را در بقا و تداوم آنها مشاهده کرد و مجموعاً کارکردهای گروهها برای منظورهای فوق را در تفاهم، تعاون و مشارکتهای اجتماعی (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و معرفتی) بوضوح دریافت که چگونه و چه سان در طی تاریخ اسباب و فواید اجتماعی و همبستگی‌های مربوط بوده است و زندگی اجتماعی را براساس جامعه‌طلبی و جامعه‌پذیری تهیه، تدارک و تداوم داده است. پس در بطن و اندرون و مذاهب هزاران گونه کهن و سپس در ادیان بزرگ بعدی ما شاهد دوام و قوام نظامهای اجتماعی، ساختارها و کارکردهای مرکب امور و پدیده‌ها و رابطه‌ها بوده‌ایم.

همان‌طور که اجزا و عناصر یک ماشین در عین کار نسبت به وظایف و کارکرد خویش وقوف ندارند در جامعه‌های ابتدایی نیز اعضای تعاونیهای سنتی پویا چنین وضع و حالی داشتند در پاره‌ای موارد سازمانها و تشکیلات تعاونی غیررسمی یا سنتی در رابطه با امور مختلف از بساطت (سادگی) و در برخی موارد از تخلف (پیچیدگی) بسیار برخوردار می‌شدند. در هر صورت در جامعه‌هایی نظیر روستاها و عشایر روحیه همیاری و مشارکت سنتی بیش از جامعه‌های شهری پایه و مایه غنی و مستحکم داشته است و موارد زیر از نمونه‌های قابل ذکر است: «بلوک» «بنه» «صحرا» «پاکاد» و زراعت‌های مشاع و مشترک و دامپروریهای گروهی و جمعی،

(زلزله، سیل، آتش‌سوزی، کوچ) در مراسم جشن و سرور و مناسک مذهبی و مرگ و میر و نظایر اینها تعاونیهای سنتی ثمر و بهره خود را می‌نمایانند و در سایر مواقع بسیاری از آنها ناپدید می‌شدند و غالباً پشتوانه فعالیت آنها، اشخاص مورد اعتماد و اطمینان و خیراندیش بودند که در گردهمایی و بسیج تواناییهای اعضای تعاونی محلی و سنتی پیشرو و داوطلب می‌شدند و بقیه اعضا را تشویق و ترغیب می‌کردند و در این راه از اعتقادات دینی، مذهبی، عرف، عادات، رسوم، ارزشها... استمداد می‌جستند و به آنها استناد می‌کردند.

امروزه سازمانهای متعدد و متنوعی در خارج از محل و منطقه بسیاری از وظایف، نقشهای سنتی را برعهده دارند و مطابق مقررات مصوب تعاونیها و کارگزاران و اعضای آنها را هدایت می‌نمایند و به اصطلاح به نحوی حرکت از کثرت به وحدت و یگانگی در ساختار و کارکردها مطرح شده است، مع ذلک بر اثر تنوع احتیاجات و تکثر فعالیتها و تقسیمات هرچه بیشتر کارو فعالیت به نوعی حرکت از وحدت به کثرت نیز در کار است که وقوف نسبت به عملکرد و ژرفنهای آنها محتاج دانشوری محققانه می‌باشند.

در اینجا لازم است برخی از مشخصات تعاونیهای سنتی و نوین را بازنماییم: در زمانهای کهن همکاری و تعاون بیشتر تنی و بدنی و مادی بود (در جهت ارضای نیازهای فیزیولوژیک)، البته برای این نوع همکاریها و تعاونیها کم و بیش رفتار، کنش و کارکرد ذهنی و فکری نیز به عنوان پشتوانه تحرک همیاری مطرح بوده است، با این حال در برابر کارهای سنگین الزاماً همکاری و تعاون با دیگران را نیاز بود و بسیاری از این همکاری و تعاونیها بر اثر عوامل طبیعی، جغرافیایی، نظامی و معیشتی از قبل تجربه گردیده بود و مقابله با مسائل و عوارض متعدد نیز چنین آگاهی و پیش‌بینی را قهری نموده بود تا اینکه به تدریج بر اثر تجارب اندوخته منظم و نامنظم همکاری و تعاون ذهنی و فکری (مشورت و تبادل نظر) گستره بیشتری پیدا می‌کند و برای حتی

«کشتهای گروهی» «برداشتهای جمعی»، «خانه‌سازها مبتنی بر همیاری و مشارکت مالی و معنوی در جشنها و عزاهای، هدایای نقدی به عروس و داماد، مشارکت جمعی به هنگام حوادث طبیعی و قدیم بودن اصطلاح «همیاری» و تقسیم کار و «سهم‌بری» از فرآورده‌های دامی و سپس متغیرهای دست‌اندرکار روانی - سنتی (در تولید و سایر امور) نه تنها مانعی برای ورود تعاونیهای نوین نیست بلکه چنانچه تأسیس و کارگزاری تعاونیهای نوین موافق مقتضیات اقتصادی اجتماعی جامعه‌های سنتی و سنجیده انجام گیرد شاید بیش از تعاونیهای موجود در شهرها منشأ و نتایج مطلوب و پویا باشند و این مهم به اتخاذ تدابیر استراتژیک و متناسب با هر منطقه و جامعه بستگی تام و کامل دارد و به شناخت محققانه الزامات و نیازها، امکانات و عملکردها محتاج است یعنی تبیین، پیش‌بینی و کنترل (نظارتی، آماری و آزمایشی) با توجه به توپولوژی مربوط به مدیریت متمرکز یا غیرمتمرکز و بهره‌برداری از خصائص امر جنسی، تعاملی، بازخورد، و درون‌داد و برون‌داد و در تعاونیهای سنتی آنچه بیش از هر چیز جلب نظر می‌کند مسأله «تعهدات متقابل» است و این «تعهدات متقابل» و چندجانبه نه تنها راه را برای تعاونیهای نوین هموار می‌کند بلکه قادر است و بر اساس معرفت و آداب، رسوم و سنتها، هنجارها ارزشها و قابلیت‌های وجود، تعاونیهای نوظهور را تقویت نماید و آنها را به نحو موزون و پویا بکار اندازد و از این توازن و پویایی، آثار و نتایج عمیق‌تر و مفیدتر پدید آید تا جایی که از قابلیت‌های اعضای جامعه‌های سنتی به سود خود آنان حداکثر عملکردهای مثبت از تعاونیهای نوین بر جای ماند.

آثار مکتوب بیجا مانده از گذشته‌های دور نشان می‌دهد که در همه جامعه‌ها به اشکال و انواع مختلف شاهد وجود مشارکتها و تعاونیها هستیم از آن جمله: در یونان باستان و مصر انجمنهای تعاونی کفن و دفن اموات تحت عنوانهای ارگلنن و تیاسی، در روم قدیم تشکیلات کولونگیا برای کمک متقابل بین صنوف صنعتگران (معماران، کوزه‌گران، سفال‌سازان،

کفاشان)، نوازندگان، کشتکاران و یا قبل از آنها در کانادا، بومیان امریکا، روسیه، اروپای غربی که تکرر قدرت و اقتدار سیاسی به موازات مشارکت و تعاون در کلیه امور زندگانی اقتصادی، فرهنگی، تربیتی، معیشتی وجود داشته است که بعدها پس از تطور امور کلان و تبدیل آنها به قبیله و ایل تشکلهای وسیع‌تر همیاری، همکاری و تعاون به نحو بارز پدید می‌آید و سازمانهای خودجوش تعاونی ظاهر می‌شود. با آرنل‌های ماهیگیران، بنایان و دست‌اندرکاران عمران و آبادی که حدود پنجاه نفر اعضا را بکار می‌گرفتند و برای اهداف خود اشتراک مساعی می‌نمودند. در مینورهای اروپا برای فعالیت‌های کشاورزی، دامداری، زنبوداری، شکار و... همکاری گروهی و جمعی صورت می‌گرفت؛ حتی در شخم زدن مشترک زمینها و کاشت، داشت و برداشت جمعی این امر بیشتر چشمگیر بود. در قبایل و نژاد اسلاو اروپای شرقی تشکلهای تعاونی میر (صلح) هم در امور کشاورزی و هم در امور صنعتی - سنتی فعال بودند.

برخی از این سازمانهای تعاونی چنان منشأ آثار مثبت بودند که بقایای آن هنوز هم در امور مختلف دیده می‌شود. مانند تعاونی‌ها دروهار، در زمینه صنایع دستی و کارهای هنری چک و اسلواکی.

در فاصله سالهای ۱۸۴۸ و ۱۸۵۴ میلادی عده‌ای از حقوقدانان و ارباب کلیسا با استفاده از اصطلاح سوسیالیست مسیحی در لندن گرد آمدند و درباره اهمیت نهضت تعاونی مطالبی ابراز نمودند و گفتند: مفاسد اجتماعی و اقتصادی نتیجه سهل‌انگاری در تکالیف دینی و بی‌تفاوتی هر فرد در قبال فرد دیگر بویژه ناشی از مشکلات روابط اقتصادی است. آنان خودخواهی و فزون‌طلبی رقابتی را محکوم می‌کردند و استقرار نظم الهی را توصیه می‌نمودند؛ نظمی که بر عشق متقابل افراد و گروهها، مشارکت و رفاقت متکی بوده باشد. به نظر آنان در جامعه تحت اصول دین هیچکس مالک چیزی نیست بلکه دوستانه و مشارکتی فعالیت خواهند داشت؛ آنان به انتشار چندین مقاله و نشریه دست زدند و عنوان

مقاله را «سیاست برای مردم» نامیدند. اتحادیه‌های تعاونی تشکیل دادند که تعداد کمی از آنها دوام آورد بقیه یا شکست خوردند یا به شرکتهای خصوصی سرمایه‌داری تبدیل شدند. والتر کوپر مدیرعامل شرکت خیاطان (لندن) دلایل شکست را چنین گفت: فقدان اطلاعات و آگاهی و تزلزل اراده اعضا و اضافه نمود: وقتی موقعیت مناسب بود ما یکدیگر را برادر خطاب می‌کردیم و سرودهایی درباره جوانمردی اجتماعی کارگران می‌خواندیم و هنگامی که وضع کسادی پیش‌بینی نشده‌ای رخ می‌داد دچار معایب و مفاسد اخلاقی وحشتناک و حسادت می‌شدیم و به سستی با همدیگر می‌پرداختیم. در مناطق خراسان ایران در بسیاری امور تولیدی، توزیعی و خدماتی شاهد وجود و دوام همکاریهای تعاونی بوده‌ایم از جمله در برداشت زعفران و مانند آن.

تقریباً در همه مناطق ایران زمین و ایران فعلی در انواع و اقسام و زمینه‌ها کار گروهی و مشارکتی وجود داشته و در هر یک از این فعالیت‌های مشارکتی و تعاونی ضوابط، مقررات و آداب و رسوم و سنتها و هنجارهای منتشر به دقت و امانت رعایت می‌شده است. به طور کلی تعاونیهای سنتی پس از ارائه کارکردهای مثبت و آشکار (یک منظوره یا چندمنظوره) تدریجاً به شکل عرف، رسم و سنتهای معمول از لحاظ جامعه‌شناسی در زمره هنجارهای منتشر (نه مدرن) بشمار می‌آیند و ضمانت اجرایی آنها واکنش اعضای جامعه به صورت انتشار یافته است و اخلاق و نوامیس رایج در جامعه تنظیم‌کننده و تأمین‌دهنده آنهاست؛ ولی به صورت قانون مدون و مصوب نیستند.

بسیاری از رفتارها وجود دارند که در قانون مدون و مصوب قابل پیش‌بینی و ذکر نیست. مانند دروغگویی یا خبرچینی و... که در اینجا عرف، رسم، سنتهای منتشر در جامعه بازدارنده این قبیل اعمال و رفتارهای ناپسند می‌شود.

در هر حال کارکردهای شرکتهای تعاونی نوین که دارای قوانین و مقررات از قبل تنظیم و تدوین شده هستند با

الف) کارکردهایی که براساس حقوق قانونی معین قادر به پاسخگویی نسبت به نیازهای معنوی و مادی مرتبط با هم می‌باشند.

ب) کارکردهای مربوط به پیروی از قوانین و مقررات مشابه (چه در شکل و چه در محتوا) برای کلیه اعضا با هر گونه مسلک و گرایش

پ) کارکردهای قانونمندی و نظام یافتگی همکاریها و همپاریها برپایه نوامیس و مقررات جدید و آثار و نتایج آنها

ت) کارکردها و تسداوم دادن به فعالیت‌های جمعی، گروهی برای مدتی طولانی نه متناوب و ادواری

ث) کارکردها و تنوع دادن به تعاونیها و گسترش آنها بنا بر احتیاجات هر زمان و هر جامعه و انعطاف‌پذیری آنها

ج) بهره‌مندی از اعضا بیشتر و منابع افزونتر بدون داشتن محدودیتهای طبیعی و غیرطبیعی مانند محدودیت تعداد اعضا یا محدود شدن به یک نوع خاص از فعالیتها

چ) تشکل و سازمانبندی سنجیده و مبتنی بر شناخت علمی - اجتماعی (به مفهوم عام)

ح) کارکرد مدیریت دانایی یا مدیریت و رهبری محققانه اعضا و همفکری با بخش عظیمی از نیروها براساس کارگردانی و کارگزاری علمی، فنی و شغلی و تربیت خودباوری و خوداتکایی اعضا شرکتهای تعاونی نوین برپایه عقل حسابگر

خ) دائم‌التزاید آگاهی‌ها و دانایی‌ها بر اثر نشست‌های جمعی و آموزشهای مربوط

د) پرورش و تربیت علمی - اجتماعی مربوط به تعاون و تعاونی

ذ) شناخت محققانه نیازهای واقعی و ایجابی و تمایز و تفاوت دادن آنها از نیازهای جعلی و کاذب

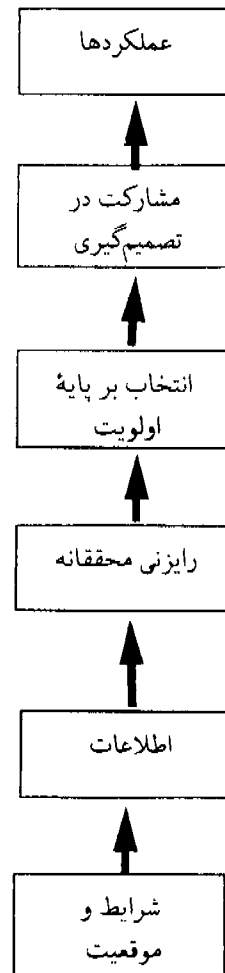
ر) جدا شدن عامل کار از عامل سرمایه و توجه ویژه به نهاد کار، سازمان کار، جریان کار، اعتقادات مربوط به کار، سلوک، رفتار، کش و کارکردهای کار و روابط و ارتباط همه آنها، که خود در تغییر بنیادی و کارکردی نگرش و بینش

تعاملی و... می‌گردند و می‌دانیم که در خصائص مجموعه‌ای و تعاملی، صفات امور و پدیده‌های ترکیب شده فراتر و جدیدتر از صفات امور، پدیده و عناصر تشکیل‌دهنده آن ترکیب می‌باشند. یعنی در کل مرکب خصائص صفاتی یافت می‌شود که در اجزا و عناصر ترکیب دهنده آن وجود ندارند، یا به آن شکل و محتوا یافت نمی‌گردند؛ مانند خصایص و صفات آب (H₂O) که فراتر و غیر از صفات و خصائص هیدروژن (H) و اکسیژن (O) است (در این باره قبلاً هم مطالبی بیان کرده‌ایم) پس هم در تعاونیهای سنتی و هم در تعاونیهای نوین ماهیتی مشابه و خصائص پویا و سازنده‌تر از فعالیت هر فردی و جزیی وجود دارد. و هر یک بنا بر شرایط و روابط زندگی اقتصادی اجتماعی عصر و جامعه خود پاسخگویی رفع احتیاجات بوده‌اند و گذر از تعاونیهای سنتی به تعاونیهای نوین (مدرن) در شرایط و روابط اقتصادی، اجتماعی جدید می‌تواند به سهولت ولی سنجیده انجام گیرد. جز این هم راهی نیست و انسان اجتماعی بنابر خصیصه اجتماعی بودن ناگزیر به پذیرش این تغییر، تحول و دگرگونی است؛ زیرا عنصر حاضر با تبادل اطلاعات و برقراری ارتباطات سراسرآم‌آور و عس‌دول‌ناپذیر ناچار است که به همکاری و مشارکت و تعاونیهای مختلف براساس موازین و مضامین قاعدتی و نوین سرنهد و از این راه خود را با حرکت منمالی و مجموعه‌ای و سیستمی امور جهان فعلی همسو سازد.

البته پیوند دادن فرهنگ کار و روحیه تعاونی سنتی و نوین خود نیاز به دانش محققانه و عملکرد دانشورانه دارد تا بتواند با سایر بخشهای اقتصادی، اجتماعی (آزاد و دولتی) رقابت کند و از آسیب‌پذیریهای متفاوت مصون ماند.

زیاده روی هر یک از بخشهای آزاد و دولتی امور اقتصادی - اجتماعی شاید بزرگترین صدمه‌ها را بر کالبد امور تعاون و تعاونی وارد نماید و تبدیل تعاونیها سنتی را به تعاونیهای نوین گرفتار اختلال کند یا شرایط این تبدیل را عقیم سازد.

در تعاونیهای نوین این خصائص و کارکردها قابل مشاهده است.



کارکردهای مشارکتها و تعاونیهای سنتی ارتباطی ذهنی و عینی و درونی و برونی دارند و هر دسته معطوف به اهداف و منظورهای رفع احتیاجات و حل مشکلات و سرانجام در جهت ایجاد پیوند و ارتباط سالم و مضاعف و توانمندی دائم‌التزاید می‌باشند. و نیروها، منابع و تواناییهای درونی آنها بر اثر پیوند کماکان ادامه حیات می‌دهند. لذا می‌توان تعاونیهای نوین را شکل کامل شده و منطبق با روابط جدید اقتصادی، اجتماعی پیشرفته عصر حاضر دانست. یا به عبارت دیگر، ماهیتهای هر دو شکل تعاونی (سنتی و نوین) از تقارن و نزدیکی بسیار برخوردارند. یعنی همکاری، همپاری و تألیف منابع، نیروها و عملکردهای منفصل و مجزا که خواه ناخواه منجر به پدیدار شدن خصائص مجموعه‌ای و

از جنبه اقتصادی، اعضا باید محصولات و خدمات شرکت را خریداری و از آنها استفاده نمایند. ماهیت خرید و استفاده از خدمات و محصولات وابسته به ماهیت و نوع تعاونی است؛ به عنوان مثال، فروش محصول به شرکت تسعونی، خرید از فروشگاه تعاونی، خرید انرژی از یک گروه تعاونی تامین کننده انرژی و مشارکت در تولید یا توزیع یک روزنامه.

از جنبه سیاسی، اعضا باید در اداره شرکت تعاونی مشارکت داشته باشند؛ به عنوان مثال: اعلام آمادگی و نامزدی برای عضویت در هیات مدیره، شرکت در انتخاب هیات مدیره، حضور در مجمع

عمومی و خواندن خبرنامه تعاونی. یک شرکت تعاونی باید فعالیت خود را با اعضای فعال از نظر اقتصادی و سیاسی آغاز نماید و به همان شیوه ادامه دهد. اعضای غیرفعال، تهدیدی برای تعاونی محسوب می‌شوند و عدم فعالیت آنها نشانه عدم تعهدشان به اصول و ارزشهای تعاونی است که تفاوت آشکار و یا تلویحی اعضای فعال و غیرفعال را نشان می‌دهد.

تعاونی‌های استرالیا تحت حاکمیت قانونی قرار دارند که مقررات آن، شرط عضویت در تعاونی را منوط به حضور فعالانه در آن نموده است. تاکید عمده مقررات بر مشارکت فعال اقتصادی اعضا می‌باشد و در نتیجه، اعضا می‌توانند به لحاظ اقتصادی فعال و از نظر سیاسی غیرفعال باشند و از سوی دیگر، تعاونی‌ها ممکن است دارای تعداد زیادی استفاده



تعاونیها و پایبندی به اصول و ارزشهای تعاونی

• دیوید گریفیسز

• ترجمه: اصغر بیات

فرآیند^(۱) نهفته است. شکل‌گیری تصمیم، زمانی است که تصمیم می‌گیریم یک تعاونی تشکیل بدهیم یا ندهیم. شکل‌گیری فرآیند نیز به فرآیندی اشاره دارد که یک شرکت تعاونی تشکیل می‌گردد.

* مالکیت و کنترل و نظارت اعضا

یک شرکت تعاونی تحت مالکیت، نظارت و کنترل اعضا می‌باشد و اعضای شرکت از خدمات و منافع حاصله آن بهره‌مند می‌شوند. نکته مهم این است که چنین ویژگی اساسی مورد قبول قرار گرفته است. اما این نکته دقیقاً به چه معناست؟ به این معنی است که هر یک و تمامی اعضا فعالانه از خدمات تعاونی استفاده می‌کنند و در آن مشارکت دارند و این مسأله دارای دو جنبه اقتصادی و سیاسی است و رابطه‌ای درونی بین این دو عنصر برقرار می‌باشد.

درک این نکته که چرا تعاونی‌ها به عنوان تعاونی شکست می‌خورند، یا در واقع چرا آنها از تبدیل شدن به تعاونی واقعی و می‌مانند؛ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

در ابتدا لازم است که تفاوت بین شکست اقتصادی و شکست تعاونی را روشن نماییم:

* شکست اقتصادی زمانی به وقوع می‌پیوندد که یک شرکت تعاونی به عنوان بنگاه اقتصادی پویا، قادر به رقابت، تولید سود و ادامه حیات اقتصادی نمی‌باشد.

* شکست تعاونی هنگامی تحقق می‌یابد که شرکت تعاونی قطع نظر از حیات اقتصادی، به اصول و

ارزشهای تعاونی توجه نمی‌کند. بدین معنی که حیات اقتصادی شرکت تداوم دارد و به مرحله سوددهی می‌رسد اما تعهد آن به اصول و ارزشهای تعاونی تنها حالت سمبولیک دارد. لذا در چنین حالتی نمی‌توان شرکت تعاونی را یک تعاونی کامل و یا یک بنگاه اقتصادی تمام عیار نامید. عناصر شکست در کلیه شرکت‌های تعاونی وجود دارند اما موضوع مهم این است که آنها چگونه به این مسأله می‌نگرند.

برای تعیین عناصر شکست، ابتدا لازم است که ماهیت تعاونی به صورت شفاف تبیین گردد. بدیهی است که برای درک شکست تعاونی باید بدانیم در چه چیزی ناموفق بوده‌ایم و عناصر سازنده ماهیت تعاونی کدامند؟

اولین نکته در بررسی شکست تعاونی، در شکل‌گیری تصمیم^(۱) و شکل‌گیری

برای هیأت مدیره تعاونی نیز ایجاد خواهد شد که تامین نیازهای کدام گروه را در اولویت قرار دهد.

اداره امور تعاونی

میزان گستردگی و چگونگی فعالیت اقتصادی و سیاسی اعضای تعاونی، تاثیر عمده‌ای بر نحوه اداره امور تعاونی می‌گذارد و نقش تعیین‌کننده‌ای بر شرکت تعاونی، مبنی بر باقی ماندن و ادامه حیات به عنوان یک تعاونی دارد. هرچه میزان فعالیت اقتصادی و سیاسی اعضا بیشتر باشد، تعاون و همکاری در شرکت تعاونی بیشتر است و بالعکس.

شاخصهای اقتصادی و سیاسی مرتبط با فعالیتهای تعاونی به شرح ذیل می‌باشند. سیستم اداره امور تعاونی باید تعاملی و تشویق‌کننده همکاری و تعاون باشد. یک شرکت تعاونی نباید تصور نماید که ارزشهایش برای اعضای جدید کاملاً واضح و آشکار است و آنها به این ارزشها وفادارند. تعاونیها باید به طور مستمر درصدد جلب حمایت و وفاداری اعضا باشند و ماهیت و سیر تکاملی اداره امور تعاونیها وابسته به این فعالیت است.

تفاوتها و مزئیهای تعاونی

راز شکل‌گیری و توسعه مستمر و موفقیت هر شرکت تعاونی در درک، پذیرش و توجه عملی به تفاوتها و مزئیهای تعاونی نهفته است.

این نکته که ساختار شرکت تعاونی یگانه^(۲) است و با بنگاههای اقتصادی عمومی و خصوصی تفاوت دارد؛ مورد قبول همگان می‌باشد. با پذیرش این نکته، به طور منطقی نتیجه می‌گیریم این تفاوت موجب یک مزیت برای تعاونی است.

تفاوتها و مزئیهای تعاونی دارای شش جنبه وابسته به یکدیگر می‌باشند:

- ۱- درک روشنی از فلسفه تعاون
- ۲- اداره امور تعاونی به گونه‌ای که نشان دهنده و تقویت‌کننده تعاون باشد.
- ۳- عملکرد مدیران که منعکس‌کننده تعاون و تقویت‌کننده آن است.
- ۴- تجدیدنظر مستمر در برنامه‌های جاری شرکت تعاونی
- ۵- آموزش مستمر اعضا
- ۶- مشارکت مستمر اعضا در

فعالیت اقتصادی	فعالیت سیاسی	
حداقل یا عدم فعالیت	حداقل یا عدم فعالیت	خطر بسیار زیاد
فعالیت متوسط	فعالیت زیاد یا متوسط	خطر زیاد
بالا	پایین متوسط	خطر متوسط
بالا	بالا	خطر حداقل

شاخص عدم سلامت	شاخص سلامت	
کمتر از ۷۵٪	بالا تا حد ۱۰۰٪	اعضای استفاده‌کننده از خدمات
۲۰٪ و بیشتر	صفر	اعضای غیر استفاده‌کننده از خدمات
۲۰٪ و بیشتر با غیر عضو	۸۰٪ و بیشتر با اعضا	حجم معاملات تجاری
عدم رقابت	رقابت	انتخاب هیأت مدیره
کمتر از ۹۰٪	۱۰۰٪	حضور اعضای هیأت مدیره
نسبت پایین	نسبت بالا	سرمایه اعضا (سهام)
پایین	بالا	حضور در جلسات مشاوره و همفکری
کمتر از ۸۵٪	بیش از ۸۵٪ موارد	رای مخفی
کمتر از ۸۵٪	بیش از ۸۵٪	پاسخ به بررسیهای اعضا
کم	زیاد	رای به هیأت مدیره
طولانی	کوتاه	دوره تصدی هیأت مدیره
کمتر از حدنصاب	بیشتر از حدنصاب	حضور در مجمع عمومی
دلسرده‌کننده	دلگرم‌کننده	بحث و مذاکره در مجمع عمومی
نداشتن سایت و ایستا بودن	ایجاد سایت و به هنگام نمودن آن	سایت اینترنت
نامساوی	به نسبت مساوی	جنسیت مدیران
نامساوی	به نسبت مساوی	جنسیت هیأت مدیره
نامستمر و یا عدم آموزش	مستمر	آموزش کارکنان
//	//	آموزش مدیران
//	//	آموزش اعضا
خیر یا غیرمستمر	بله و مستمر	انتشارخبرنامه

به لحاظ قانونی تعاونی محسوب می‌شوند و ممکن است اعضای آنها نیازهای اقتصادی و سیاسی خود را نیز تامین نمایند اما اکثریت استفاده‌کنندگان از خدمات آنها را افراد غیرعضو تشکیل می‌دهند. در چنین وضعیتی، شاهد یک تعاونی قانونی هستیم که ارزشها و اصول تعاونی را مدنظر قرار نمی‌دهد.

هنگامی که اکثریت افراد استفاده‌کننده از خدمات تعاونی را غیراعضا تشکیل می‌دهند، نه تنها تضادی بین اعضا و غیراعضا به وجود می‌آید بلکه چالش

کننده از خدمات خود باشند که عضو تعاونی نیستند.

هرچه تعداد اعضای غیرفعال اقتصادی و سیاسی بیشتر باشند، به همان میزان، خطرات^(۳) ادامه حیات تعاونی به عنوان شرکت تعاونی بیشتر می‌شوند. این خطرات می‌توانند به مقولات فوق تقسیم شوند.

این خطرات زمانی به اوج خود می‌رسند که بخش مهم یا اکثریت استفاده‌کنندگان از خدمات تعاونی‌ها را غیراعضا تشکیل دهند. این گونه تعاونی‌ها

روبرو می‌باشد و عوامل جدیدی در راه توسعه تعاونی قرار می‌گیرند؛ از جمله، اختلاط بین ارزشها و منافع تعاونی و منافع شخصی. مسائلی که به تدریج مطرح خواهند شد عبارتند از این که: چه کسی تعاونی را اداره می‌کند، چه کسی تصمیمات را می‌گیرد و این که ماهیت کارآفرینی تعاونی چیست؟

حالا سؤال این است که تعاونیها چگونه هویت تعاونی را حفظ می‌کنند؟ اگر تعاونیها براساس عناصر تداوم دهنده تعاون و همکاری بنا نمی‌شوند، پس چگونه اعضای آنها و سایر مردم تفاوت آنها را با بنگاههای اقتصادی خصوصی تشخیص دهند.

تعاونیها به هنگام تشکیل، دو گزینه برای توسعه دارند: تقویت ارزشها و اصول تعاونی و یا تضعیف آنها. هیچ یک از این انواع توسعه غیرقابل اجتناب نیستند اما نکاتی هستند که تعاونیها به هنگام تاسیس می‌توانند آنها را برای تقویت و یا تضعیف همکاری برگزینند. البته این موضوع بستگی به شناخت و درک عوامل تقویت یا تضعیف کننده اصول و ارزشهای تعاونی دارد.



شکست تعاونی هنگامی تحقق می‌یابد که شرکت تعاونی قطع نظر از حیات اقتصادی، به اصول و ارزشهای تعاونی توجه نمی‌کند. بدین معنی که حیات اقتصادی شرکت تداوم دارد و به مرحله سوددهی می‌رسد اما تعهد آن به اصول و ارزشهای تعاونی تنها حالت سمبولیک دارد. لذا در چنین حالتی نمی‌توان شرکت تعاونی را یک تعاونی کامل و یا یک بنگاه اقتصادی تمام عیار نامید.

مدیریت تعاونی باید به گونه‌ای

تقویت کننده ارزشهای تعاونی باشد.

هیات مدیره تعاونی، مدیرانی را (مدیرعامل) برای اداره شرکت به نمایندگی از اعضا انتخاب می‌کنند. هیات مدیره نباید این گونه تصور نماید که نقش او اداره تعاونی است و نقش مدیرعامل، اداره فعالیتهای تجاری شرکت است.

این نوع تقسیم‌بندی، غیرموجه به نظر می‌رسد و در درازمدت آثار غیرقابل انتظاری به جای می‌گذارد. نباید هیچ گونه تمایز و جدایی بین «شرکت تعاونی» و «فعالیت تجاری»^(۵) قائل شد. به جای آن، باید توجه داشته باشیم که مدیران تعاونی نیازمند تسلیق ارزشهای تعاونی با فعالیتهای مدیریتی می‌باشند. بدون چنین تلفیقی، تضادی حتی بین موفقیت «شرکت تعاونی» و «فعالیت تجاری» به وجود خواهد آمد.

البته نباید تصور شود که هیچ نوع تفاوت و تمایزی بین مسؤولیتهای یک

به اشتباه آنها را عامل تضعیف کننده فعالیتهای تجاری می‌دانند. بیانیه هویت تعاونی اتحادیه بین‌المللی تعاون باید الهام بخش فعالیتهای شرکتهای تعاونی باشد.

مدیریت تعاونی باید به گونه‌ای منعکس کننده و تقویت کننده نهضت تعاون باشد.

مدیریت تعاونی بایستی مبتنی بر ارزشها و اصول تعاون باشد. به این معنی که مدیریت باید به عنوان مثال، تقویت کننده عناصر ذیل باشد:

- کنترل اعضا
- عضویت فعال
- آموزش تعاونی
- تعاون و همکاری بین تعاونیها

برنامه مستمر برای تجدید حیات تعاونی

شرکت تعاونی از ابتدای تشکیل با چالشهایی برای رشد و موفقیت خود

فعالیتهای تعاونی

یک شرکت تعاونی به هنگام تشکیل، باید پیش شرطهایی برای انطباق مداوم با شرایط متغیر و تجدید حیات خود در نظر بگیرد. شرکتهای تعاونی به طور اجتناب‌ناپذیری در انطباق با فرآیندهای داخلی و خارجی، فشارها و پویایشها تغییر می‌کنند اما باید به گونه‌ای به حیات خود ادامه دهند که هویت تعاونی خود را حفظ نمایند.

فلسفه روشنی از تعاون

تعاونی نمی‌تواند در خلاء به وجود آید و بدون فلسفه‌ای روشن از تعاون که ایجادکننده چارچوبی برای فعالیتهای اقتصادی‌اش می‌باشد به حیات خود ادامه دهد، پس تفاسیر مختلف و بعضاً صریح از معنی فلسفی و اهمیت شرکت تعاونی وجود خواهد داشت.

برخی از تعاونیها متأسفانه درک کاملی از ارزشها و اصول تعاونی ندارند و

هیات مدیره و مدیران عامل، وجود ندارد.

اجرای برنامه آموزش مستمر اعضا

شرکت تعاونی متعلق به اعضا می‌باشد و آموزش مستمر اعضا، تضمین‌کننده کنترل آنها بر شرکت است. آموزش اعضا یک فرآیند دائمی است که اعضا از طریق آن می‌توانند بین منافع شخصی و منافع گروهی پیوندی مناسب برقرار نمایند. وظیفه هیات مدیره، تعیین مسیر و چشم‌انداز آموزش اعضا می‌باشد و وظیفه مدیریت اجرایی، جامه عمل پوشاندن به آن است.

آموزش اعضا باید دارای برنامه و بودجه مشخص بوده و شامل موارد ذیل باشد:

- دموکراسی تعاونی و نحوه عملی ساختن آن
- تاریخچه تعاون
- هویت تعاونی
- نقش اعضا و مشارکت آنها
- تفاوت تعاونی (با سایر بنگاههای اقتصادی)

● مدیریت تعاونی
باتوجه به رشد فعالیتهای شرکت تعاونی و پیچیدگیهای آن، اعضا به طور فزاینده در ارزیابی اثربخشی فعالیت مدیران، دچار مشکل می‌شوند. لذا اهمیت آموزش تعاون هر روز آشکارتر می‌گردد.

اجرای برنامه برای مشارکت مستمر اعضا

عامل تهدیدکننده رشد پایدار شرکت تعاونی، کاهش قدرت اعضای تعاونی می‌باشد. در نتیجه، نیازمند توجه به نکات ذیل می‌باشیم:

- پیش‌بینی فرآیندهایی که قدرت مدیران را محدود نماید.
- اطلاع‌رسانی مستمر
- تداوم ارتباط قابل انعطاف و باز، بین اعضا و مدیران

رشد شرکت تعاونی و تغییر آن باید مبتنی بر تقویت پیوند بین نیازهای اعضا و فرآیندها و فعالیتهای تعاونی باشد و این امر به طور خود بخودی^(۶) تحقق نمی‌یابد. سه نکته کلیدی برای مشارکت مستمر اعضا در فعالیتهای تعاونی وجود دارد؛

اطلاعات (اطلاع‌رسانی)، آموزش و مشورت (نظرخواهی).

شرکت تعاونی نمی‌تواند اعضا را وادار به مشارکت نماید. اما می‌تواند شرایط لازم برای مشارکت آنها را از طریق ساختارها و فرآیندهای مشارکت جویانه، فراهم نماید.

اعضا زمانی مایل به مشارکت در فعالیتهای شرکت می‌باشند که احساس

یک شرکت تعاونی به

هنگام تشکیل، باید

پیش شرطهایی برای

انطباق مداوم با شرایط

متغیر و تجدید حیات

خود در نظر بگیرد.

شرکتهای تعاونی به طور

اجتناب‌ناپذیری در

انطباق با فرآیندهای

داخلی و خارجی، فشارها

و پویایش‌ها تغییر

می‌کنند اما باید به

گونه‌ای به حیات خود

ادامه دهند که هویت

تعاونی خود را حفظ

نمایند.

رضایت و تعلق خاطر نمایند و همچنین احساس نمایند که قدرت کنترل بر فعالیتهای شرکت و تحقق ایده‌های خود را دارند. لذا چالش کنونی تعاونیها، ایجاد شرایطی است که به تحقق خواسته‌های اعضا کمک نماید.

نتیجه‌گیری

شرکتهای تعاونی زمانی به عنوان تعاونی شکست می‌خورند که به اصول و

ارزشهای تعاونی در عمل، توجه نداشته باشند. در این صورت، ممکن است صرفاً به موفقیت تجاری مبتنی بر رقابت سوددهی نایل آیند. عوامل عدم موفقیت در کلیه تعاونیها وجود دارند؛ اما مسأله این است که آیا اعضا، هیات مدیره و مدیران اجرایی می‌توانند برای حل آنها تلاش نمایند یا خیر. شکست فعالیتها به این معنی خواهد بود که عوامل و عناصر عدم موفقیت، اهمیت فزاینده خود را در توسعه آتی تعاونی حفظ می‌نمایند.

شکست شرکت تعاونی غیرفعال غیرقابل اجتناب نیست. اما از نتایج غیرقابل اجتناب عدم موفقیت شرکت تعاونی این است که باید به اهمیت اصول و ارزشهای تعاونی پی ببریم و از اتخاذ تصمیمات غیرقابل انطباق با این اصول و ارزشها پرهیز نماییم:

● شرکت تعاونی ممکن است از پذیرش اعضای جدید خودداری نماید و در نتیجه، تعداد افراد غیرعضو استفاده کننده از خدمات شرکت نسبت به اعضا فزونی یابند. و این اتفاقی است که برای تعاونی تولیدکنندگان «ویکتوریا» به وقوع پیوست.

● شرکت تعاونی ممکن است تصمیم به افزایش سرمایه از طریق سهامداران غیرعضو نماید و در نتیجه باعث ایجاد تضاد بین منافع سهامداران عضو و غیرعضو گردد.

● ممکن است که شرکت تعاونی به بازاریابی محصولات و خدمات خود بپردازد اما در این بازاریابی، شرکت تعاونی را به عنوان تعاونی معرفی ننماید و این نکته را انکار کند که تفاوت تعاونی در بازاریابی یک دستاورد محسوب می‌گردد. انتخابهای زیادی فراروی تعاونیها قرار دارند. این یک انتخاب دموکراتیک و تصمیم‌گیری داوطلبانه است.

پی‌نوشت‌ها:

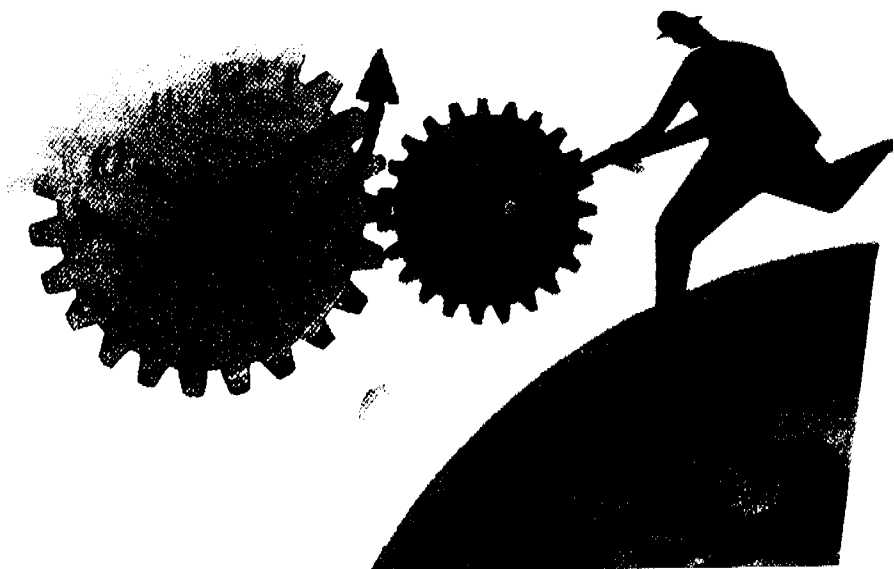
- 1- The Formation decision
- 2- The Formation Process
- 3- Risks
- 4- Unique
- 5- business
- 6- Automatically ●

دیگر در فرآیند جهانی شدن باعث ایجاد چالشهای عمده‌ای می‌شود. در سالهای اخیر رقابت بین کشورها شدیدتر شده است، بویژه در کشورهای در حال توسعه که چگونگی تولید و بازاریابی انواع کالاهایی که در کشورهای صنعتی پیشرفته نیاز است آموخته‌اند. بدین لحاظ اگر کشوری نتواند به رقابت پاسخ دهد، میزان اشتغال در آن کشور پایین می‌آید و سطح استانداردهای زندگی کاهش می‌یابد.

آموزش و فناوری عناصر کلیدی برای پاسخ مناسب به چالشهای ناشی از جهانی شدن هستند. از این رو تنها شیوه برای رقابت در مقابل دستمزدهای پایین در کشورهای در حال توسعه، بهبود مهارتها و افزایش کارآیی تولید و پاسخ سریعتر و موثرتر به خواسته‌های مصرف‌کنندگان می‌باشد.

بیشترین موفقیت کشورهای صنعتی توسعه یافته به دلیل اقدامی است که انجام داده‌اند و آن عبارتست از اینکه: آنها بر پیشرفت در زمینه‌های تکنولوژی و آموزش به منظور پاسخگویی به چالشهای ایجاد شده توسط جهانی شدن تاکید می‌کنند در نتیجه تعداد زیادی از جمعیت کشورهای صنعتی تحصیلات دانشگاهی دارند. در این کشورها سرمایه‌های زیادی در زمینه تحقیق و توسعه صرف می‌شود. همچنین این کشورها انعطاف‌پذیری زیادی در بازسازی اقتصاد خود نشان داده‌اند و بازسازی بخش اقتصاد در این کشورها موجب تقویت بخش خدمات و رشد عملکرد شرکتهای کوچک و متوسط شده است.

در این کشورها، شرکتهای کوچک و متوسط (که شرکتهای تعاونی نیز جزئی از آنها هستند)، علی‌رغم مواجه شدن با برخی مشکلات، در رقابت موثر با شرکتهای بزرگ سهم عمده‌ای در ایجاد اشتغال داشته‌اند. این شرکتهای نیازمند دسترسی به منابع مالی، تکنولوژی مدرن و جایگاهی مناسب در بازار جهانی هستند. از اینرو دولت ناگزیر خواهد بود تا نقش مهمی را در برآورده ساختن نیازهای آنان ایفا نماید. محورهای موفقیت آمریکا در دهه ۹۰ در زمینه اینترنت و بیوتکنولوژی بوده است؛ این مهم از طریق انجام



نقش تعاونیها در جهانی شدن

• جوزف. ای استیگلیتز

• ترجمه: علی‌اصغر عزیزی

مقاله حاضر ترجمه مقاله **The Role Of Cooperatives in Globalization** نوشته ژوزف استیگلیتز می‌باشد. نویسنده مقاله ابتدا به تأثیراتی که جهانی شدن در روند اقتصاد جهان بوجود می‌آورد اشاره می‌کند و سپس به تجربیات کشورهایی که از شرکتهای تعاونی در اقتصاد خویش بهره برده‌اند و توانسته‌اند از طریق تعاونیها گام‌های بزرگی را در جهت شکوفایی اقتصاد خویش بردارند، می‌پردازد. و در نهایت نقش اساسی را که تعاونیها می‌توانند در هدایت روند جهانی شدن تجارت داشته باشند، مطرح می‌نماید. امید است در کشور ما نیز تعاونیها در کنار بخش خصوصی و دولتی نقش مهمی در اقتصاد کشور دارند برای این بخش چاره‌اندیشی‌های لازم و شایسته‌ای صورت دهند.

جهانی شدن در کنار ایجاد فرصتها، چالشهایی را نیز بوجود می‌آورد. گسترش بازارها و دسترسی به دانش و تکنولوژی تولید در سرتاسر جهان، فرصتی را برای افزایش مستمر استانداردهای زندگی فراهم می‌آورد. اما رقابت با کشورهای

در حال حاضر مبحث جهانی شدن به عنوان یکی از مباحث عمده در محافل علمی جهان مطرح است و در گوشه و کنار جهان صاحب‌نظران هر کدام به فراخور زمینه علمی و تخصصی خودشان نظرات مختلفی را در این زمینه بیان می‌کنند.

جهان قرن بیست و یکم جهانی مملو از رقابت، همراه با ظهور فن‌آوریهای نوین، توسعه تجارت و گسترش بازارها خواهد بود. گسترش واژه‌هایی همچون اینترنت، تجارت الکترونیکی و این که جهان به دهکده جهانی تبدیل شده است از مباحث روز است. از این رو تعاونیها نیز به ناچار بایستی در فرآیند جهانی شدن خود را با تغییرات ایجاد شده وفق دهند و با اعمال سیاستها و راهبردهای مناسب در مقابل چالشهای بوجود آمده در این فرآیند جهانی بتوانند به حیات موثر و سودمند خود ادامه دهند. در این رهگذر تعاونیها می‌بایست قابلیت‌های خود را بشناسند و با توجه به فرصتها و به کارگیری فناوریهای جدید نقش‌هایی را که می‌توانند در نظام نوین جهانی داشته باشند به طور کامل و مناسبی ایفا نمایند.

تحقیقات بنیادی در هر یک از این زمینه‌ها که توسط دولت فدرال و حمایت‌های مالی صورت گرفته است. در سالهای اخیر کشور ایتالیا نیز به میزان زیادی در عرصه اقتصاد موفق بوده است. یکی از دلایل آن این است که در قلب اقتصاد ایتالیا، شرکت‌های کوچک و متوسط قرار دارند، که اغلب در مقایسه با شرکت‌های بزرگ و دولتی به طور موثرتری نسبت به چشم‌انداز تغییرات جهانی شدن پاسخ می‌دهند. اما دلیل دیگر برای موفقیت ایتالیا در دهه‌های اخیر این است که این کشور برای آگاهی از نیازهای مشترک مردم، از طریق شرکت‌های کوچک و متوسط خود - یعنی شرکت‌های تعاونی، چارچوب اداری منحصر به فردی را بوجود آورده است. در جهان در حال توسعه، کشورهای دیگری از جمله مکزیک، در حال بررسی تجربه ایتالیا هستند، بلکه بتوانند نکات مهمی از آن کشور بیاموزند.

نهضت تعاونی نقش مهمی در توسعه کشاورزی و کشت و صنعت‌ها ایفا کرده است. این مورد حتی در کشوری چون آمریکا، که از مدتها قبل حامی اقتصاد بازار بوده است، نیز صدق می‌کند. تعاونیها در این کشور در زمینه بازاریابی و تامین اعتبار برای تولید محصولاتی از قبیل توت فرنگی، کشمش، گیاهان روغنی و تولید عصاره پرتقال نقش محوری در موفقیت و توسعه بیشتر این محصولات در آمریکا داشته‌اند و در ارائه مدیریت کارآمد و نظم بخشی مالی مطابق با چشم‌اندازهای اجتماعی موفق بوده‌اند. به همین دلیل است که تعاونیها به طور بالقوه نقش کلیدی در فرآیند توسعه ایفا می‌کنند. در اکثر کشورهای در حال توسعه، سازمان‌های غیردولتی (NGOs)، عمدتاً تعاونی‌های اثربخشی هستند که نقش مهم و فزاینده‌ای در توسعه دارند. برای مثال، در کشور بنگلادش، چنین سازمانهایی، از طریق فراهم آوردن وام‌های کوچک برای توسعه موسسات تجاری جدید، زندگی میلیون‌ها انسان را تحت تاثیر قرار می‌دهند. این سازمان‌ها (تعاونیها) برای برطرف کردن نیازهای جدید تشکیل می‌شوند. برای مثال مرغداریهایی که با

کمک تعاونیها احداث می‌شوند به خوراک طیور و سایر مواد مرغوب برای تغذیه جوجه‌ها نیاز دارند. بنابراین تعاونیها به تهیه مواد ذکر شده کمک می‌کنند. همچنین، تعاونیها به بازاریابی این تولیدات نیز کمک می‌کنند.

برای تعاونیها، در دنیای در حال توسعه، جهانی شدن در کنار ایجاد چالش‌ها فرصت‌های عمده‌ای را فراهم می‌آورد. در جهان، کشورهایی که هم در زمینه رشد اقتصادی و هم در زمینه کاهش فقر بسیار موفق بوده‌اند، کشورهای شرق آسیا هستند که از فرصت‌های ایجاد شده توسط جهانی شدن سود فراوانی برده‌اند؛ آنها کالاهای خودشان را در بازارهای بین‌المللی به فروش رساندند و از سرمایه‌گذارهای جهانی در کشور خود استقبال کردند، آنها از «تکنولوژی جهانی» سود فراوانی بردند و گام‌های بزرگی برای از بین بردن شکاف دانشی که کشورهای صنعتی را از کشورهای فقیرتر متمایز می‌کرد، برداشتند.

اما در دیگر مناطق جهان، برخی کشورها نتوانستند به چالش‌های جهانی شدن واکنش نشان دهند. آنها فکر می‌کردند که رقابت با کالاهای تولید شده توسط تکنولوژی مدرن کشورهای خارجی مشکل است، و به این نتیجه رسیدند که دستیابی به تکنولوژی که به آنها اجازه رقابت بدهد مشکل است، و حتی زمانی که آنها در تولید کالاهای رقابتی موفق شدند، بر این باور بودند که بازاریابی این کالاها در خارج از کشور مشکل است. همچنین آنها فکر می‌کردند که دسترسی به سرمایه‌های مورد نیاز دشوار است. بنابراین زمانی که سیل واردات خارجی در این کشورها اشتغال را از بین برد، آنها قادر به ایجاد مشاغل جدید نشدند بدین ترتیب آنها دریافتند که در روند جهانی شدن تجارت حفظ ثبات سیاسی و اجتماعی مشکل است. طرفداران حمایت از تولیدات داخلی در کشورهای شمال و توافقنامه‌های تجاری ناعادلانه (مانند توافقنامه دور اروگوئه که در سال ۱۹۹۴ منعقد شد) نیز به هر حال، شرایط کاری را برای این کشورها مشکلتر ساخت. برای غلبه بر فقر دامن‌گیر در کشورهای

در حال توسعه، مسلماً حمایت‌های مالی خارجی نیاز است. ما به نتایج حاصل از ارائه کمک‌های مالی به این کشورها پی برده‌ایم. سطح بهداشت در این کشورها افزایش یافته است، سطح سواد آنان بالا رفته و درآمد‌هایشان نیز افزایش یافته است. اما به دلیل توافقنامه‌های تجاری ناعادلانه اکثر این پیشرفت‌ها به نقطه مطلوبی نرسیده‌اند. برای مثال زبانی که به کشاورزان پنبه کار در صحرای آفریقا در نتیجه پرداخت سوسیدهای زیاد به پنبه کاران آمریکا وارد شد قیمت‌های جهانی پنبه را در بعضی کشورهایی که به میزان زیادی وابسته به حمایت‌های خارجی بودند دچار رکود کرد. بنابراین ما عمدتاً در می‌یابیم که برنامه‌های مردم برای مردم در سطح پایین دولتی می‌توانند علاوه بر تقویت توسعه، در زمینه آگاهی مردم از شرایط بین‌المللی نیز نقش عمده‌ای داشته باشند. البته این همان نظریه «گروه‌های صلح» (Peace Corps) رئیس‌جمهور آمریکا کندی بود.

یکی از موفق‌ترین تعاونی‌های آمریکا، لند اولکس (Land O'Lakes)، که ابتدا تحت عنوان انجمن تعاونی کارخانه‌های لبنیات مینسوتا (Minnesota) شروع به فعالیت نمود، در بهبود توسعه در سراسر جهان از جمله در کشورهای آلبانی تا بنگلادش، کلمبیا، گواتمالا، هندوراس و تانزانیا بسیار فعال بوده است. این تعاونیها حمایت‌های خود را در زمینه‌های خاصی مانند صنعت لبنیات متمرکز کردند و در برخی کشورها، مانند بلغارستان، گواتمالا و تانزانیا، پاکستان، ویتنام و فیلیپین، این تعاونیها به ایجاد برنامه‌های تغذیه مدارس کمک کردند. این تعاونیها با همکاری «اتحادیه‌های دولتی و خصوصی توسعه روستایی سازمان ملل متحد»، به آماده‌سازی و تهیه برنامه‌های جامع توسعه روستایی کشور ماداگاسکار کمک می‌کنند.

تنها از طریق چنین تلاش‌های جهانی است که ما قادر خواهیم بود که جهانی شدن را هدایت کنیم - یعنی اینکه آن را به صورت نیروی مثبتی که بتواند برای رفاه و آسایش مردم جهان استفاده گردد، درآوریم. ●

آموزش و ارتقاء کارکنان تعاونی (تجربه هندوستان)

• یانیش کومار
• ترجمه: طاهره اکبری

اشاره

آموزش و ارتقاء کارکنان یکی از عناصر حیاتی در برنامه‌های توسعه نیروی انسانی (HRD) هر سازمان و نهاد اقتصادی و تجاری است. بدین جهت آموزش‌های دوره‌ای بیش از کسب تجربه برای کارکنان تاثیرگذار می‌باشد. از این رو آموزش به معنای تقویت هویت کارکنان تعاونی و هموار کردن مسیر شکل‌گیری فرهنگ سازمانی است. در دنیای مدرن وجود مراکز آموزشی با ساختار استوار و برنامه‌های آموزشی مرتبط با اهداف در پیش‌رو از جمله ویژگی‌های هر سازمان و نهادی قلمداد می‌شود.

تعاونیها سازمانها و نهادهایی متمایز از سایر سازمانهای اقتصادی اجتماعی هستند، چرا که تنها نهادهایی‌اند که اعضا داوطلبانه آن را تشکیل می‌دهند، علی‌رغم آن که اعضای آن از نظر تفکر سازمانی دارای ایده و تفکر متمایزی از یکدیگر می‌باشند

اما هدف مشترک آنان سبب شکل‌گیری و سازمان‌دهی شخصیت حقوقی به نام تعاونی می‌گردد. از این رو نقش کارکنان تعاونیها با سایر نهادها و سازمانها کاملاً متفاوت است. تعاونیها بدون واسطه نیازهای اعضای خود را برآورده می‌کنند. علاوه بر آن کارکنان تعاونیها می‌توانند خود اعضای تعاونی باشند. حال با توجه به این مقدمه، شایسته است در برنامه‌های آموزش و توسعه تعاون، همگام با برنامه‌های آموزشی مهارت‌های تخصصی، علم و آگاهی

از فلسفه تعاون و وفاداری به ارزش‌های تعاون را مدنظر داشته باشیم.

لازمه برنامه ریزی آموزشی برای کارکنان تعاونیها، ایده‌آل‌ها و دیدگاهی کاربردی در حوزه نیازهای آموزشی است. توان کارکنان در درک و توانمندی آنان در تعاونیها را نیز می‌توان گزینه‌ای برای انتخاب کارکنان تعاونیها به منظور شرکت در دوره‌های آموزشی در نظر گرفت.

به هر ترتیب، به منظور تربیت و تقویت کارکنان تعاونیها به عنوان نیروی کاری دارای شخصیت و ماهیت تعاونی، باید سعی و تلاش نماییم.

برنامه‌های آموزشی و توسعه تعاونی‌ها در هندوستان

آموزش کارکنان تعاونیهای هندوستان بر عهده NCCT است که از جمله مراکز آموزشی در سطح کشور و منطقه محسوب می‌شود و بخش اعظم نیازهای آموزشی کارکنان تعاونیهای آن کشور را این مرکز برآورده می‌نماید. البته همزمان با این مرکز سایر مراکز مستقل نیز در امر آموزش کارکنان، به صورت خصوصی و دوره‌های کوتاه مدت، فعال می‌باشند. همچنین فدراسیون اتحادیه تعاونیهای هندوستان هزار گاهی برنامه‌های آموزشی، برنامه‌های آشناسازی و دوره‌های بازارآموزی را برای کارکنان تعاونیها و نیز برای کارکنان ادارات تعاون برگزار می‌نماید.

به منظور گسترش و تقویت آموزش تعاون، دولت (هندوستان) نیز امتیاز جداگانه برای مراکز آموزش تعاون که برنامه‌های مشترک آموزشی را با شرکت سایر نهادهای آموزشی در سطح منطقه و با هدف آموزش مهارت‌های عملی تجارت تعاون برگزار می‌کنند، قائل می‌شود. در همین راستا، برخی از تعاونیهای بزرگ هندوستان که مراکز آموزشی اختصاصی برای کارکنان خود راه‌اندازی نموده‌اند و نیز در جهت آموزش کارکنان سایر تعاونیها کوشا هستند. علاوه بر آن بالاترین مرجع تصمیم‌گیری تعاونیهای هندوستان و تعاونیهای مادر نیز دست به اقدامات ابتکاری می‌زنند.

به همین دلیل شاهد آن هستیم که فروشگاه زنجیره‌ای DCC، فدراسیون بازاریابی و تعدادی از تعاونیهای مادر نیز برای آموزش کارکنان تعاونیهای خود از

متخصصین فن دعوت می‌کنند. علاوه بر این تعدادی از تعاونیهای بزرگتر نیز پروژه‌های مشترک آموزشی خود را با کمک یکدیگر برگزار می‌نمایند.

آموزش و توسعه تعاون در هندوستان

علی‌رغم برگزاری برنامه‌های علمی و مستقل T&D در سراسر هندوستان، هنوز شکاف عمیقی بین بخش تعاون و سایر بخشها را مشاهده می‌کنیم. در همین راستا میانگین حضور متخصصین، نوع تولیدات و دلگرمی کارکنان تعاونیها در مقایسه با هم صنفان آنان حاکی از این شکاف است. از سویی دیگر سهم آموزشی را که هیأت رئیسه تعاونیها یا رهبران تعاونیها می‌پردازند سبب سوءتفاهم آنان در زمینه برنامه‌ریزیهای آموزش تعاون شده است و به همین دلیل سعی دارند ماهیت سیستمهای آموزشی را تغییر دهند.

به همین جهت آنها ترجیح می‌دهند به جای اعزام کارکنان تعاونیها به مراکز آموزش تعاون، آنانرا به سایر مراکز آموزشی خصوصی و دارای شخصیت حقوقی بفرستند. بدین ترتیب می‌توان دلایل مطرح برای عدم کفایت و محدودیت‌های آموزش و توسعه تعاون در هندوستان را به شرح زیر خلاصه نمود:

- ۱- برنامه‌های آموزشی نامتناسب با نیازهای در پیش روی تعاونیها
- ۲- شکاف موجود بین برنامه‌های آموزشی و توسعه به دلیل عدم پوشش فعالیت بخشهای مختلف تعاونیها، عدم شناسایی مشاغل تعاونیها و در نتیجه عدم برنامه ریزی صحیح مطابق نیازهای آموزشی آنان نظیر بازاریابی تعاونیها، تعاونیهای مصرف، مدیریت و غیره
- ۳- قصور مراکز آموزش تعاون برای در نظرگرفتن برنامه‌های آموزشی متکی براهداف اجرایی بخش تعاون
- ۴- عدم شفافیت ساختار و ترکیب فعلی سازمانی و مالی مراکز آموزشی در سطح ملی،

در نتیجه فراگیران برای شرکت در دوره موظف به پرداخت شهریه می‌شوند. حال آنکه میزان شهریه پرداختی صرف تامین هزینه‌های ملزومات آموزشی از جمله وسایل آموزشی، غذا و سایر تسهیلات می‌شود. به همین دلیل سعی بر آن است تا مراکز آموزش تعاون در مسائل مالی خودگردان شوند، اما سوالی که در

اینجا مطرح است در صورت تحقق طرح پرداخت شهریه از سوی فراگیران، سازمان‌ها و نهادهای تعاونی تا چه حد کارکنان خود را برای شرکت در دوره‌های آموزشی و گسترش و ارتقاء دوره‌های آموزش تعاون حمایت خواهند کرد؟ در بسیاری از موارد شاهد آن بوده‌ایم هنگامی که سازمانهای تعاون به عنوان مسئول اعزام نمایندگان تعاونیها به مراکز آموزشی تعیین می‌شوند تحت این شرایط اغلب افراد خاصی حمایت و برای دوره‌های آموزشی اعزام می‌شوند، در نتیجه شرکت کننده‌ای بارها و بارها در دوره‌های آموزشی شرکت کرده و حق سایر داوطلبان نادیده گرفته می‌شود.

۵ - همانطور که در مبحث مرکز آموزش تعاون هندوستان شرح دادیم از آنجایی که این مرکز تنها مرکزی است که عهده‌دار مسؤلیت سنگین و گسترده آموزش نیروی انسانی نهضت تعاون برای تمامی اقشار جامعه می‌باشد، به تدریج در پیوند حلقه‌های ارتباطی ساختار آموزش سه وجهی تعاون (ساختار، آموزش و تعاون) دچار ضعف و نقصان شده است. اغلب مشکلات مراکز آموزش تعاون ناشی از عدم کفایت تجهیزات فیزیکی، لوازم کمک آموزشی، حمایت و راهنمایی مراکز علمی و دانشگاهی و بالاخره کمبود منابع می‌باشد، مسلماً عوامل مورد اشاره برنامه‌های آموزش و توسعه رابه سمت ناکارآمدی سوق می‌دهند.

۶ - مراکز آموزش تعاون عملاً نمی‌توانند به تنهایی عاملی برای پرورش و گسترش تغییر ساختار فکری در نهضت تعاون باشند. این مراکز اغلب خود مایل هستند سایر مراکز دولتی یا خصوصی نیز در این امر سهم باشند و مراکز آموزشی نظیر JTC را باری نمایند.

تمامی این تلاشها درحالی انجام می‌گیرد که اغلب سازمانها و نهادها خود اقدام به افتتاح مراکز آموزشی خاص خود می‌کنند و تسهیلات و امکانات موجود در مراکز همچنان خاک می‌خورد. حاصل دوباره کاری، موازی عمل کردن‌ها به معنی هدر رفتن انرژی و سرمایه است.

۷- تحت چنین شرایطی مراکز آموزشی و تربیتی تعاون در سطح کشور هند نیز به تدریج ساختار مؤسسات آموزش فرهنگی را به خود گرفته‌اند و رویکرد فراگیری در این شرایط بیشتر بر روند دانشگاهی و

امتحان استوار شده است، بدین ترتیب اصول اولیه آموزش در سطح گسترده، با تکیه بر موضوع‌های متعدد در زمینه مدیریت و سایر مباحث مرتبط با تعاون تدریس می‌شوند و سعی بر آن است تا بازارانه دوره‌های آموزشی بلندمدت فراگیران موفق به اخذ مدرک و رتبه شوند. به همین دلیل بخشی از منابع مالی جانبی برای اهدای مدرک و لوح تقدیر به فراگیران دارای رتبه می‌شود و بخش کمی از آن صرف هزینه‌های ضروری حین (دوره‌های آموزشی می‌گردد).

۸ - تعداد بی شماری نیز معتقدند که دوره‌های آموزشی متناسب با توسعه روند رو به رشد جهانی نیست، این نتیجه گیری و عقیده نیز حاکی از کندی تجدیدنظر در برنامه‌های آموزشی است. به عبارتی روشی برای بازنگری و روزآمد نمودن برنامه‌های آموزشی در نظر گرفته نشده است.

۹ - اغلب کارکنان تعاونیها به دلیل انباشته شدن حجم کاری‌اشان تمایلی به شرکت در دوره‌های کوتاه‌مدت ندارند، از سوی دیگر اعزام کارکنان تعاونی برای شرکت در دوره‌های طولی‌المدت به معنی تحمیل بخشی از هزینه‌ها بر دوش سازمان است.

۱۰ - دوره‌های آموزشی را که ادارات و نهادها برنامه‌ریزی می‌کنند کمتر مورد قدردانی و سپاس قرار می‌گیرند و اغلب طی این دوره‌ها به عنوان بخشی از وظایف آنان قلمداد می‌شود. در نتیجه اغلب مراکز دولتی نیز به برگزاری یک دوره آموزشی برای کارکنان تعاونی بسنده می‌کنند، در چنین موقعیتی، شرایط برای تمرین در سرعت عمل و سنجش مهارت فراگرفته شده فراهم نمی‌شود.

پیشنهادات در زمینه آموزش و توسعه

تعاون

احیای آموزش و توسعه تعاون امری ضروری است. توجه به پیشنهادات اساسی و همه جانبه که در زیر به نظر تان می‌رسد می‌تواند راه گشا باشد:

۱- روند و رویکرد آموزش به شدت به منابع قابل دسترس نظیر تسهیلات فیزیکی، کتابخانه، تعداد فراگیران و همخوانی تعداد فراگیران و منابع مالی بستگی دارد. از این رو مجریان آموزش تعاون باید هوشیار باشند که آموزش مدرن پر هزینه است اما در صورت

هدایت شایسته و مدیریت مناسب تأثیرات آن حیران هزینه را می‌کند.

۲ - به هنگام حمایت مالی داوطلبان برای شرکت در دوره‌های آموزشی شاهد برخورد‌های سهل انگارانه و غیر جدی می‌باشیم.

از سویی دیگر معمولاً کسانی که توان پرداخت دارند آنرا پنهان می‌کنند و اغلب این دسته برای شرکت در دوره‌های آموزشی انتخاب و اعزام می‌شوند و افراد نیازمند به آموزش از آن محروم می‌مانند. به عبارتی خیلی از گروه‌های هدف از مزایای آموزش بی‌بهره می‌مانند.

اغلب این مشکلات ناشی از عدم مدیریت مدرسان؛ خود یکی از وظایف پر دغدغه مراکز آموزشی است، چرا که در تمامی مقاطع نقش مدرسان بسیار حائز اهمیت و حساس می‌باشد و بدون آنها آموزش ناقص خواهد بود.

به منظور سازماندهی مدرسان با هدف ارتقاء و ایجاد انگیزه در آنان می‌توان از راهکارهای نام‌نویسی مدرسان تعاون در سمینارها و نشست‌های با حضور اساتید برجسته، تشویق مدرسان به نوشتن شیوه‌های اجرایی آموزش تعاون، بر اساس سیستم پاداش استفاده کرد. این شیوه مسلماً مقدمه عملکرد بهینه خواهد بود.

۷- با تخصصی‌تر نمودن برخی مباحث بر حساسیت موضوعی تعاون بیافزایید. در این راستا بهتر است مراکز آموزشی بر مباحث تخصصی تعاون تأکید بیشتری نمایند و در نتیجه در برنامه‌های آموزشی خود به اثربخشی آموزش تأکید کنند.

۸ - NCUI می‌تواند در راستای جذب همکاری اتحادیه بین‌المللی تعاون، سازمان بین‌المللی کار، سایر نهادهای بین‌المللی برای مشارکت در آموزش دبیران، مدیران، کارمندان و... تعاونیها در JTC و بهینه سازی ملزومات کمک آموزشی، کتابخانه و فراهم کردن مراکز اطلاع‌رسانی در این مراکز گامهای مثبت بردارند.

تقویت و توسعه آموزش تعاون و ارتقاء برنامه‌های آموزشی یکی از مهمترین درون‌دادها برای رشد و سلامت نهضت تعاون است. پیشنهادات مورد اشاره اگر به عنوان یک بسته آموزشی اجرا گردد می‌تواند نیازهای آموزشی را برآورده نماید. ●

اصولاً زن یا مرد بودن در مقام و منزلت اسلامی هیچگونه تأثیری ندارد.

باتوجه به مطالب بالا می‌توان گفت که اسلام بین مرد و زن تفاوت و تمیضی قائل نشده است، آنچه از برتری جنسیت در عمل وجود دارد ناشی از تعبیر و کاربرد آن در جوامع اسلامی است، همچنین در دین اسلام فعالیت زنان در بیرون از خانه منع نشده است. نکته‌ای که باید در زمینه فعالیت زنان اشاره کرد این است که فعالیت این قشر باید آگاهانه، سالم و منطبق با آرمانها و تعالیم اسلامی باشد، نه از منظر تقلید و پیروی کورکورانه از غرب و شرق، زنان مانند مردان نیروهای بالقوه‌ای هستند که اگر از آنها با توجه به ساخت فرهنگی جامعه استفاده شود نقش مهم و مؤثری را در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها ایفا خواهند نمود.

حضور فعال زنان و مشارکت آنان در صحنه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با توسعه کشورها در همه جوانب از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ارتباط تنگاتنگ و مستقیم دارد. به عبارتی وضعیت زنان در هر جامعه‌ای نشاندهنده میزان پیشرفت آن جامعه می‌باشد، از اینروست که مشارکت زنان در زمینه‌های مختلف اقتصادی اجتماعی به منزله یکی از مهمترین شاخص‌ها در روند توسعه محسوب می‌شود. بررسی وضعیت و موقعیت کشورهای جهان از لحاظ توسعه بیانگر این امر است که در جوامعی که تعادل مطلوب، قابل قبول و مشارکت عادلانه زن و مرد در فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فراهم نشده و فرصت منصفانه بروز خلاقیت و استعداد انسانها در آن برقرار نشده است، فرآیند توسعه آن گونه که انتظار داشته‌اند موفق نبوده است و تداوم و شتاب توسعه هنگامی رخ داده که زن و مرد دوشادوش یکدیگر مسؤولیت توسعه را برعهده گرفته‌اند به طوری که در کشورهای پیشرفته ۳۵ تا ۴۸ درصد از نیروی کار را زنان تشکیل می‌دهند. در این جوامع ارزش و ضرورت اشتغال زنان در زمینه‌های گوناگون به خوبی شناخته شده است.

زنان می‌توانند نقش مؤثری به عنوان



نقش تعاونیها در ایجاد اشتغال برای زنان

شکی نیست که

حدود نیمی از

جمعیت هر جامعه را

● سید عبدالحمید موحدی نائینی

افراط و تفریطها و حیف و میل‌هاست، چاره‌جویی خواهند نمود و نظام اقتصادی هر خانواده را از اساس و استواری بهره‌مند خواهند ساخت. هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند سلامت خود را حفظ کند مگر آن که به سلامت واحدهای تشکیل دهنده خود یعنی خانواده متکی باشد و سلامت خانوادگی فراهم نخواهد آمد مگر آن که رشد فکری زن در مقام یک مدیر خانه و یک مربی فرزند و یک انسان دلسوز و علاقه‌مند به رفاه دیگران فراهم آید.

بر طبق اصول شریعت مقدس اسلام از اینکه فرد مذکر یا مؤنث باشد قرآن کریم می‌فرماید: «ومن کل شیء خلقنا زوجین» (همه چیز را به صورت جفت آفریدیم)، آیه شریفه فوق مصداق بارز زنان و مردان است که هر یک به تنهایی چیزی نیستند اما با هم و درکنار هم همه چیز هستند. به عبارتی هر یک نقشی دارند اما نقش کارساز و موثر، در تشریک مساعی آنان است، اسلام درباره استعداد و امکانات مرتبط به زن و مرد نگرش واحدی دارد و رسول اکرم (ص) در این باره می‌فرماید: «انما نساء شقائق الرجال» (زنان، همتای مردانند). اسلام مسؤولیت زنان را در جامعه هم‌تراز با مردان می‌داند و بین سهم مرد و زن و فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تفاوتی قائل نشده و

زنان تشکیل می‌دهند و این گروه کثیر که عهده‌دار تنظیم امور خانوادگی و تعیین کننده مسیر اقتصاد و خانواده محسوب می‌شوند، دخالت مستقیم در امور اقتصادی و تنظیم بودجه خانوادگی دارند و هر نهضتی که بخواهد رفاه اجتماعی و نظم اقتصادی را توسعه دهد ناگزیر است که از توجه همکاری طبقه‌ای که نیمی از جمعیت جامعه را تشکیل می‌دهند، بهره‌مند گردد.

آزادیهای اجتماعی و حقوق سیاسی زنان در جهان امروز که ارمغان روشنفکری و اشاعه علم و دانش در میان طبقه زنان جامعه امروز است و همچنین بهره‌مندی از مزایای اجتماعی که امروزه در جوامع مسلمان به فراخور اوضاع که به چشم می‌خورد، موجب گردیده تا توجه نهضت تعاونی که همواره از روابط افراد جامعه نیرو می‌گیرد و برای بهبود زندگی همه طبقات مردم در تلاش است، به خود جلب نماید.

زنان هر جامعه چه در مقام طبقه مصرف‌کننده و چه به صورت یک رکن اساسی واحد خانوادگی، چنانچه دارای تربیت اقتصادی باشند و به اثرات هماهنگی درآمدها و هزینه‌ها در رفاه خانوادگی آشنا گردند و به خصوصیات صرفه‌جویی و مال‌اندیشی و پس‌انداز عادت کنند، بسیاری از بیماریهای اقتصادی هر جامعه را که ناشی از ولخرجیها،

روشنفکران، سیاست‌گذاران، تصمیم‌گیران، برنامه‌ریزان، یاری‌رسانان و بهره‌گیران از توسعه ایفا کنند. به گفته کارشناسان، زنان به لحاظ تواناییهای خود می‌توانند بر کندی و سرعت جریان‌ات توسعه جوامع اثر گذارده و تعیین‌کننده باشند به نحوی که امروزه میزان و نقش مشارکتهای زنان از نشانه‌های اصلی موفقیت سیاستهای توسعه‌ای به شمار می‌رود.

نقش زنان را در توسعه می‌توان از جوانب مختلف بررسی کرد که در این مقاله بخش کشاورزی و روستایی، در نظر گرفته شده است. یکی از استراتژیها و محورهای اساسی توسعه، بخش کشاورزی است به طوری که بسیاری از کشورها با اتکا به این بخش توانسته‌اند خود را در کنار کشورهای پیشرفته و توسعه یافته که استراتژی توسعه آنها بر مبنای آن بوده است، ببینند، یکی از محورهای زیربنایی استراتژی کشور برای توسعه، نیروی انسانی است که در این میان نیز زنان به خصوص زنان روستایی بخش عظیمی از نیروی انسانی را برای بخش کشاورزی تأمین می‌کنند.

زنان روستایی نیمی از جمعیت روستایی را تشکیل می‌دهند که این جمعیت نیز دوشادوش نیم دیگر از مردان روستایی در تولید محصولات دامی و کشاورزی نقش بسزایی دارند. حتی فروش بعضی از محصولات تولید شده نیز توسط زنان روستایی در بازارهای محلی صورت می‌گیرد، از این رو نقش زنان روستایی در فعالیتهای کشاورزی و اقتصادی انکارناپذیر است، که آمار و ارقام گویای این واقعیت است. برای مثال در کشور خودمان زن روستایی در حالی که خانه‌دار است در نگهداری و تعلیم و تربیت کودکان، امور کشاورزی، پرورش دام و صنایع دستی نقش عمده‌ای دارد. در تحقیقی که در چندین سال قبل به عمل آمد گزارش شده است که هر زن فعال روستایی روزانه ۳ تا ۵ ساعت از وقت خود را در امور مربوط به صنایع دستی صرف می‌کند، در کارهای مربوط به زراعت و باغداری مانند وچیز، نشاگری، چیدن و بسته‌بندی محصول و امور مشابه دیگر مشارکت فعال دارد، هر زن سالانه از ۲۰ روز تا دو ماه و روزانه از

۴ ساعت تا ۸ ساعت در امور زراعی به شوهر خود کمک می‌کند.

بعضی از زنان روستایی در امور اقتصادی هم‌تای مردان خود می‌باشند و حتی گاه در اداره و رهبری کار مشارکت دارند و سرپرستی بخش عمده‌ای از عملیات اقتصادی خانواده را به عهده می‌گیرند، اخیراً نیز در تحقیق دیگری به این نتیجه رسیده‌اند که ۴۰ درصد فعالیتهای کشاورزی به وسیله زنان روستایی انجام می‌شود و همچنین آمارها نشان می‌دهند که ۲۵ درصد ارزش‌افزوده بخش کشاورزی را زنان روستایی ایجاد می‌کنند و نیز حدود ۸۵ درصد فعالیتهای دامداری و صنایع لبنی در روستاها توسط زنان اجرا می‌شود و آنان در برخی تولیدات کشاورزی و باغی ۱۰۰٪ حضوری فعال دارند.

بنا به گزارش فائو (سازمان خوار و بار و کشاورزی جهانی) فعالیتهای زنان روستایی در برخی از کشورها دو برابر مردان است. برای مثال در تانزانیا، سالانه مردان ۸۰۰ ساعت و زنان حداقل ۱۶۰۰ ساعت به کار کشاورزی می‌پردازند. با این وضع می‌توان گفت در کشورهایی که اساس و مبنای توسعه با به عبارتی استراتژی توسعه آنها کشاورزی است، بدون حضور و فعالیت زنان روستایی، توسعه کشاورزی امریست محال.

نقش دیگر مشارکت زنان در روند توسعه اقتصادی، اجتماعی از طریق کنترل رشد جمعیت است. یکی از مسائل و مشکلات کشورهای جهان سوم رشد باروری جمعیت است که خود این مسأله، کشورهای فوق را با مسائل و مشکلات فراوانی مواجه کرده است. با مشارکت زنان در زمینه‌های مختلف و نیز با اشتغال زنان این مشکل خود به خود حل خواهد شد و زمینه را برای توسعه فراهم خواهد آورد. کنترل جمعیت یکی از شروط اصلی و اساسی توسعه است به طوری که هر ۱٪ کاهش جمعیت به معنی ۳ درصد افزایش درآمد ناخالص سنی می‌باشد که این شرط اساسی یعنی کنترل جمعیت با اشتغال زنان ارتباط تنگاتنگی دارد. تجربه جهانی نشان داده است که همیشه زنان شاغل و تحصیل کرده فرزندان کمتری بدنیا

می‌آورند. با اشتغال زنان، می‌توان مانع اصلی و اساسی (رشد باروری جمعیت) کشورهای جهان سوم را در امر توسعه از میان برداشت.

باتوجه به مطالب بالا می‌توان گفت که زنان نقش محوری را در توسعه جوامع ایفا می‌کنند چه تأثیرگذاریشان بر تربیت و سرنوشت نسل‌های آینده و چه به عنوان نیمی از پیکره جوامع در رابطه با نقش زنان در توسعه باید نکاتی را مدنظر داشت: نکته اول این است که در کشورهایی که امکان افزایش فرصتهای شغلی وجود ندارد، اشتغال زنان نه تنها در توسعه اقتصادی و اجتماعی نقشی نخواهد داشت بلکه عامل افزایش بیکاری، ایجاد شغل‌های کاذب و افزایش بخش خدمات و در نتیجه رشد تورم خواهد بود. بنابراین عامل مهمی که می‌تواند در نقش زنان برای توسعه متمرکز واقع شود، سرمایه‌گذاری برای توسعه و تنوع فرصتهای اشتغال است. زیرا وقتی فرصت شغلی وجود داشته باشد پای زنان نیز به عنوان نیروی کار به میان کشیده می‌شود، در کشور ما کار زنان روستایی گویای این واقعیت است. برای مثال می‌توان فعالیت زنان روستایی را در هنگام نشاء برنج یا در بعضی مواقع درو کردن و در صورت نبود کمباین، یا فعالیت قالببافی و... نام برد.

نکته دیگری که در رابطه با فعالیت زنان مطرح است این است که آیا کار زنان در خانه فعالیت اقتصادی است یا خیر؟ به عبارتی آیا کار زنان در خانه ارزش‌افزوده ایجاد می‌کند یا خیر؟ در رابطه با این نکته باید گفت کار زنان در خانه یک نوع فعالیت اقتصادی است که ارزش‌افزوده نیز به همراه دارد. مواد اولیه‌ای که به منظور تبدیل به کالاهای مصرفی به خانه وارد می‌شود و تبدیل این مواد به کالاهای نهایی مصرفی، توسط زنان خانه‌دار صورت می‌گیرد. بنابراین اگر به جای مواد اولیه، کالاهای نهایی مصرفی خریداری شود، یعنی به جای سبزی پاک نشده، سبزی پاک شده و آماده یا به جای خرید مواد اولیه غذا، غذای آماده تهیه شود، مابه‌التفاوت پول پرداختی به کالاهای نهایی مصرفی و قیمت مواد تولیدی، ارزش‌افزوده کار زنان محسوب می‌شود، از

عنوان مشاغل که انتخاب گردیده است.					نام کشورها				
عنوان مشاغل					ایران	بنگلادش	پاکستان	ژاپن	مالزی
مشاغل علمی و تخصصی					۳۴/۵	۳/۳	۱۸/۳	۱۳/۱	۷/۶
کارکنان امور دفتری و اداری					۳/۸	۳/۳	۲/۹	۳۳/۳	۹/۹
مدیران و کارکنان عالی رتبه اداری					۰/۲	۰/۱	۲/۷	۱/۰	۰/۳
کارکنان امور بازرگانی و فروشندگان					۱/۲	۳/۳	۲/۳	۱۲/۷	۶/۴
کارکنان امور خدماتی					۳/۳	۳۸/۴	۱۰/۲	۱۱/۵	۸
کشاورزان و دامداران					۲۶/۷	۱۱	۱۶/۶	۰/۶	۳۱/۳
کارکنان مشاغل تولیدی					۲۳/۵	۲۶/۳	۶/۷	۲۶/۸	۱۵/۵
کارکنان مشاغل طبقه بندی شده و اظهار نشده					۵/۸	۱۳/۲	۳۰/۲	-	۱۱
جمع					۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

اینرو می‌توان گفت که امکان دارد در صورت اشتغال زنان به کار در بیرون از خانه و وجود این فرهنگ در بین مردان که کارخانه، کار زنان است، زن شاغل به علت خستگی و عدم فرصت کافی به تدریج به سوی مصرف غذاهای آماده و نیمه آماده کشیده می‌شود که این امر به معنای کاهش تولید اقتصادی در چارچوب خانواده است. در این قسمت از مقاله اشاره‌ای مختصر به وضعیت زنان در جهان و ایران از لحاظ فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در مقایسه با مردان خواهیم داشت، اما قبل از اشاره به آمار و ارقام باید این نکته را متذکر شد که در بسیاری از موارد فعالیتهای زنان به دلایل مختلف به صورت آمار و ارقام در نمی‌آید و از این رو بعضی از آمارهای موجود در این زمینه با واقعیت اختلاف دارند.

گزارشهای توسعه انسانی سازمان ملل مبنی بر آن است که زنان گرچه نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند اما سهم‌شان در جمعیت فعال اقتصادی حدود ۳۰ درصد و در برخی از کشورها بسیار کمتر از آن برآورده شده است. در کشورهای در حال توسعه زنان در بخش رسمی فرصتهای شغلی کمتری دارند ولی در بخش غیررسمی بدون هیچگونه دستمزدی مشغول کار هستند، زنان شاغل در بخش رسمی نسبت به مردان ساعات بیشتری کار می‌کنند و دستمزد کمتری دریافت می‌نمایند. لازم به ذکر است دو سوم از جمعیت یک میلیاردی بیسوادان جهان را زنان تشکیل می‌دهند.

طبق آمار سال ۱۳۷۰ از ۵۵ میلیون نفر جمعیت کشور حدود ۴۸ درصد آن را زنان تشکیل داده‌اند و از این رقم، ۵۷ درصد از زنان کشور در مناطق شهری و ۴۲ درصد در مناطق روستایی کشور سکونت دارند و یک درصد بقیه نیز مربوط به افراد غیر ساکن می‌باشد.

طبق آمار سال ۱۳۷۳، از جمعیت فعال ۱۰ ساله و بیشتر کشور ۹۰/۲۱ درصد شاغل و ۹/۷۹ درصد بیکار و جویای کار هستند. ۸۷/۹ درصد جمعیت فعال را مردان و ۱۱/۱ درصد را زنان تشکیل می‌دهند.

به استناد آمار و اطلاعات موجود در حال حاضر ۳۰ درصد از کارمندان دولت را زنان تشکیل می‌دهند که از این تعداد ۷۰ درصد در وزارت آموزش و پرورش، ۱۱ درصد در وزارت بهداشت و درمان (بیش از ۴۰ درصد کارکنان وزارت بهداشت و درمان را زنان تشکیل می‌دهند) و بقیه در سایر وزارتخانه‌ها اشتغال دارند. هم‌اکنون ۴۰ درصد نیروی انسانی در بخش کشاورزی را زنان تشکیل می‌دهند در بخش تولید محصولات روستایی کشور ۴۷/۶ درصد از محصولات تولید شده حاصل دسترنج زنان روستایی است، ۵۵ درصد از استادان دانشگاههای کشور زن هستند که از این تعداد، ۳۵ درصد در دانشگاههای پزشکی و ۲۰ درصد در دیگر دانشگاهها به تدریس اشتغال دارند. گروههای شغلی، اشتغال زنان ایران و چند کشور آسیایی برای مقایسه در جدول آمده است:

با وجود این که زنان نقش مهمی در روند توسعه اقتصادی و اجتماعی جوامع دارند، اما موانعی وجود دارد که موجب عدم مشارکت آنان می‌شود، از جمله مهمترین و عمده‌ترین موانع مشارکت زنان در روند توسعه اقتصادی و اجتماعی می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. وجود فرهنگ ضعیف و ناشناخته ماندن توان بالقوه زنان در جامعه
۲. عدم خودباوری و اعتماد به نفس در زنان
۳. نبود فرصتهای اشتغال مناسب در جامعه
۴. عدم مشارکت لازم و کافی و همکاری مردان با زنان در کارهای خانه

۵. طرز تلقی نادرست و رفتار تبعیض آمیز پدران

۶. برداشتهای متفاوت دینی در رابطه با زنان از جمله تحصیل و حضور آنها در صحنه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور.

۷. کم‌سوادی و یا تحصیلات در سطح پایین و نداشتن تخصص و مهارتهای لازم

۸. وجود روحیه فرهنگ مردسالاری یا پدرسالاری در برخی از خانواده‌ها

۹. تفاوتهای جسمی و فیزیکی زنان با مردان و در نتیجه عدم توانایی احراز و انجام بعضی از مشاغل و فعالیتهای

۱۰. کمبود زمینه‌های مساعد و کافی برای ورود زنان به پستهای کلیدی و مدیریتی که متناسب با توانایی و تخصص آنهاست.

در عصر ما تعاون یک اهرم مناسب برای توسعه اقتصادی است که می‌تواند همگام با سیاستهای دولت در بهبود شرایط زندگی، کار، تولید و ارتقاء سطح درآمد و وضعیت اجتماعی مردم مؤثر باشد و چنانچه به طور جدی مورد حمایت قرار گیرد بار هزینه‌های دولتی را کاهش داده و به تدریج استقرار شرایطی را سبب می‌شود که طبقات مختلف مردم در مسائل اقتصادی مربوط به خود تصمیم‌گیرنده بوده و متناسب با برنامه‌های عمومی دولت، امور اقتصادی مربوط را عهده‌دار گردند.

با حضور زنان در تعاونیهای زنان، بسیاری از مشکلات و موانع مشارکت آنها در روند توسعه حل خواهد شد و مزایا و فواید زیادی عاید آنان خواهد گشت. از جمله می‌توان به ایجاد منبع

کسب درآمد، افزایش ارزش افزوده محصولات تولید شده و در نتیجه کاهش هزینه‌هایی از قبیل خرید مواد اولیه، هزینه حمل و نقل مواد خریداری شده، افزایش سرمایه و رفع احتیاجات از طریق دریافت وام و اعتبارات، فراهم آمدن شرایط برای ارائه هر چه بیشتر نظرات و پیشنهادات و نهایتاً مشارکت بیشتر زنان در تصمیم‌گیریها، افزایش تخصص و مهارت اشاره کرد، که اینها منجر به مشارکت هر چه بیشتر زنان در روند توسعه اقتصادی و اجتماعی می‌شود. بر این اساس شرکتهای تعاونی به عنوان نیروی محرکه‌ای عمل خواهند کرد که مشارکت زنان را در روند توسعه افزایش می‌دهند. آن چه بیشتر مدنظر است توسعه روستایی است، زیرا زنان روستایی نقش مؤثری در توسعه کشاورزی و در نتیجه توسعه اجتماعی و اقتصادی دارند بدون زنان روستایی، توسعه روستایی تحقق نمی‌یابد و برای این منظور یعنی حضور در فعالیت مؤثر آنها باید زمینه‌های لازم را فراهم کرد و برای رسیدن به اهداف توسعه روستایی باید آموزش، ترویج و سازماندهی امکان‌پذیر گردد.

تعاونیهای زنان روستایی در این راستا می‌توانند با آموزش، هدایت و سازماندهی نیمی از جمعیت روستاها که شامل دختران و زنان می‌باشد نقش مؤثری داشته باشند، این تعاونیها می‌تواند با توجه به توسعه روزافزون طرفداران و مصرف‌کنندگان خانگی (به علت عدم استفاده از مواد شیمیایی) نظیر شیرینی، سبزی، ترشیجات و همچنین کارهای دستی، بافندگی، خیاطی و غیره در بین مردم، زنان را آموزش داده و سپس برای تولید، سازماندهی و هدایت و برای کالاهایشان بازاریابی نمایند تا از این انرژی عظیم در خانه‌ها نیز به نحو مطلوب استفاده گردد. باتوجه به مطالب بالا می‌توان گفت که یکی از ابزارهای اصلی توسعه روستایی، تعاونیهای روستایی می‌باشند که زمینه‌های لازم را برای مشارکت هر چه بیشتر زنان روستایی فراهم می‌نمایند.

با فعالیت در تعاونیها، مشارکت و همکاری گروهی خلاقیت و استعداد زنان

روستایی بارور شده، باعث حضور چشمگیر هر چه بیشتر آنان در صحنه تولید محصولات روستایی می‌گردد. تعاونیهای زنان روستایی در صورت برنامه‌ریزی و سازماندهی دقیق، نقش بسزایی در توسعه اقتصادی و اجتماعی روستاها خواهند داشت.

نتیجه‌گیری

منابع انسانی یکی از عوامل مؤثر توسعه جوامع محسوب می‌شود که از آن به عنوان سرمایه اصلی توسعه نام برده می‌شود، بنابراین موفقیت هر کشوری در مسیر توسعه، پیوستگی تنگاتنگی با کیفیت منابع انسانی آن کشور دارد. منابع انسانی شامل کلیه زنان و مردان می‌باشد، مطمئناً کشوری در مسیر توسعه موفق خواهد بود و بابه عبارتی مرحله گذر از توسعه نیافتگی به توسعه یافتگی رابه سرعت و با موفقیت خواهد پیمود که به زنان که تقریباً نیمی از جمعیت آن را تشکیل می‌دهند، اهمیت بیشتری داده و در برنامه‌های توسعه به آنان جایگاه ویژه‌ای اختصاص دهد.

برای مشارکت زنان باید در امور توسعه زمینه‌های لازم از جمله سرمایه‌گذاری کافی در جهت توسعه و تنوع فرصتهای اشتغال و جهت‌گیری و راهنمایی آنان در گروههای شغلی، افزایش سرمایه‌گذاریها در جهت بالا بردن تحصیلات بویژه برای زنان روستایی و کسب مهارت و تخصص لازم، فراهم شود. با وجود آن که زنان، نقش بسزایی در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی و توسعه ایفا می‌کنند، جوامع مختلف این نقش را نادیده گرفته، زمینه لازم برای مشارکت زنان را فراهم ننموده و در نتیجه موانع و مشکلاتی بر سر راه مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی به وجود آمده که منجر به عدم انگیزش این بخش از جامعه، در توسعه شده است. در این بین، موانع اقتصادی اجتماعی، سیاسی، فرهنگی مهمترین موانع مشارکت زنان در روند توسعه اقتصادی و اجتماعی می‌باشند.

در رابطه با از میان برداشتن موانع و مشکلات موجود بر سر راه حضور زنان در بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و

فرهنگی باید به اصلاح باورهای فرهنگی مردم و جامعه پرداخت ضمن این که برای رفع این موانع باید طوری برنامه‌ریزی کرد که به پایبندی و اعتقادات محکم و استوار زنان به نهاد مقدس خانواده منجر شود، نه اینکه به جدایی آنان از خانواده بیانجامد، چرا که مشارکت زنان در غرب طوری انجام پذیرفته است که آثار سویی برای این کشورها به دنبال داشته است.

ابزاری که می‌تواند در رفع موانع موجود در مشارکت زنان در روند توسعه اقتصادی و اجتماعی نقش مؤثری داشته باشد، تشکیل تعاونیهای زنان بخصوص تعاونیهای زنان روستایی می‌باشد، همانطور که گفته شد توسعه روستایی بدون مشارکت زنان تحقق نمی‌یابد و این تعاونیهای زنان است که می‌تواند با فراهم کردن زمینه‌های لازم برای مشارکت هر چه بیشتر زنان روستایی، از جمله آموزش، هدایت و سازماندهی، نقش مؤثری در توسعه به ویژه توسعه روستایی، امور کشاورزی و در نهایت توسعه اقتصادی و اجتماعی یک کشور را به همراه داشته باشد.

منابع و مأخذ:

۱. مجموعه مقالات بهره‌وری (منابع نیروی انسانی برای حداکثر بهره‌وری در زمینه فرهنگهای مختلف) ترجمه عبدا... جاسمی.
۲. نگرشی اجمالی بر وضعیت زنان (فصلنامه تحول اداری - شماره ۱۴)
۳. نقش تعاون در بهبود موفقیت زنان جامعه (ماهنامه تعاون مهر ۷۴)
۴. مشکلات اشتغال زنان در ایران (ماهنامه تعاون فروردین ۷۸)
۵. نقش شرکتهای تعاونی در توسعه اقتصادی و اجتماعی (ماهنامه تعاون شماره آذر ماه ۷۵)
۶. زن در فرهنگ اسلامی (ماهنامه پیام زن آبان ۷۵)
۷. زنان پیشروان توسعه روستایی (ماهنامه پیام زن تیرماه ۷۶)
۸. اشتغال و نقش آن در فرآیند توسعه روستایی (ماهنامه جهاد دیماه ۷۴)
۹. مشارکت زنان ضرورت تحقق اهداف توسعه (هشتمین شماره ۱۱۱۹، ۲۲ آبان ماه ۷۵)
۱۰. نقش فراموش شده زنان در بازارکار ایران (روزنامه کار و کارگر شماره ۱۷۹۹، ۲۹ دیماه ۷۵)
۱۱. تعاونیهای زنان کلید مشارکت و بهبود موفقیت آنان در توسعه (ماهنامه تعاون بهمن ۷۶)

مشارکت‌های مردمی، محدودیت‌ها و نتایج آن

مفهوم مشارکت و تبیین دیدگاهها

در ارتباط با مشارکت تعاریف مختلفی وجود دارد و علی‌رغم ضرورت این مفهوم در برنامه‌ریزی اقتصادی و اجتماعی و بکارگیری آن در برنامه‌های مختلف عمرانی و توسعه‌ای، متأسفانه مفهوم آن برای اکثر افرادی که آن را بکار می‌برند روشن نیست و برداشتهای مختلف و متضادی از آن مستفاد شده است.

مشارکت از نظر لغوی بر وزن مفاعله یعنی شرکت دو جانبه افراد برای انجام امری می‌باشد.

به عبارت دیگر مشارکت، شرکت کردن باهم و یا باهم شریک شدن است. مشارکت در معنی وسیع خود عبارتست از ایجاد نوعی همبستگی و تعلق و تلاش دسته جمعی میان افراد جامعه به منظور نیل به یک نظام عادلانه اجتماعی.

مشارکت حلقه گم شده در توسعه است، که وجود یک فرایند می‌باشد.

مشارکت اقدام گروهی است و جزو عوامل سرعت بخشی به توسعه می‌باشد، مشارکت یک درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیتهای گروهی است که آنها را بر می‌انگیزد تا برای دستیابی به اهداف گروهی همدیگر را یاری دهند و در مسؤلیت کار شریک شوند.

انواع مشارکت

براساس نوع مشارکت و کسانی که انتظار مشارکت دارند، می‌توان انواع زیر را برشمرد.

مشارکت تحمیل شده: از طریق سرگزیدگان یا نخبگان، دیگران به مشارکت کشانده می‌شوند. در این روش از تکنیک روانی، اجتماعی و یا مکانیسم

فرهنگی استفاده می‌شود.

مشارکت ایزاری

انسانها وسیله هستند و به غالب ترجیح داده می‌شود که مردم همه بر اساس یک الگو رفتار کنند و مشابه هم باشند در این فرآینداز همبستگی فرهنگی و اجتماعی استفاده می‌گردد.

مشارکت توسعه‌ای

فرایندی است اجتماعی، یکپارچه، جامع، پویا، همیشه مکمل، چند بعدی و چند فرهنگی، به عبارت دیگر این نوع مشارکت می‌خواهد که همگان در همه مراحل توسعه درگیر شوند.

اهمیت و نقش مشارکت

در مباحث مربوط به مشارکت یکی از ابعادی که بسیار بر آن تأکید می‌شود، دخالت دادن مردم در کارها و فعالیت‌های مربوط به خویش از طرح مسأله یا نیازگرفته، تا دخالت در تصمیم‌گیری، اجرا، نظارت به بهره‌برداری، حفظ و مراقبت و در نهایت ارزشیابی امور و غیره است.

با عنایت به اینکه مشارکت یک شاخص مهم برای توسعه یافتگی است. لذا می‌تواند در کلیه جنبه‌های فرآیند توسعه نقش اساسی ایفا نماید به نحوی که بدون آن توسعه مفهومی نخواهد داشت. عوامل سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی هم نقش عمده‌ای در تحقق مشارکت مردمی ایفا نموده و جهت‌دستیابی به این امر جنبه‌های زیر مدنظر قرار می‌گیرند.

مشارکت در تصمیم‌گیری برگزاری و تشکیل جلسات متعدد از طریق برانگیختن افراد به حمایت و حفظ و نگهداری پروژه‌ها کمک موثری می‌نماید. اکثریت معتقدان امر توسعه بر این باورند که مشارکت مردم در تصمیم‌گیری محور اصلی راهبرد جدید توسعه می‌باشد.

مشارکت در اجراء: اجرای طرحها نمی‌تواند بدون جستجوی نظرات مردمی که طرح برای آنها به اجرا در می‌آید و دخالت دادن نظرات آنان در تعیین کم و کیف طرحها با موفقیت همراه گردد. مزایای این نوع مشارکت‌ها کوتاه شدن زمان اجرای طرح، کاهش هزینه‌ها، دفع فوری نیازها و تأثیر زیاد آن در استفاده مطلوب از طرح‌ها می‌باشد.

مشارکت در ارزشیابی: مشارکت مردم در تهیه اطلاعات مربوط به پیشرفت پروژه برای مشخص کردن مشکلات و تنگناهای اجرایی ضرورت دارد و احتمالاً کاهش سوء مدیریت را در پی خواهد داشت. این کار موجب تقویت احساس مسؤلیت در قبال پروژه‌ها می‌گردد.

اهداف، دلایل و ایجاد انگیزه مشارکت در مردم:

مشارکت که تعهدی فعالانه، آگاهانه، آزادانه و مسئولانه و بنابراین یکی از سازوکارهای اعمال قدرت است، باید نیروی شرکت کنندگان را جذب کند و اهداف خاص و کاملاً تعریف شده‌ای که آنها آگاهانه می‌پذیرند پیش رو قرار دهد. لذا به برخی از این اهداف اشاره می‌گردد:

* نیازسنجی و شناسایی اولویتهای از دیدگاه مردم و توجه به نظرات آنان
* تقویت مشارکت‌پذیری و ایجاد حس مسؤلیت‌پذیری فسردي در شهروندان، در مورد مسایل مربوط به محل زندگی

* ایجاد زمینه‌های اعتماد و همبستگی مسئولین و مردم به عنوان عامل موثر در برنامه‌ریزی

* استفاده از توانمندی و مشارکت مردم همراه با کاربرد روش‌های موثر و کارآمد در انجام امور

* توجه به محیط زیست، کاستن از آلودگی‌های زیست محیطی و کنترل منابع در مورد دلایل مشارکتی، می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

● واگذاری کار مردم به مردم
● کمبود نیروی دولتی برای اجرا و کنترل

● تقویت انگیزه مسؤلیت‌پذیری
● افزایش سرعت پیشرفت طرح‌های توسعه

● بررسی زمینه‌های توافقی مردم با محیط حرفه و اجتماعی آنها

جلب مشارکت مردم در اداره امور با فرهنگ‌سازی مناسب و اطلاع‌رسانی برای فراهم آوردن بسترهای اداری ضروری است و در صورت عدم موفقیت نسبی در جلب مشارکت می‌باید به عواملی چون فقر نسبی، عدم اعمال مدیریت منسجم و

عدم توجه به مشارکت توسعه‌ای توجه داشت. لذا در دنیای امروز سؤال این نیست که چرا باید مردم مشارکت کنند، بلکه مشکل‌ترین سؤال این است که چگونه باید انگیزه مشارکت را در مردم ایجاد نمود.

در جستجوی مناسب‌ترین پاسخ به این سؤال، حداقل سه پیش‌نیاز وجود دارد که هر یک مکمل دیگری می‌باشد:

□ نهادینه کردن مشارکت: نقطه شروع باید پذیرش ارزشهای جامعه باشد.

□ اجتماعی کردن یا جامعه‌پذیری مشارکت: عواملی چون ایدئولوژی، ساخت اجتماعی، سابقه تاریخی و ارزش‌های فرهنگی بر آن موثر می‌باشند.

□ درونی کردن مشارکت: یک مسأله کلیدی است. و رفتار مردم بستگی به انگیزه آنان دارد.

شرایط اصلی جهت اجرای مشارکت و زمینه‌های آن:

تعاون و همکاری از اصول اولیه زندگی اجتماعی مردم کشورمان محسوب می‌شود و به عنوان یک ارزش، از گذشته دور مطرح بوده است گرچه همکاری با ارگان‌های دولتی به صورت مدیریت مشارکتی، هنوز برای افراد بومی به شکل طبیعی درنیامده است ولی نمی‌توان منکر مشارکت بین آنان در سال‌های گذشته در زمینه‌های توسعه و عمران شد.

لذا مشارکت خود جوش مردم در صورتی میسر خواهد بود که بین مسؤولان و مردم رابطه‌ای دو جانبه برقرار گردد. بنابراین توجه به نکات زیر ضروری می‌نماید:

۱- مشارکت نیاز به دیدگاه با سعه‌صدر دارد. بک فلسفه سیاسی و اجتماعی است که می‌تواند با نظرات مختلف عمل کند. مشارکت یک قانون نیست، یک فضا است.

۲- مشارکت برای به عمل درآمدن، نیاز به یک استراتژی سیاسی دارد که امکانات لازم را فراهم آورد.

۳- برای کارایی و موفقیت بیشتر در اجرای مشارکت باید حداقل فاصله بین مراکز تصمیم‌گیری و مشارکت‌کننده وجود داشته باشد.

۴- اطلاعات ریشه اصلی مشارکت

است و همه باید به آن دسترسی داشته باشند. دسترسی برابر به اطلاعات مانند مشارکت در قدرت است.

۵- انگیزه مادی را نباید نادیده گرفت، نمی‌توان از مردم انتظار داشت برای پیشبرد جامعه زحمت بکشند. بدون اینکه از آن بهره‌مند شوند.

از آنجا که مشارکت، همکاری سازمان یافته‌ای است که نیاز به اختیار و آزادی عمل داشته و می‌بایستی امر دائمی و همیشگی باشد، روش‌های فراوانی در زمینه عاملین و میزان مشارکت وجود دارد. لذا دیدگاه‌های عمده در این مورد بیان می‌گردد:

مشارکت به عنوان همکاری

در برنامه‌های توسعه، همکاری داوطلبانه مردم، ابزاری برای اجرای پروژه‌ها می‌باشد.

مشارکت به عنوان سازماندهی

ساختار بنیادی هر مشارکتی، سازماندهی است. که موتور مشارکت می‌باشد بدون آن حرکتی صورت نمی‌گیرد.

مشارکت به عنوان قدرت و تفویض اختیار: اهمیت زیاد در فرهنگ توسعه داشته و کلید مشارکت محسوب می‌گردد.

نتایج و عملکرد مشارکت

مشارکت می‌تواند جریان باز خورد فعالیتها را، روشن‌تر، صریح‌تر و سریع‌تر کارسازتر کند. شرایط موفقیت مشارکت بستگی به عواملی چون، زمان کافی برای مشارکت، بیشتر بودن بهره احتمالی از زیان احتمالی، ارتباط داشتن با دلبستگی‌های افراد، عدم احساس خطر نسبت به منافع و طرفین و توانایی کافی برای کار درباره موضوع دارد.

۱- ایجاد همفکری و تبادل افکار

۲- افزایش میزان بازدهی

۳- تسریع در روند اجرای فعالیتها

۴- کاهش هزینه عملیاتی

۵- افزایش روح همبستگی

۶- بهره‌گیری منطقی و استفاده از امکانات و تسهیلات ایجاد شده (منابع موجود)

موانع و محدودیت‌های مشارکت

کارایی و کارآمدی مردم، گذشته از عوامل فرهنگی به زمینه‌های قانونی و

سازمانی نیز بستگی دارد. در شرایطی که در تصمیم‌گیری سهم چندانی نداشته باشند از آنان انتظار مسؤلیت‌پذیری را نباید داشت.

بنابراین، مشارکت مسؤلیت‌آفرین است و مشارکت‌پذیری ره‌آوردی جز توسعه و پیشرفت ندارد مشارکت نیز، مانند هر پدیده دیگری، علاوه بر جنبه‌های مساعد و مثبت، دارای محدودیت‌هایی است که نظر منتقدان را تا حدی نسبت به آن منعکس می‌کند. برخی از محدودیتها به شرح زیر می‌باشد. برخی مردم توقع دارند. در هر موضوعی حتی اگر نتوانند درباره آن کمکی بدهند، از آنان نظرخواهی شود.

برخی مردم، نمی‌خواهند عملاً درگیر مشارکت شوند، پس نباید آنان را مجبور به مشارکت کرد.

برخی مدیران سازگاری کافی با مشارکت مردم ندارند، چون تصور می‌کنند مشارکت اقتدار سنتی آنان را برهم می‌زند.

برخی مسؤولان وقتی مشارکت مردمی را جلب می‌کنند، از فلسفه آن غافل می‌مانند.

گاهی مشارکت، وسیله نادرستی برای اعمال نفوذ و دخل و تصرف در امور می‌شود.

کم رنگ بودن مشارکت در عرصه‌های رسمی و غیررسمی ریشه در مسائل متعدد پیدا و پنهان جامعه دارد و به غیر از اینکه با محدودیت‌هایی مواجه می‌شود ممکن است با موانعی هم روبه رو گردد که شامل، موانع ساختاری (ساختار متمرکز اداری و نظام‌های تصمیم‌گیری) موانع اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و موانع عملی می‌باشد.

منابع

- ۱- ایسانی جرجانی ۱۳۸۱ مدیریت پایدار
- ۲- کانونتری، هونیم ۱۳۷۹ مشارکت در توسعه ترجمه هادی غبرایی و داود طباطبایی
- ۳- ماهنامه جهاد شماره ۱۶۲
- ۴- کلاسترزی جلیل ۱۳۷۴ ماهنامه جهاد ۱۷۸-۱۷۹
- ۵- ملک محمدی ایرج ماهنامه جهاد شماره ۱۸۲-۱۸۲

شرکتهای تعاونی سازمانهای ادغام شده، به هنگام برگزاری مجمع عمومی فوق‌العاده با موضوع ادغام، نام سازمان جدید را در نام شرکت قید می‌نمایند. مع‌ذالک این ترتیب مانع از آن نیست که پیش از ادغام، هر یک از شرکتها نام خود را در مجمع عمومی فوق‌العاده مستقلی تغییر داده و با نام سازمان جدید منطبق نمایند. در چنین حالتی باید پس از نام شرکت، از شماره یا حروف جهت جداسازی استفاده نمود. به عنوان مثال شرکت تعاونی مسکن شماره ۱ سازمان..... و شرکت تعاونی مسکن شماره ۲ سازمان.....

سؤالی که در اینجا پیش می‌آید آن است که در چنین حالتی چگونه وجود دو شرکت تعاونی از یک نوع و با موضوع فعالیت واحد در یک سازمان امکان‌پذیر است؟

به نظر نگارنده، علاوه بر آن که پس از ادغام دو سازمان، وجود دو شرکت تعاونی با موضوع فعالیت واحد در سازمان جدید (هرچند به طور موقت) امری اجتناب‌ناپذیر است، این نکته را نیز نمی‌توان از نظر دور داشت که براساس قوانین جاریه، ایجاد دو شرکت تعاونی از یک نوع در یک سازمان، منع قانونی ندارد به ویژه آن که در برخی سازمانها حجم فراوان نیروی انسانی و ضرورت رعایت حداکثر تعداد اعضا (موضوع آیین‌نامه مواد ۶ و ۲۰ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران) ایجاب می‌نماید که تعاونیهای متعددی تشکیل گردد.

از سوی دیگر ادغام شرکتها تعاونی (موضوع ماده ۵۳ قانون بخش تعاون) امری اختیاری است و هیچ شرکتی را نمی‌توان مجبور به ادغام با شرکت دیگر نمود. در واقع این شرکت‌های تعاونی هستند که به منظور برخورداری از مزایای ادغام، همچون تجمع سرمایه و امکانات و تجهیزات و کسب منافع بیشتر، اراده خود را در قالب مجامع عمومی متجلی می‌سازند.

در خصوص سازمانها و ادارات نیز شاید امکان بروز اختلافات و درگیریها میان شرکتها تعاونی با موضوع فعالیت واحد، همچنین عدم امکان ارائه خدمات و تسهیلات بهتر از سوی سازمان به تعاونی، دلیل ناموجه بودن تشکیل یا وجود دو تعاونی با موضوع فعالیت واحد باشد و از همین رو در تبصره ۲ ماده ۲ دستورالعمل تشکیل تعاونیها، این امر ممنوع گردیده است مع‌ذالک این ممنوعیت را نبایستی ناشی از حکم قانونگذار دانست و ایجاد قواعد آمده از این سنخ صرفاً در صلاحیت قوه تقنینیه کشور است.

■ پرسش: کارشناس محترم اداره کل تعاون استان.....بایبان بن مطلب که کلیه اعضای یکی از شرکتها تعاونی منطقه (بالغ بر ۱۰۰ نفر)، قصد فروش سهام خود را به طور یکجا به هفت شرکت سهام دارند، خواستار ارائه پاسخ درخصوص وجاهت قانونی این اقدام همچنین ارائه راهکار مناسب گردیده‌اند.

■ پاسخ: با توجه به اینکه مطابق ماده ۲۲ قانون بخش تعاونی، انتقال سهام اعضا به اشخاص جدید واجد شرایط عضویت فاقد منع قانونی است و حسب بند ۴ ماده ۳۷ نیز اخذ تصمیم نسبت به انتقال سهام اعضا و قبول درخواست عضویت از اختیارات هیأت مدیره است، از سوی دیگر به موجب اصلاحیه



پرسش و پاسخ

حقوقی

● احمد رضا فخاری

■ پرسش: کارشناس محترم اداره کل تعاون استان..... با اظهار این مطلب که سازمان جهادکشاورزی استان، در حال حاضر به دلیل ادغام وزارتخانه‌های کشاورزی و جهادسازندگی دارای دو تعاونی مصرف می‌باشد و سازمان مذکور اعطای برخی مزایای قانونی به آنها را منوط به تغییر نام نموده است و در عین حال تعاونیهای یادشده قصد دارند در آینده نزدیک با یکدیگر ادغام گردند، سؤال نموده‌اند آیا این تغییر نام پیش از ادغام امکان‌پذیر است؟

■ پاسخ: به طور کلی تغییر نام از حقوق قانونی شرکت محسوب می‌شود و هر زمان که اراده اعضا در قالب مجمع عمومی بدین امر تعلق گیرد، می‌توان نام شرکت را در محدوده موضوع، حوزه فعالیت و با رعایت مقررات قانونی تغییر داد.

در حالتی که دو سازمان با یکدیگر ادغام می‌شوند و سازمانهای مذکور دارای تعاونیهای کارمندی باشند، تغییر نام امری ضروری است زیرا شرکتها تعاونی کارمندی باید ارتباط خود را با سازمان مربوط به نحوی در عنوان شرکت متجلی سازند و چون پیش از ادغام، هر یک از شرکتها مذکور، عنوان سازمان مستقلی را به همراه داشته و این عناوین وجود خارجی را خود را از دست داده لذا برگزیدن نام سازمان جدید الزامی می‌گردد.

تغییر نامی که به دلیل ادغام سازمانها، ضرورت می‌یابد عموماً در قالب همان مجمع عمومی فوق‌العاده‌ای که رأی به ادغام شرکتها تعاونی می‌دهد، صورت می‌گیرد بدین ترتیب که

دو حالت متصور است. یکی بدو تشکیل و دیگری در هنگام افزایش سرمایه.

درخصوص ابتدای تشکیل شرکت، برابر ماده ۲۱ قانون بخش تعاونی و تبصره ذیل آن، اعضای شرکت $\frac{1}{3}$ مبلغ سهام خود را به صورت نقدی و بقیه را در مدت مقرر در اساسنامه پرداخت می‌نمایند.

در مورد زمان افزایش سرمایه شرکت، قانون بخش تعاونی حکم خاصی دربر ندارد. و با توجه به قسمت اخیر تبصره ذیل ماده ۱۱ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب سال ۱۳۵۰، اعضای جدید در این مرحله می‌توانند $\frac{1}{3}$ مبلغ را به صورت نقدی و بقیه را در مدت مقرر پرداخت نمایند.

البته بنظر می‌رسد در قالب مقررات اساسنامه و یا در مجمع عمومی که رأی به افزایش سرمایه می‌دهد می‌توان شرایط دیگری برای پرداخت مبلغ سهام ناشی از افزایش سرمایه تعیین کرد. به عنوان مثال مقرر شود که پرداخت مبلغ سهام جدید باید به صورت یک جا پرداخت گردد.

■ پرسش: آیا هیأت مدیره می‌تواند مبلغ سهام ناشی از افزایش سرمایه را بیشتر از مبلغ اسمی آن از متقاضیان عضویت جدید (به عنوان ارزش افزوده سهام) دریافت کند؟ در صورت امکان، مبلغ مازاد به چه نحو در تعاونی مصرف می‌گردد؟

■ پاسخ: درخصوص دریافت اضافه ارزش سهم علاوه بر مبلغ اسمی، منع قانونی وجود ندارد و با توجه به اینکه دارایی یک شرکت

در طول فعالیت آن افزایش یافته و بر مبلغ سهام آن افزوده می‌شود دریافت ارزش افزوده یک حق تلقی می‌گردد.

در مورد نحوه مصرف عواید حاصله، مفاد ماده ۲۶۰ لایحه اصلاحی قانون تجارت مصوب سال ۱۳۴۷ را می‌توان مطمح نظر قرار داد. این ماده مقرر می‌دارد: «شرکت می‌تواند سهام جدید را برابر مبلغ اسمی بفروشد یا این که مبلغی علاوه بر مبلغ اسمی سهم به عنوان اضافه ارزش سهم از خریداران دریافت کند. شرکت می‌تواند عواید حاصله از اضافه ارزش سهام فروخته شده را به اندوخته منتقل سازد یا نقداً بین صاحبان سهام تقسیم کند یا در ازاء آن سهام جدید به صاحبان سهام سابق بدهد.»

مورخ ۱۳۷۷/۷/۶ اشخاص حقوقی غیردولتی نیز می‌توانند به عضویت شرکتهای تعاونی درآیند و این عضویت اعم از آن است که کلیه اعضا تعاونی را اشخاص حقوقی تشکیل دهند و یا این که شرکت متشکل از اشخاص حقیقی و حقوقی به صورت مختلط باشد، لذا عضویت شرکتهای سهامی مذکور در صورت دارا بودن شرایط عضویت و مشخص بودن وضعیت مالکیت سهام آنها (از حیث دولتی بودن یا نبودن) پس از موافقت هیأت مدیره امکان پذیر است بدیهی است این انتقال سهام نمی‌تواند به صورت یکجا صورت گیرد چرا که شرکت نبایستی هیچ گاه بدون رکن باقی بماند و در صورت انتقال سهام بصورت یکجا، شرکت هیأت مدیره خود را از دست داده و هیچ مقام موافقت‌کننده‌ای برای

انتقال سهام اعضا هیأت مدیره وجود نخواهد داشت لذا برای رفع این محذور توصیه می‌گردد انتقال سهام به صورت بطنی صورت گرفته و پس از ورود شرکتهای مذکور به عضویت تعاونی، تعدادی از آنها با برگزاری مجمع عمومی جهت تصدی سمت هیأت مدیره انتخاب گردند و سپس انتقال سهام بقیه اعضا تحت مدیریت آنها انجام پذیرد.

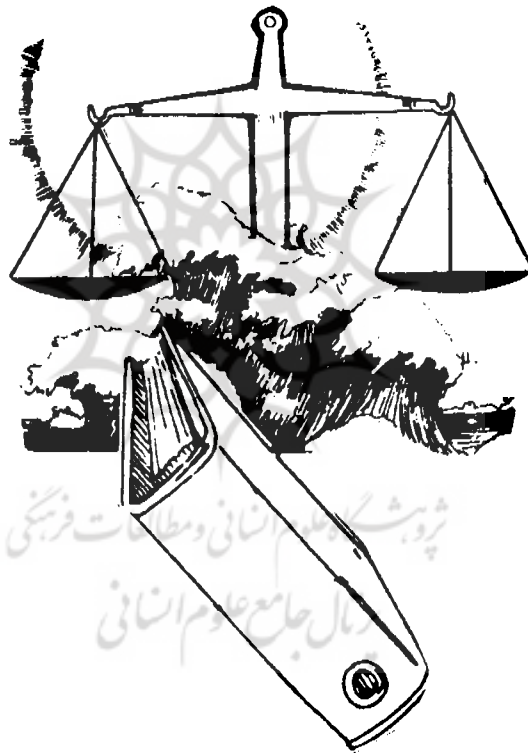
■ پرسش: کارشناس محترم اداره کسل تعاون استان..... با ارسال نامه‌ای به دفتر ماهنامه سؤالات متعددی را جهت پاسخگویی ارائه نموده‌اند. در این شماره به طرح پاره‌ای از آنها می‌پردازیم.

آیا هیأت مدیره تعاونی می‌تواند حسابداری شرکت را خود انجام دهد و به عبارت دیگر حسابدار آن شرکت باشد؟

■ پاسخ: هیأت مدیره شرکت تعاونی، امور جاری شرکت را به عهده دارد و علاوه بر تصدی سمت هیأت مدیره می‌تواند در تعاونی نیز شاغل باشد و در پاره‌ای از تعاونیها نیز شاغل بودن هیأت مدیره در تعاونی الزامی است. از جمله مشاغلی که در یک تعاونی وجود دارد، شغل حسابداری شرکت است و قانونگذار منعی درخصوص تصدی این سمت توسط هیأت مدیره قائل نگردیده، لذا هیأت مدیره می‌تواند به امر حسابداری شرکت نیز بپردازد.

■ پرسش: آیا برای عضویت در یک شرکت تعاونی، کل مبلغ سهام بایستی به حساب تعاونی پرداخت شود یا یک سوم آن؟

■ پاسخ: برای عضویت در شرکت تعاونی و خرید سهام آن



طریق با مراجعه به حساب اسناد دریافتی هر ماه اسناد قابل دریافت ماه مورد نظر را بررسی و نسبت به وصول آن در سررسید مقرر اقدام نمایید. همچنین در پایان هر ماه نیز می‌بایست مانده اسناد دریافتی ماه مورد نظر صفر گردد.

در خصوص اسناد پرداختی نیز می‌توانید چکهای صادره از حسابهای مختلف را در سرفصل معین اسناد پرداختی هر بانک نیز همانند حساب اسناد دریافتی ۱۳ سرفصل تفصیلی برای هر ماه سال و سال آتی تعریف نمایید. با اعمال این روش حساب چکهای دریافتی و واگذاری مدت‌دار به طور کامل برای همراه در سیستم حسابداری رایانه‌ها قابل کنترل خواهد بود. البته اعمال این رویه در صورتی امکان‌پذیر خواهد بود که سیستم حسابداری مورد استفاده گنجایش تعداد تفصیلی‌های مورد نظر را دارا باشد.

چنانچه اعمال روش فوق در سیستم حسابداری با مشکلاتی مواجهه باشد می‌توانید با طراحی فرمی در سیستم رایانه‌ای خود کلیه چکهای واگذاری را به ترتیب تاریخ سررسید و به تفکیک بانکها، تنظیم و هر روزه با مراجعه به فرم مورد نظر در سیستم رایانه‌ای از میزان چکهای واگذاری و وجه مورد نیاز جهت تأمین آنها و مبلغ قابل واریز به هر حساب اطلاعات کافی بدست آورید. برای چکهای دریافتی نیز بدون تفکیک بانکها می‌توانید صرفاً چکهای دریافتی را بر اساس تاریخ سررسید در فرم مربوطه درج و در سررسید جهت وصول آن اقدام لازم معمول دارید.

○ پرسش: شرکت تعاونی خدماتی... طی نامه‌ای اعلام داشته‌اند که این شرکت به دلایلی دچار توقف فعالیت خود شده و احتمالاً در ۲ سال آتی قادر به از سرگیری فعالیت خود نمی‌باشد و پرسیده‌اند آیا دریافت دفاتر قانونی برای سنوات توقف ضروری است یا خیر و باتوجه به اینکه شرکت مشمول مالیات سالانه می‌باشد در زمان توقف نیز می‌بایست مالیات پرداخت نماید یا خیر و در صورت ضرورت پرداخت مالیات، این مالیات بر چه مبنایی وصول خواهد گردید؟

□ پاسخ: دریافت دفاتر قانونی در زمان توقف شرکت ضرورتی نداشته و برای دوران توقف نیز مالیاتی از شرکت مطالبه نخواهد شد ولی برای استفاده از این مزایا لازم است مراتب



پاسخ به سوالات

مالی

● معصومه گنجی

○ پرسش: حسابدار شرکت تعاونی تهیه و توزیع... از شهرستان دماوند مرقوم داشته‌اند که این شرکت اغلب مبادلات خود اعم از خرید و فروش را از طریق دریافت و واگذاری چکهای مدت‌دار بانکهای مختلف انجام می‌دهد که کنترل این حسابها اغلب با دشواری همراه است و این امر در حال حاضر از طریق ثبت دستی در دفاتر انجام می‌شود که با توجه به استفاده از رایانه در حسابداری چگونه می‌توان کنترل این حسابها جهت دریافت پرداخت به موقع را تسهیل نمود آیا اصولاً روشی در این خصوص وجود دارد یا خیر؟

□ پاسخ: چگونگی کنترل و تسهیل کنترل اسناد دریافتی و پرداختی مدت دار بستگی به سیستم حسابداری مورد استفاده دارد و چون از امکانات موجود در سیستم حسابداری مورد استفاده اطلاعاتی در دست نیست اظهار نظر روشن و قطعی در این خصوص نیز میسر نمی‌باشد. ولی به طور خلاصه برای تسهیل کنترل حسابهای اسناد دریافتی و پرداختی (چکهای مدت دار دریافتی و واگذار شده) می‌توان برای اسناد دریافتی ۱۳ سرفصل تفصیلی برای ۱۲ ماه سال (فروردین، اردیبهشت، خرداد و...) و یک سرفصل برای اسناد دریافتی سال آتی تعریف نمود و به این

نموده که حساب هزینه کالای ناباب همانند سایر هزینه‌ها در صورتحساب سود و زیان منعکس و موجب انعکاس سود واقعی در صورتحساب سود و زیان خواهد شد و حساب ذخیره کالای ناباب نیز در صورتحساب تراز نامه در ذیل موجودی کالای پایان دوره منعکس و به عنوان یک دارایی منفی از آن کسر خواهد شد. با اعمال این روش زیان سال جاری ناشی از کاهش قیمت به سال بعد انتقال نخواهد یافت و اصل تطبیق هزینه در درآمد نیز رعایت خواهد شد.

○ پرسش: حسابدار شرکت تعاونی صنف تولیدی... مرقوم داشته‌اند: شرکت در مجمع عمومی سالانه تصویب نمود که ارزش روز سهام جهت استرداد سهام و ورود اعضای جدید تعیین گردد که به این منظور داراییهای موجود شرکت توسط کارشناسان دادگستری ارزیابی گردید که پس از انجام ارزشیابی داراییها ارزش روز سهام از قیمت اسمی آن نیز کمتر برآورد گردید و پرسیده‌اند آیا این مورد امکان پذیراست یا خیر و چه عواملی می‌تواند باعث این امر شود؟

□ پاسخ: کاهش ارزش روز سهام نسبت به ارزش اسمی غیرممکن نیست و این امر معمولاً می‌تواند ناشی از زیاندهی شرکت در سنوات فعالیت باشد که در چنین مواقعی پس از ارزیابی سهام به قیمت روز و کسر زیانهای انباشته سنوات قبل از سرمایه، سرمایه مانده منفی خواهد یافت و زیان عملاً بیش از سرمایه بوده و بخشی از ارزش افزوده داراییها رانیز پوشش می‌دهد که این امر با عنایت به زیان انباشته نیز قابل پیش بینی خواهد بود. در صورتی که شرکت فاقد زیان انباشته قابل توجه باشد معمولاً ارزش روز سهام بیش از ارزش اسمی خواهد بود مشروط بر آنکه در طی مدت فعالیت شرکت برای داراییهای مورد استفاده طبق ضوابط معمول و مقررات جاری ذخیره استهلاک داراییها منظور و هیچ دارایی نیز بدون رعایت ضوابط از ردیف داراییهای شرکت خارج نشده باشد و برای بررسی این مورد لازمست اقدامات زیر در خصوص احراز وجود داراییها و محاسبه استهلاک سالیانه آنها انجام گردد.

۱- تهیه صورت ریز داراییها و مطابقت جمع قیمت تمام شده داراییها با مبلغ مربوط مندرج در دفاتر و آخرین صورتهای مالی شرکت

۲- مطابقت صورت ریز داراییها (بند یک) با صورت داراییهای موجود و قیمت‌گذاری شده توسط کارشناسان رسمی که این اقلام دارای مندرج در دو صورت می‌بایست با یکدیگر مطابقت کامل داشته باشند. وجود هر گونه اختلافی در لیست داراییها می‌بایست به طور دقیق بررسی و کنترل گردد زیرا کسری داراییها در صورت ارزیابی شده می‌تواند حاکی از خروج غیر رسمی داراییها از شرکت باشد که لازمست موارد اختلاف پی‌گیری و از مسؤولین ذیربط مطالبه گردد.

در صورت عدم دسترسی به لیست کامل داراییهای متعلق به شرکت نیز می‌توانید با مراجعه به اسناد و دفاتر قانونی سنوات فعالیت شرکت، صورت ریز داراییها را از بدو تأسیس تا تاریخ

توقف و علت آن کتباً به حوزه مالیاتی مربوطه اعلام گردد. باتوجه به اینکه نوع شرکت تعاونی است و شرکت تحت نظارت وزارت تعاون تشکیل و به فعالیت خود ادامه می‌دهد لازم است توقف را بادلائل مستدل و اثبات ضرورت توقف به وزارت تعاون نیز اعلام دارید زیرا طبق بند ۴ ماده ۵۴ قانون تعاون در صورتی که فعالیت شرکت بیش از یکسال بدون عذر موجه متوقف باشد وزارت تعاون می‌تواند رأساً در خصوص انحلال شرکت اقدام لازم مبذول دارد لذا شایسته است علاوه بر وزارت امور اقتصادی و دارایی توقف و علل آن به وزارت تعاون نیز اعلام گردد.

در زمان شروع مجدد فعالیت نیز لازم است صریحاً نسبت به اخذ دفاتر قانونی اقدام و آخرین تراز زمان توقف به عنوان تراز اولیه و مبنای شروع فعالیت به دفاتر اخذ شده انتقال داده شود.

○ پرسش: حسابدار شرکت تعاونی تولیدی پوشاک... اظهار داشته‌اند که این شرکت در زمینه تولید لباس و پوشاک فعالیت می‌نماید و در سال گذشته اقدام به تولید تعداد زیادی روپوش و شلوار برای مدارس نمود که بخش مهمی از آن در سال قبل به فروش رسید و جز موجودی پایان دوره سه ساله جاری انتقال یافت و در سال جاری نیز با توجه با تغییر رنگ و مدل روپوشها تا این تاریخ موجودیهای سال قبل به فروش نرسیده است و پرسیده‌اند آیا می‌توان موجودیهای مورد نظر را کمتر از قیمت تمام شده به فروش رساند یا خیر و در صورت انجام چنین امری زیان حاصله را چگونه می‌توان برای مدیران توجیه نمود.

□ پاسخ: فروش کالا به قیمت روز و کمتر از قیمت تمام شده ممانعت قانونی ندارد و هر کالایی را می‌بایست به قیمت روز عرضه نمود والا فاقد مشتری بوده و موجبات رکود سرمایه و نقدینگی شرکت را فراهم خواهد نمود. ضمن آن که اشغال فضا و تحمیل هزینه‌های جانبی را نیز در بر خواهد داشت لذا فروش آن به بهای کمتر از قیمت تمام شده نه تنها مغایرتی با قوانین جاری ندارد. بلکه در بعضی از زمانها نیز ضروری می‌باشد در خصوص توجیه زیان حاصله به مدیران نیز یادآوری می‌نماید فروش به قیمتی کمتر از قیمت تعیین شده قبلی، می‌بایست با تصویب مدیران صورت پذیرد که با رعایت چنین امری نیازی به توجیه زیان حاصله نخواهد بود ولی این نکته حاکی از آن است که کالا در پایان سال گذشته با قیمتی بیش از قیمت واقعی در حسابها منعکس شده و موجبات افزایش واهی سود پایان دوره را فراهم نموده است که به منظور جلوگیری از تکرار چنین رویه‌ای در سنوات آتی متذکر می‌گردد که در پایان هر سال لازمست موجودی کالای شرکت به قیمت تمام شده یا قیمت روز بازار هر کدام که کمتر است، ارزیابی و در حسابهای پایان سال و صورتهای مالی انعکاس داده شوند. همچنین جهت انعکاس موجودی به قیمت تمام شده در صورتهای مالی می‌توانید مابه‌التفاوت قیمت تمام شده تا مبلغ خالص دریافتی از فروش کالا را در حساب ذخیره کالای ناباب منظور دارید به این ترتیب که در مقابل حساب ذخیره کالای ناباب حساب هزینه کالای ناباب را بدهکار

عنوان حساب	بدهکار	بستانکار
بانک	xxx	
پیش پرداخت مالیات	xxx	
درآمد اجاره		xxx
دریافت اجاره ماه		

در آرتیکل فوق پیش پرداخت مالیات مبلغی است که از مال الاجاره به عنوان مالیات کسر و به وزارت دارایی پرداخت شده است.

- چنانچه شرکت دارای اجاره نامه رسمی تنظیمی در دفترخانه باشد مالیات مطالبه شده جهت اجاره بر اساس اجاره نامه مطالبه خواهد شد و در صورتی که شرکت اقدام به تنظیم اجاره نامه رسمی ننموده باشد مالیات مربوط بر اساس املاک مشابه تعیین خواهد شد و این امر به وسیله اداره مالیاتی که ملک در محدوده آن واقع است تعیین خواهد شد (از اول سال ۸۲ ارزش اجاره توسط کمیسیون تقویم املاک برای محدوده شهرها و روستاها و براساس هر متر مربع تعیین خواهند شد) پیشنهاد می‌گردد برای تعیین صحیح مالیات و جلوگیری از هرگونه تحمیل مالیات اضافی نسبت به تنظیم اجاره نامه رسمی با مستاجرین اقدام و مالیات را طبق قوانین و براساس اظهار واقعی درآمد پرداخت نمایید.

○ پرسش: خانم مریم پیر بازاری از شرکت تعاونی تولید البسه و پیراهن... مرقوم داشته‌اند که اینجانب مدت ۱۲ سال در شرکت به کار اشتغال داشته‌ام و در این مدت از مرخصی سالانه استفاده نکرده‌ام اما در سال جاری به علت مشکلات خانوادگی از تعاونی استعفا نموده و در خواست حقوق و مزایای پایان خدمت خود را کرده‌ام که هیأت مدیره با اعضاء فراوان از خدمات اینجانب مبلغی را به عنوان باز خرید خدمات و مرخصی محاسبه و ۲۵٪ نیز به عنوان مالیات از آن کسر نموده‌اند و با این توضیحات پرسیده‌اند با توجه به اینکه حقوق ماهانه اینجانب ۱۳۰/۰۰۰ تومان و معاف از مالیات بوده آیا کسر مالیات از حق باز خرید مرخصی صحیح است یا خیر؟ زیرا این مبالغ در زندگی من نقش اساسی دارد

□ پاسخ: خانم پیر بازاری طبق قوانین جاری (بند ۵ ماده ۹۱ قانون مالیاتهای مستقیم) خسارت باز خرید خدمت و حقوق ایام مرخصی استفاده نشده بدون توجه به میزان حقوق ماهانه از پرداخت مالیات معاف بوده و کسر مالیات از این حقوق مغایر با قوانین جاری می‌باشد و شما به استناد این ماده قانونی می‌توانید جهت استرداد مالیات مکسوره پی‌گیری لازم را معمول دارید ولی یادآوری می‌نماید طبق قوانین ذخیره تمامی مرخصی سالانه و انتقال آن به سال بعد مجاز نمی‌باشد. ●

ارزیابی تهیه و لیست اشکالات منظور شده را در آن اعمال و ارزش دفتری داراییها را تعیین نمایید (ارزش دفتری مساوی است با قیمت تمام شده دارایی میزان استهلاک منظور شده برای هر دارایی در طی سنوات استفاده از آن دارایی)

در صورتی که ارزش دفتری دارایی کمتر از ارزیابی انجام شده باشد معمولاً قیمت روز سهام می‌بایست بیش از قیمت اسمی آن باشد مگر آن که طبق توضیحات ارائه شده زبان انباشته شرکت بیش از سرمایه باشد.

- در صورتی که ارزش دفتری بیش از ارزش ارزیابی باشد و اندوخته قابل توجهی نیز محاسبه نشده باشد ارزش روز کمتر از ارزش اسمی خواهد بود

البته عوامل متعددی می‌تواند موجب گردد که ارزش روز کمتر از ارزش دفتری باشد که این عوامل را به طور خلاصه می‌توان به شرح زیر عنوان نمود:

۱- عدم محاسبه دقیق استهلاک سالانه برای داراییهای استفاده شده

۲- ورود داراییهای جدید با کارایی بالاتر به بازار که می‌تواند ارزش دارایی را کمتر از ارزش دفتری آن سازد مانند کامپیوترهای جدید و یا ماشین آلات مدرن با سرعت و ظرفیت بالاتر

۳- از مد افتادن بعضی از داراییها، حسب مورد

۴- آسیب دیدن داراییها در اثر حوادث اتفاقی نظیر آتش سوزی و تخریب، تصادف و...

- البته با توضیحات فوق بدیهی است که ارزش روز سهام می‌تواند کمتر از ارزش اسمی آن باشد که این موارد معمولاً نادرست است. زیرا شرکتی با قدرت فعالیت، معمولاً دارای داراییهای ثابتی از نوع ساختمان، زمین و ماشین آلات صنعتی هستند که ارزش این قبیل داراییها معمولاً به مراتب بیش از قیمت دفتری آنها می‌باشد و این داراییها عملاً موجب افزایش ارزش روز سهام خواهند شد و در شرکتی که فاقد این قبیل داراییها به طور معمول باشند بحثی به عنوان ارزش روز سهام مدنظر اعضا و مدیران نخواهد بود.

○ پرسش: آقای فرشاد کاظمی بازرس شرکت تعاونی... عنوان داشته‌اند که تعاونی دارای چندین باب مغازه می‌باشد که به طور اجاره واگذار شده‌اند و تا این تاریخ برای آنها اجاره نامه رسمی تنظیم نشده است و پرسیده‌اند آیا کسر مالیات از اجاره‌های دریافتی توسط مستاجرین صحیح است یا خیر؟ و مالیات این این درآمدها چگونه و بر چه اساس مطالبه خواهد شد و تکلیف مالیاتهایی که توسط مستاجرین از مال الاجاره کسر می‌شود چه خواهد شد.

□ پاسخ: قانوناً مستاجرین موظفند مالیات مال الاجاره پرداختی را طبق ضوابط پیش‌بینی شده کسر و به وزارت امور اقتصادی و دارایی پرداخت و فیش واریزی را به موجر ارائه نمایند که این مبالغ طبق قانون پیش پرداخت مالیاتی شرکت محسوب شده و به هنگام پرداخت مالیات شرکت مورد استناد قرار خواهد گرفت لذا شرکت می‌بایست مالیاتهای مکسوره را به صورت زیر در حسابهای شرکت منظور دارد:



مفهوم، ابعاد و اصول یادگیری

● علی اشرف کریمی

مقدمه

در عصر حاضر اطلاعات به معنی مجموعه داده‌های پردازش شده عنصر اصلی تشکیل دهنده علوم و دانش به شمار می‌رود و گسترش روزافزون دانش بشری حجم و گسترده اطلاعات را وسیع‌تر و پیچیده‌تر نموده است. بدین ترتیب افراد، سازمانها و جوامعی می‌توانند خود را با شرایط پیچیده امروزی سازگار نمایند که قادر باشند با به کار بردن تکنیک‌ها و روش‌های نوین اطلاعات، دانش‌های موجود را در اختیار گرفته و آن را در موفقیت‌های سازمانی و زندگی فردی بکار ببندند. آموزش یا یادگیری ساز و کار علمی و دقیقی است که با به کارگیری اطلاعات موجود از محیط در سازمان‌ها و انسان‌ها درونی می‌گردد و نیز با بهره‌گرفتن از اطلاعات در شرایط جدید موجبات همسازی را فراهم می‌نماید.

معمولاً فرایند یادگیری به دو طریق صورت می‌گیرد:

الف- از طریق سازوکارهای غیربرنامه‌ریزی شده که انسان در جریان زندگی اجتماعی، دانش‌ها، ارزش‌ها و

اجرای برنامه‌های آموزشی، تغییرات رفتاری قابل ملاحظه‌ای در فراگیران ایجاد نمی‌گردد. در این مقاله سعی شده است اصول، روش‌ها و موانع یادگیری به طور اجمال بررسی و ارائه گردد.

تعاریف یادگیری

۱- عبارت است از تغییری نسبتاً پایدار در رفتار که در نتیجه اعمال انسان حادث می‌شود.

۲- عبارت است از هر نوع تغییر کم و بیش پایدار در رفتار که نتیجه تجربه‌های انسان است.

۳- عبارت است از تغییر نسبتاً پایدار در رفتار که در اثر تمرین و تجربه حاصل می‌شود و در اعمال خود قابل مشاهده است.

۴- یادگیری بزرگسالان = فرآیندی است که انسان در تلاش برای تغییر یا تقویت دانش‌ها، ارزش‌ها، مهارت‌ها یا استراتژی‌هایش طی می‌کند علاوه بر این هم به دانش‌ها، ارزش‌ها، مهارت‌ها، استراتژی‌ها و رفتارهای حاصل از پردازش درونی او باز

فرهنگ موجود در محیط را درونی نموده و برای موفقیت‌های مسقطنی به کار می‌گیرد. بسیاری از علوم، نگرش‌ها و مهارت‌های افراد از این طریق آموخته شده است. اینگونه یادگیری ناقص بوده و احتیاجات متغیر امروز را جوابگو نمی‌باشد.

ب - سازوکارهای برنامه‌ریزی شده که از طریق به کارگیری برنامه‌ها و روش‌های علمی و منظم خاصی «فرآیند آموزش» یادگیری فرد را تسهیل می‌کند و همچنین به ارتقاء حافظه فردی و تفکر نظام‌مند کمک می‌نماید.

از طریق به کارگیری برنامه‌های آموزشی می‌توان تجربیات و دانش‌های زیادی را در مدت زمان کوتاه به افراد منتقل نمود. بدین جهت، جستجوی راه کارهای آموزشی که بتواند تأثیرات زیادی در دانش، نگرش و مهارت افراد ایجاد نماید، موضوعی است که دست‌اندرکاران امر آموزش همواره در حال بررسی و مطالعه آن می‌باشند. چرا که عدم توجه به شیوه‌های علمی موجب می‌گردد؛ علی‌رغم صرف هزینه‌ها و فرصت‌ها در جهت

می‌گردد.

باتوجه به تعاریف فوق می‌توان یادگیری را این‌گونه تعریف نمود:

آموزش، فعالیتی است که به منظور ایجاد یادگیری طراحی و اجراء می‌شود، یادگیری ایجاد تغییر نسبتاً پایدار در رفتار بالقوه فراگیر است که در اثر تجربه آموزشی و در شرایط یادگیری ایجاد می‌شود. تغییری که در اثر یادگیری ایجاد می‌شود قابل مشاهده است می‌توان آن را سنجید یعنی میزان یادگیری با استفاده از ابزارهای مناسب قابل اندازه‌گیری می‌باشد.

ابعاد یادگیری

- ۱- دانستن چگونگی اجرای مهارت‌های مختلف یا انجام رویه‌های گوناگون
- ۲- قادر بودن به حل مسأله (مشکل‌گشایی)
- ۳- دانستن زمان به کارگیری تئوری یا دانشی که از قبل یاد گرفته‌ایم.
- ۴- دانستن انتخاب نوع راهبردهای کسب اطلاعات یا چگونگی اداره اطلاعات
- ۵- توانایی به خاطر آوردن اطلاعاتی از قبیل اسمها، اعداد و تنوعی از سایر اصول و حقایق
- ۶- توانایی تفکر نقادانه
- ۷- توانایی برقراری ارتباط موثر
- ۸- توانایی گرفتن تصمیمات آگاهانه

ج- اصول یادگیری مؤثر

- ۱- اصل اول: در فراگیران انگیزه یادگیری ایجاد نمود.
- ۲- اصل دوم: یادگیری فرآیندی است فعال و نه انفعالی.
- ۳- اصل سوم: فراگیر راهنمایی و بازخورد شود.
- ۴- اصل چهارم: مواد و منابع آموزشی مناسب تأمین شود.
- ۵- اصل پنجم: فرصت لازم جهت تمرین و مرور مطالب منظور شود.
- ۶- اصل ششم: روشهای آموزشی متنوع باشد.
- ۷- اصل هفتم: رفتار صحیح فراگیران تشویق و تقویت شود.
- ۸- اصل هشتم: استانداردهای عملکرد و انتظارات به وضوح به فراگیران تفهیم شود.
- ۹- اصل نهم: یادگیری دارای انواع و

رده‌های مختلف است که معمولاً آنرا می‌توان به سه حیطه طبقه‌بندی کرد:

- الف- احساسات و نگرشها
- ب- دانش و توانایی‌های فکری
- ج- تحرک فیزیکی و مهارت‌های حرکتی

شیوه‌های تقویت انگیزه یادگیری

- ۱- آنچه را که از یادگیرندگان به عنوان هدف آموزش انتظار دارید در آغاز درس دقیقاً به آنها گفته شود.
- ۲- در شرایط مقتضی از تشویق‌های کلاسی استفاده شود.
- ۳- از آزمون‌ها و نمرات به عنوان وسیله‌ای برای ایجاد انگیزش در یادگیرندگان استفاده شود.
- ۴- مطالب آموزشی از ساده به دشوار ارائه گردد.
- ۵- از ایجاد رقابت ناسالم و چشم و هم‌چشمی در میان فراگیران جلوگیری شود.
- ۶- هنگام آموزش مطالب تازه از مثالهای آشنا استفاده و هنگام کاربرد مطالب آموخته شده از موقعیتهای تازه استفاده شود.
- ۷- علاوه بر توضیح و تشریح مطالب تا آنجا که ممکن است از روشهای دیگر هم استفاده شود.
- ۸- پیامدهای منفی مشارکت یادگیرندگان در فعالیت یادگیری کاهش داده شود.
- ۹- به فراگیران مسائل و تکالیفی داده شود که نه خیلی ساده و نه خیلی دشوار باشد.
- ۱۰- تا آنجا که ممکن است مطالب درسی را به صورت معنی‌دار و در ارتباط با موقعیتهای واقعی زندگی ارائه و در حد امکان در انجام فعالیت‌های آموزشی به یادگیرندگان آزادی عمل داده شود.

موانع یادگیری بزرگسالان و راه‌حل‌های آن

- ۱- تعلیم بیش از اندازه - آنچه را می‌خواهند تعلیم دهند، تجربه کنند و مطالعه نمایند که فراگیران چگونه آنرا جذب می‌کنند.
- ۲- تند آموزش دادن (آموزش شتابزده)
- روش آموزش را تجربه کنند، ببینند آیا

فراگیر بدون زحمت مطالب را درک می‌کند.

۳- ترس از کار - چگونگی دوری از اشتباه را توضیح دهید، ایجاد اعتماد کنند و چنانچه فردی نتوانست ترس را از خود دور کند، برای آموزش دیگری در نظر گرفته شود.

۴- پیگیری موضوع - موضوع را به چند مرحله آموزش تقسیم کنند و مراحل را طوری ترتیب دهند که فراگیر بتواند آنرا یاد بگیرد.

۵- عدم تمرکز حواس - گوشزد کردن نتیجه کار، نصیحت و متوجه کردن افراد به مطالب مهم

۶- نگرانی و ناراحتی - فراگیر را در وضع راحتی قرار داده و نگرانی او را برطرف نمایند.

۷- کند ذهنی - در نظر گرفتن استعداد فراگیر و آموزش همراه با صبر و حوصله

۸- نقص بدنی - در نظر گرفتن وضع بدنی فراگیران و استفاده از وسایل آموزشی موثر

۹- عدم مهارت - به فراگیر در کسب مهارت و دقت، کمک شود.

۱۰- نکات پیچیده و مبهم - توضیح همراه با مثالهای گوناگون و نزدیک به ذهن فراگیران

۱۱- کاهش توانایی حسی و حرکتی - توانایی‌های حسی و حرکتی در سنین بزرگسالی مانند قدرت بینایی، شنوایی به تدریج رو به کاهش می‌گذارد که این ویژگی‌ها باید مورد توجه قرار گیرد.

۱۲- ویژگی‌های عاطفی - تجارب آموخته شده، سازمان فکری و سایر خصوصیات روانی بزرگسالان با کودکان متفاوت است. لذا توجه به این خصوصیات امر یادگیری را تسهیل می‌نماید.

۱۳- غیراجباری بودن آموزش - کودکان به حکم ضرورت‌های اجتماعی، فرهنگی و یا قانونی به مدرسه می‌روند ولی بزرگسالان اجباری این کار ندارند، مگر فایده‌ای در این کار ببینند لذا آموزش‌ها باید کاربردی و متناسب با نیازهای شغلی و حرفه‌ای فراگیران باشد.

تکنیک‌های یادگیری

از اواخر جنگ جهانی دوم تغییرات

زیادی در تکنولوژی آموزشی بوجود آمد و از آن زمان به بعد به عنوان یک رشته مستقل مطرح شده است. اساساً این رشته در ابتدا بر فنون آموزش جمعی متمرکز شده بود و سپس به یادگیری انفرادی تغییر پیدا کرد و در طول سالهای اخیر به طرف یادگیری گروهی حرکت کرده است.

مراحل تحقیق و پیشرفت حدود ۲۵ سال تداوم یافتند و بعد از آن مرحله «کاربرد» به وجود آمد و در حال حاضر نیز ادامه دارد. در اینجا چگونگی توسعه یادگیری انفرادی و یادگیری گروهی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- تکنیکهای یادگیری انفرادی

الف - سیستم‌های موسسه مدار - در اغلب مدارس، دانشگاهها و موسسات آموزشی، بعضی از فعالیتهای مربوط به انفرادی‌سازی یادگیری را در داخل یک سیستم کلی معلم/موسسه‌مدار می‌توان انجام داد. میزان انفرادی‌سازی در سیستم دوره‌های آموزشی سنتی با دوره‌های آموزشی کاملاً انعطاف‌پذیر به طور قابل ملاحظه‌ای فرق می‌کند.

ساده‌ترین و معمول‌ترین روش برای فراگیران چه در خانه، چه در کلاس و چه در کتابخانه، مطالعه به روش سازمان یافته است.

این نوع مطالعه ممکن است به طور فعال به وسیله معلمان تشویق شود، یا برحسب نظر و انگیزه خود یاگیرنده انجام پذیرد. لکن در هر دو مورد، شیوه کار به صورت خودآهنگ و نسبتاً انعطاف‌پذیر است. عیب این سیستم این است که بسته‌های یادگیری مناسب قابل دسترس که تمام جنبه‌های دوره آموزشی را تحت پوشش قرار دهد، خیلی نادر است.

ب- سیستم‌های یادگیری انعطاف‌پذیر - دو حوزه مهمی که اخیراً در دوره‌های فراگیر مدار انعطاف‌پذیر در مقیاس بسیار وسیع گسترش یافته، عبارت از آموزش جامعه بزرگسالان و تعلیم و تربیت و کارآموزی می‌باشد، در اغلب موارد فراگیران به دلایلی چون دوری راه، سیاست و نگرش‌های کارفرما، سن و تعهدات خانوادگی نمی‌توانند یا نمی‌خواهند در دوره‌های موسسه - مدار به صورت رسمی

می‌شود به هیچ‌گونه سخت‌افزار مشخصی نیاز ندارند و نیز به نرم‌افزارهای دیگر مثل کتابچه‌ها و برگه‌های چاپی ساده کمتر احتیاج است و به جای تکیه بر انواع خاصی از سخت‌افزار یا نرم‌افزار بیشتر بر روش یا تکنیک تاکید می‌شود.

در حال حاضر، یادگیری گروهی هنوز در مراحل نهایی «مرحله توسعه» است. اگرچه مرحله «کاربرد» به آستانه خود رسیده است زیرا مدرکی چون استفاده از بازی‌ها، شبیه‌سازی، مطالعات موردی تعاملی و طرح‌های گروهی نشان می‌دهد که در حال حاضر از روش‌های مشارکتی استفاده وسیعی به عمل می‌آید.

روشهای عمده آموزش گروهی

- سخنرانی و گفتگو
- نمایش ویدئو
- پخش سراسری برنامه‌های آموزشی
- فعالیت عملی

این رویکردها و تاکتیک‌ها منحصر به یک طبقه یا روش نیستند بلکه میان هر چهار روش عمومیت دارند و می‌توانند در موقعیت‌ها و روش‌های مختلف آموزشی به کار گرفته شوند، باید تاکید کرد که از این نقطه‌نظر تکنیک‌های گروهی هم می‌توانند در مورد گروه‌های کوچک دانش‌آموزان و حتی در مورد تک‌تک دانش‌آموزان به صورت انفرادی و هم در مورد گروه‌های بسیار بزرگ مورد استفاده قرار بگیرند. بنابراین در استفاده از اصطلاح «گروه» بیشتر مفهوم کیفی آن مورد نظر است تا مفهوم کلی.

منابع:

- ۱- جارویس، پیتر ترجمه دکتر غلامعلی سرمد، آموزش بزرگسالان و آموزش مداوم تهران ۱۳۷۸
- ۲- رستمی، حمدالله، جزوه اصول آموزش تعاون
- ۳- احدیان، محمد مقدمات تکنولوژی آموزشی، انتشارات نشر تبلیغ بشری تهران ۱۳۸۱
- ۴- ونلیک، نیم ترجمه دکتر محمد چینی‌زهی برنامه‌ریزی برای آموزش اثربخشی انتشارات دانشگاه تربیت مدرس سال ۱۳۷۶ تهران
- ۵- هاشملو، ابراهیم، جزوه روشها و فنون تدریس بزرگسالان
- ۶- خوش‌دامن، رضا و جمارانی، مسعود ابراهیم، آموزش اصول سرپرستی (مقدماتی)

و براساس جدول زمانی خاص حضور یابند. در نهایت استفاده از مطالعه شناور به موسسات امکان می‌دهد دوره‌هایی را که فراگیران یا کارفرمایان به آنها نیاز دارند، برگزار کنند. دوره‌های مربوط به فراگیران باید کاملاً متناسب با موقعیت‌ها و شرایط آنها باشند تا فراگیران بتوانند به طور موثر یاد بگیرند.

ج - سیستم‌های یادگیری از راه دور - در سیستم‌های یادگیری از راه دور تقریباً یادگیری فراگیران خارج از موسسات اتفاق می‌افتد. در بعضی موارد فراگیران راه دور ممکن است در قسمت دیگر کره زمین باشند و فاصله زیادی با موسسه داشته باشند در نتیجه در این حالت فراگیر کاملاً بر کیفیت مواد یادگیری موجود وابسته است. اولین پیشرفت‌های یادگیری از راه دور در شکل دوره‌های مکاتبه‌ای بوده است یادگیری از راه دور هنوز هم جایگاه خود را داراست.

۲- تکنیک‌های یادگیری گروهی

گرچه می‌توان گفت که «یادگیری انفرادی» نسبت به «آموزش گروهی» تأثیر بیشتری در تعلیم و تربیت و آموزش دارد، اما دارای محدودیت‌های مشخص نیز هست. یکی از آشکارترین آنها، محدودیت ناشی از «خودشخصی» است که این محدودیت سبب می‌شود دانش‌آموزان نتوانند با همدیگر ارتباط تعاملی برقرار سازند و قادر به توسعه مهارت‌های گروهی از قبیل مهارت‌های بحث و گفتگو و مهارت‌های بین شخصی شوند.

چنین تصویری این عقیده را تقویت می‌کند که فعالیت‌های مختلف «یادگیری گروهی» نقش بسیار مهمی را در تعلیم و تربیت و آموزش بازی می‌کند.

اساس تئوری پیشرفته جدید «یادگیری گروهی» در روانشناسی انسان‌گرا قرار دارد که بوسیله بزرگان چون کارل راجرز در دهه ۱۹۶۰ توسعه یافته است. روانشناسی انسان‌گرا با نحوه تعامل و تأثیرگذاری افراد و نحوه یادگیری از یکدیگر در موقعیت‌های گروهی کوچک و با استفاده از تکنیک‌های پویایی گروهی در جریانی تدریس، سر و کار دارند. وقتی که از چنین تکنیک‌های صحبت



زنان در آئینه جامعه روستایی

• حسن شهبازی

زنان در آئینه جامعه روستایی

زنان به عنوان عامل مؤثر در امور مختلف کشاورزی، از نظر مشارکت نیروی انسانی مورد نیاز در جامعه، بیشترین سهم را دارند، به گونه‌ای که بدون کمک و مشارکت آنان، رسیدن به توسعه کشاورزی امری ناممکن است. شواهد موجود نشان می‌دهد نه تنها در کشور ما، بلکه در سراسر جهان و حتی در کشورهایی که در امر تولیدات کشاورزی و صنعتی در سطح بالایی قرار دارند، کارهای زیربنایی کشاورزی و بخش عظیم تولیدات با مسئولیت زنان انجام می‌شود.

به طوری که در بعضی از کشورها، زنان عهده‌دار مسوری مانند دامداری، جنگلداری، صیادی، صنایع غذایی، پرورش طیور، آبیاری، ماهیگیری و غیره بوده‌اند. در کشورهای نپال، موریتانی و بولیوی، مدیریت جنگلداری، تثبیت شنه‌های روان و اجرای برنامه عمرانی حوزه‌های آبخیز به عهده زنان است و در این امر، موفقیت‌هایی هم کسب کرده‌اند. به عنوان

نمونه مشارکت زنان در ایجاد یک هکستار از اراضی جنگلی جدید را در کیپ ورد می‌توان ذکر کرد. نمونه‌های دیگر نشان می‌دهد که زنان، در امر کشاورزی و منابع طبیعی نقش حساس و حیاتی دارند. در کشور ما نیز زن علاوه بر مسئولیت خطیر اداره کردن خانواده در تمام مراحل زندگی مسائل اجتماعی، مذهبی، سیاسی فرهنگی و اقتصادی نقش مؤثر و پیشرفتهای قابل ملاحظه‌ای داشته است.

در بین جوامع روستایی و عشایر، مسئولیت زنان سنگین‌تر است، چون آنها مجبورند دوشادوش مردان برای تامین مایحتاج زندگی، در مزارع، باغها و شالیزارها کار کنند.

دستیابی به اهداف توسعه روستایی؛ بدون شناخت وضعیت حاضر جامعه روستایی و گروه‌های موجود در آن ممکن نیست در این بین، شناسایی آن گروه از افراد جامعه روستایی که کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند، حائز اهمیت بیشتری است. وسائل توسعه روستایی، مسائل و مشکلات زنان روستایی بنابه دلایل مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کمتر مورد توجه برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران مسائل توسعه روستایی واقع شده است.

عدم توجه به توانایی این گروه‌ها مسائل و مشکلات آنان، بدون تردید نتایج زیانباری خواهد داشت، چرا که زنان روستایی، عامل مهمی در نیل به اهداف توسعه روستایی در تمام مقاطع زمانی هستند. بنابراین پیش از هرگونه تلاش برای بهبود وضعیت زنان روستایی لازم است نقش آنان در تولید مورد شناسایی قرار گیرد.

نقش زنان در امور اقتصادی خانواده

بنا بر آمار موجود، زنان روستایی بخش عظیمی از نیروی کار کشاورزی را تشکیل می‌دهند و سهم این گروه در فعالیتهای کشاورزی در کشورهای جهان سوم به مراتب بیشتر از سایر کشورهاست، به طوری که می‌توانیم بگوییم بیش از نیمی از نیروی فعال در امر بخش کشاورزی این کشورها را زنان روستایی تشکیل می‌دهند. در برخی مناطق دنیا مانند قاره آفریقا سهم زنان در زمینه‌های یاد شده تا ۹۰ درصد و در کشور ما تا ۴۰ درصد عنوان شده است، این رقم بدون احتساب فعالیتهای مربوط به خانه‌داری از قبیل سبزی‌کاری، گل‌کای و غیره می‌باشد که در عین حال جنبه تولیدی نیز دارند و درآمدی را نصیب خانواده می‌کنند.

سهم زنان به عنوان نیروی کار کشاورزی به خصوصیات فرهنگی مناطق، نوع نظام بهره برداری از اراضی، ترکیب اعضای خانواده، نوع فعالیت کشاورزی، خصوصیات منطقه و عوامل اقتصادی و اجتماعی دارد. به عنوان مثال، در مناطق شمالی کشور که زراعت برنج رایج است، به دلیل حجم زیاد کار، بیش از ۷۰ درصد مراحل تولید این محصول توسط زنان انجام می‌شود. در استان گلستان نیز سهم زنان در برداشت پنبه به ۶۶ درصد می‌رسد.

جایگاه زنان روستایی در قسمتهای مختلف کشور به نسبت نقشی که در زراعت دارند، متفاوت می‌باشد. به همین دلیل ویژگیهای خانواده‌های برنج‌کار شمال با خانواده‌های زارع فلاحت مرکزی تفاوت دارد.

بدین معنی که بین برنج‌کاران شمال به نسبت دخالت زن در تولید، آزادی او به خانواده هم افزایش می‌یابد.

این خصوصیات را حتی در بین زنانی که در نظام دامداری سهم مهمی در تولید دارند، می‌توان مشاهده کرد.

از جمله نقش‌های مهم زنان روستایی، مشارکت در فعالیتهای دامداری است. اهمیت مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای دامداری با توجه به اهمیت دام در تامین پروتئین مورد نیاز انسان و اثری که پرورش دام می‌تواند در صرفه‌جویی

ارزی برای کشور داشته باشد، روشن می‌شود.

مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زنان روستایی

در سراسر جهان، زنان روستایی بخش عظیمی از نیروی مولد را تشکیل می‌دهند. در بعضی از نقاط جهان به علت اینکه همه ساله تعداد بیشتری از مردان در پی یافتن شغل به شهرها مهاجرت می‌کنند، زنان بیش از یک سوم تا نیمی از خانواده‌های کشورهای در حال توسعه را سرپرستی می‌کنند. این مسأله موجب شده است که آنان بیش از گذشته نیازمند به قوانین اجتماعی مخصوص به خود باشند. فرهنگ مردسالاری حاکم در اکثر جوامع، زنان را در موقعیت پایین‌تری قرار داده است، به گونه‌ای که در برخی از جوامع، زنان فقط به عنوان کسانی که وظیفه تولید مثل و تربیت فرزندان را به عهده دارند معرفی شده‌اند و از هرگونه اظهارنظر و تصمیم‌گیری در محیط خانواده محروم می‌باشند.

در کشور ما نیز به دلیل سنتها و آداب و رسوم که از گذشته‌های دور به ارث رسیده، عدالت اجتماعی درخصوص زنان روستایی به خوبی رعایت نشده است و این گروه با مشکلات فراوانی مواجه می‌باشند که عبارت اند از: عدم تامین اعتبارات موردنیاز، دور بودن از خدمات ترویجی، در صد بالای بی‌سوادی در بین زنان روستایی، مهاجرت مردان و افزایش کار زنان، کمبود زنان متخصص به منظور آموزش زنان روستایی، تغذیه نامناسب، مشکلات دسترسی به خدمات، تسهیلات اجتماعی، حجم زیاد فعالیتهای داخل و خارج از منزل، پایین بودن میزان دستمزد زنان روستایی در مقایسه با مردان، و ناکافی بودن امکانات بهداشتی^۱.

نقش زنان در توسعه کشاورزی

زنان روستایی، جمعیت قابل توجهی هستند و نقش آنان در توسعه کشاورزی نیز مورد توجه قرار گرفته است. طبق بررسی به عمل آمده در آفریقا حدود ۷۵ درصد و در آسیا و اروپای شرقی نیمی از نیروی کار کشاورزی را زنان تشکیل می‌دهند. در آمریکای لاتین و

خاورمیانه نیز زنان به عنوان عضو خانواده و یا در مواقع مهاجرت‌های مردان به مناطق دیگر، مشغول کشاورزی می‌شوند.

در کنار کشاورزی، تمامی فعالیتهای درون‌خانه، اعم از پخت و پز غذا، نگهداری بچه‌ها و نظافت منزل نیز به عهده زنان است.

موانع عمده موجود بر سر راه فعالیت کشاورزی زنان

با وجود تلاش جهانی برای وارد کردن زنان روستایی به جریان توسعه کشاورزی، هنوز در بسیاری از کشورهای جهان، ایفای نقش هرچه بیشتر زنان روستایی در فرآیند توسعه کشاورزی با موانع روبرو است. این موانع، بویژه در مورد زنانی که سرپرست خانواده هستند، بسیار محدود کننده است. عدم دسترسی زنان روستایی به عوامل تولید مانند زمین، اعتبار و خدمات توسعه‌ای و ترویجی مربوط به کشاورزی و... مهمترین مسائل یا موانع موجود بر سر راه ایفای نقش زنان در توسعه کشاورزی است.

در بسیاری از کشورها زنان نمی‌توانند صاحب زمین شوند. مطالعات سازمان کشاورزی خواربار جهانی (فائو) نشان می‌دهد، در بسیاری از کشورها براساس قوانین اصلاحات ارضی، زمین به رئیس خانواده می‌رسد. در این کشورها رئیس خانوار هم به طور سنتی مردها هستند.

از دیگر مشکلات زنان روستایی عدم دسترسی آنان به خدمات مؤسسات مالی و بویژه اعتبارات، در اغلب کشورهای جهان، اعتبار براساس میزان زمین کشاورزان پرداخت می‌شود. به این ترتیب، زنان به دلیل نداشتن زمین و یا به دلیل کوچک بودن زمینهای خود، از دریافت اعتبار از مؤسسات رسمی محروم می‌شوند.

از دیگر محدودیتها و مشکلاتی که زنان روستایی با آن مواجهند، عدم برخورداری از امکانات ترویجی و آموزشهای زنان در تکنولوژی جدید است.^۲

مشارکت زنان در تولید و توسعه صنایع دستی

صنایع دستی که به دلیل ارزشهای اصیل

هنری و فرهنگی، از گذشته‌های دور در تمام ابعاد زندگی مردم کشور ایران جایگاه والایی داشته است، اکنون همچنان باید این موقعیت حفظ شود. کثرت نیروی انسانی شاغل در این گونه صنایع، راحتی و سهولت تهیه و تامین مواد اولیه از منابع و ابزار داخلی، نیاز به سرمایه‌گذاری محدود و ارزش افزوده، عدم پیچیدگی در تولید و ساخت، شرایط در زمینه‌های مناسب را در جهت ایجاد و توسعه صنایع دستی در مناطق مختلف و به ویژه مناطق روستایی و عشایری به وجود آورده است. علاوه بر این، صنایع دستی بر توسعه کشاورزی، دامداری و تامین درآمد ارزی تاثیر دارد.

در کشور ما با توجه به عوامل متعدد از جمله رشد بالای جمعیت، محدودیت ایجاد امکانات شغلی جامعه روستایی، اهمیت یافتن کشاورزی به عنوان محور توسعه، لزوم حفظ تعادل جمعیت شهر و روستا، و نقش اساسی صنایع دستی به عنوان عامل مکمل اقتصاد روستایی، این صنعت از اهمیت خاصی برخوردار است. در بعضی از مناطق روستایی که فعالیتهای کشاورزی نمی‌تواند نیاز مالی خانواده را تامین کند، سهم عمده‌ای از مخارج خانوار از طریق صنایع دستی، بویژه بافت قالی تامین می‌شود که بیش از ۹۰ درصد از این فعالیتهای زنان و دختران روستایی انجام می‌دهند.

به طور کلی، صنایع دستی اهمیت و نقش زیادی در خود اشتغالی زنان روستایی دارد و از نظر اقتصادی هم برای هر خانواده روستایی میسر است. خود اشتغالی زنان و دختران روستایی در پرداختن به صنایع دستی تا حد زیادی نقش اقتصادی - اجتماعی زنان روستایی را ارتقاء می‌بخشد و شرایط مناسبی‌تری را از لحاظ اجتماعی برای آنها فراهم می‌سازد.

منابع:

- ۱- جهاد روستایی شماره ۳۳۴ سال شانزده آذر ماه ۷۴
- ۲- جهاد روستایی شماره ۳۲۶ سال پانزده فروردین ۷۴
- ۳- جهاد روستایی شماره ۳۲۹ سال پانزده تیرماه ۷۴
- ۴- جهاد روستایی شماره ۳۳۱ سال شانزده شهریور ۷۴



نگرشی بر توسعه بخش کشاورزی از طریق تعاون

● البرز محمدی*

کرد. همچنین می‌توان به تحقیقات، آموزش و ترویج که نقش ارزنده‌ای را در بخش کشاورزی ایفا می‌نماید اشاره نمود.

تحقیقات، زیربنای توسعه کشاورزی محسوب می‌شود و در این راستا معاونت آموزش و تحقیقات وزارت تعاون با همکاری وزارت جهاد کشاورزی با توجه به اعتبارات این بخش می‌تواند تحقیقات گسترده و متنوعی را پیرامون زیربخشهای مختلف کشاورزی اعم از زراعی، دامی و شیلات انجام دهند. به طور مثال در این زمینه با ارائه راه کارهای متعدد از جمله ترویج و آموزش صحیح به تولیدکنندگان صاحب بخش تعاونی می‌توان آنها را در پیشبرد طرح تعاونی و تولید به صورت مطلوب یاری کرد، که هم می‌تواند محصولات تعاونی را از جهت کمی و هم از جهت کیفی ارتقاء دهد تا تولیدکننده بتواند محصولات خود را صادر نماید و در بازارهای جهانی با تولیدکنندگان خارجی رقابت نماید که در اینجا درخصوص نحوه صادرات تشکلهای و تعاونیها به قسمتی از پیام وزیر تعاون به نمایشگاه توانمندیهای بخش تعاون در خرداد ۸۱ اشاره و بسنده می‌کنیم:

«متأسفانه فعالیت منفعلانه و ضعیف صادرکنندگان متفرق و غیرحرفه‌ای علاوه بر تخریب و یا از دست دادن بازارهای صادراتی در برخی از موارد موجب مسکوت شدن چهره تجارت خارجی کشورمان شده است. با ساماندهی و انسجام صادرکنندگان و تولیدکنندگان، گردش اطلاعات که لازمه هر فعالیت اقتصادی است تسریع می‌شود و امکان حضور در بازارهای مختلف از طریق نمایشگاه و سایر طرق تسهیل می‌گردد و امکان ارائه خدمات فنی و مشاوره‌ای و حقوقی و دفاع از منافع صادرکنندگان در خارج از کشور فراهم خواهد شد.»

کسب فاکتورهای فوق موجب کاهش قیمت تمام شده و بالا رفتن قدرت رقابت خواهد شد. تسهیل رقابت در بازارهای جهانی علاوه بر اینکه دست واسطه‌ها را قطع می‌نماید تعاونی‌های صادرکننده را به درآمد بالاتر نایل می‌سازد و با این عمل می‌توان ارزش آوری مطلوبی را به ارمغان آورد، که این خود کمک شایانی را به

تکثیر ماهیان گرم آبی و سرد آبی، اتحادیه تکثیر و پرورش میگو و سایر آبزیان، اتحادیه سراسری پخته کاران، اتحادیه چایکاران شمال کشور، اتحادیه صنعت دامپروری کشور، اتحادیه صنعت مرغداران کشور، اتحادیه صیادی و وجود تعاونی‌های فرااستانی مکمل همین بخش و نیز تعاونیهای تولیدکنندگان فرآورده‌های گوشتی کشور تعاونی سوسیس و کالباس وطن، تعاونی صنایع کنسرو ایران، تعاونی صنایع کنسرو و آبزیان وحدت، تعاونی تولیدکنندگان خوراک دام و طیور و آبزیان، اشاره نمود که هر کدام به نوبه خود توانسته‌اند نقش به‌سزایی در تولیدات زیر بخش خود ایفا نمایند. بدین ترتیب اتحادیه‌ها و تعاونیها توانسته‌اند بالهای کمکی جهت بالندگی هرچه بهتر وزارت تعاون در مسیر این بخش باشند.

اما با تمام این تفاسیر، چالشها و مشکلاتی پیش پای این اتحادیه‌ها و تعاونیهای کشاورزی و تولیدی وجود دارد که خود کمک مسؤولین وزارت جهاد کشاورزی، تعاون و بازرگانی را جهت تقویت هرچه بهتر بنیه فنی و مالی آنها می‌طلبد که از جمله آنها می‌توان به افزایش آگاهی و تجربه‌های فراوان مدیران اتحادیه‌ها و تعاونیهای کشاورزی علاوه بر کمک‌های مالی و تسهیلاتی و نیز ارتقاء جنبه فنی و دانش روز آنها در زمینه کشاورزی دنیا و ایجاد ارتباط با دانشکده‌های شاخص کشاورزی اشاره

کشاورزی که از جمله بخشهای پویا در ایران می‌باشد از دیرباز با کلمه تعاون در تعامل بوده و در مرحله‌ای از زمان نیز با عنوان تعاونیهای کشاورزی روستایی و عشایری به فعالیت پرداخته است. بر این مبناست که امروزه سازمان تعاون روستایی موجودیت دارد. از سال ۱۳۷۰ با تصویب قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران تا سال ۷۷ که مجدداً این قانون با اصلاحاتی در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید در قانون تعاون چنین پیش‌بینی شد که در ماده ۲۶ فصل پنجم تعاونیهای کشاورزی در کلیه بخشها در زیر بخش تعاونیهای تولیدی قرار گرفت و بدین ترتیب این تعریف حاصل شد که «تعاونیهای تولید شامل تعاونیهای است که در امور مربوط به کشاورزی، دامداری، دامپروری، پرورش و صیدماهی، شیلات، صنعت و معدن، عمران شهری و روستایی و عشایری و نظایر اینها فعالیت می‌نمایند.

براساس ماده ۲۶ قانون بخش تعاون وزارت تعاون بر آن شد تا با تشکیل تعاونیهای بخش کشاورزی نیز بتواند سهم عمده‌ای در تولید کشاورزی به دوش خود داشته باشد که به حول و قوه الهی اکنون تعاونیهای کشاورزی وزارت تعاون با عنایت به داشته‌ها و پتانسیلهای خود توانسته‌اند در بخش کشاورزی ایران وارد عرصه فعالیت گردند. در این راستا می‌توان به وجود اتحادیه‌های کارآمد این بخش از جمله اتحادیه‌های پرورش و

توسعه و شکوفایی تعاونیها می‌کند و هم باعث ثبات و توسعه صنعت‌های گوناگون از جمله صنایع بخش کشاورزی می‌شود که بی‌شک سهم تعاون در توسعه رو به رشد بخش کشاورزی بیشتر خواهد شد و قطعاً بدین ترتیب حضور تعاون در بخش کشاورزی شکوفا شده و آینده‌ای روشن‌تر را پیش پای این بخش از تعاونیهای تولیدی به نظاره خواهیم نشست.

از دیگر امور که وزارت تعاون باید به طور جدی عهده‌دار و متولی آن باشد، ترویج و اطلاع‌رسانی صحیح فرهنگ تعاون و گسترش این فرهنگ در بین مردم و جامعه می‌باشد این امر کمک می‌کند که مردم و جامعه بتوانند آنرا ملکه ذهن فارغ‌التحصیلان تازه رهایی یافته از محیط دانشگاه نمایند تا آنها بدون دغدغه‌های فکری آن ایده‌ای را که در دوران تحصیل در فکر خود دارند با تشکیل تعاونیهای تخصصی در عرصه تولید پیاده نمایند. لذا یکی از اموری که بر عهده وزارت تعاون جهت اعتلای کلمه تعاون و فرهنگ تعاون می‌باشد، اطلاع‌رسانی دقیق، درست، صحیح و قوی و کارشناسانه خواهد بود.

در خصوص مقوله بخش کشاورزی همکاری تسنگاتنگ و صمیمانه دو وزارتخانه جهاد کشاورزی و تعاون یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است.

در هر حال، برای حمایت از تولیدکنندگان بخش کشاورزی روشهای متفاوتی وجود دارد، بخش کشاورزی در ایران به رغم اشتغالزایی بالا کماکان به دلیل هزینه بالای تولید، قدرت رقابت با موارد مشابه خارجی را ندارد. از این رو کاهش هزینه تولید و پایین آمدن قیمت تمام شده محصولات کشاورزی نیازمند مساعدت وزارتخانه‌های جهاد کشاورزی، تعاون، بازرگانی، اقتصاد و دارایی و شورای اقتصاد می‌باشد بدین ترتیب این بخش مشارکت جمعی ارگانهای دولتی را می‌طلبند.

زیرا از روش‌ها و راههای دیگر حمایت از تولیدکنندگان بخش کشاورزی تاامین به موقع تسهیلات، افزایش نقدینگی، خریدهای تضمینی محصولات، اعطای یارانه به نهاده‌های کشاورزی و

برخی اقلام صادراتی و توسعه بیمه محصولات کشاورزی می‌باشد.

در عین حال باید یادآور شد که:

برای توسعه پایدار اقتصاد کشاورزی و حرکت برای نیل به سوی جامعه‌ای پویا استفاده و بهره‌گیری از بالاترین ظرفیتهای توانمندیهای ملی و تاکید بر خودباوری ایرانی از جمله راههای مفید است همچنین در سایه توجه به امور بنیادینی چون آموزش، ترویج و تحقیقات، حفاظت از جنگل‌ها و منابع طبیعی، ترویج اصول فنی و کارشناسی، اطلاع‌رسانی و تقویت تعاونیها و اتحادیه‌ها و تشکلهای زیربنایی تولید، می‌توان به توسعه این بخش کمکهای شایانی نمود. و اما فراهم کردن زمینه برای اتحادیه‌ها و تعاونیهای کشاورزی اعم از تضمین سرمایه‌گذاری و فراهم آوردن نقدینگی و تامین شرایط روانی مناسب از عوامل موثر در بهبود وضعیت تعاونیهای کشاورزی خواهد بود. پس با این اعتقاد و با محور قرار دادن شعار هر روز بهتر از دیروز جهت اعتلای نام تعاون و نهادینه کردن هر چه بهتر این واژه حرکت کنیم

و در پایان ارائه چند راهکار:

- توسعه مشارکت مردم در ایجاد تشکلهای تعاونی و اتحادیه‌های کشاورزی و ارتقاء سطح دانش فنی تولیدکنندگان

- ترویج فرهنگ تعاون از طریق اطلاع‌رسانی صحیح و دقیق

- تامین امکانات و نقدینگی موردنیاز تعاونیهای تولیدی زیر بخش کشاورزی

- حمایت از سرمایه‌گذاری در جهت توسعه تعاونیهای تولیدی زیربخش کشاورزی

- قانونمند نمودن نظارت فنی کشاورزی بر تعاونیهای در حال اجراء و احداث

- عنایت به تشکیل سازمان قانونمند نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی

- استفاده بهینه از پستانسلیهای مطلوب

- رونق بخشیدن به تولید محصولات کشاورزی و حمایت بی‌دریغ و بها دادن به تولیدکنندگان تعاونیهای کشاورزی تحت پوشش وزارت تعاون

- رفع تبعیض درخصوص نظارت، هدایت و حمایت و کمکهای فنی و تسهیلاتی در بین تعاونیهای کشاورزی تحت پوشش وزارت جهاد کشاورزی و وزارت تعاون.

- تدوین و اعمال مقررات و استانداردهای لازم و برنامه‌ریزیهای بلندمدت برای ارتقاء کیفیت تولیدات و محصولات تعاونیهای کشاورزی جهت صادرات محصولات با هدف تشویق تولیدکنندگان و رونق تولید و وارد شدن به بازارهای تجارت جهانی

- توسعه و توجه بیشتر به مسائل تحقیقات کاربردی، آموزشی و ترویج در زمینه‌های مختلف کشاورزی در بخش تعاون.

- به کار گرفتن صحیح قوانین نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی همچون سایر نظام مهندسی‌های دیگر تا این قوانین که به رشته تحریر درآمده به مرحله اجراء گذاشته شود و براساس آن کارشناسان بتوانند با نظارت صحیح و به کارگماردن این کارشناسان بخصوص در تعاونیهای کشاورزی به سمت تولید از شیوه سنتی به شیوه مدرن گام بردارند مطمئناً این مهم با توجه به وضع قوانین نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی دور از ذهن و دسترس نمی‌باشد و بخصوص می‌تواند در تعاونیهای کشاورزی اعمال شود تا تراز اقتصادی کشاورزی کشور مثبت گردد (همچون امسال) و بتوانیم به این بخش به مثابه گذشته تکیه کرده و بر خورد بیابیم.

- استفاده بهینه و صحیح از نیروهای متخصص در تعاونیهای تولیدی که همان بهبود مدیریت تعاونیها را به همراه خواهد داشت.

امید است که با شکوفایی هر چه بهتر تعاونیهای کشاورزی، بخش کشاورزی نیز رونق بیشتری پیدا کند که این خود در سایه تلاش و همدلی مسئولین محترم نظام جمهوری اسلامی و قشر زحمتکش کشاورز محقق می‌گردد. به امید آنروز که در این بخش کاملاً خودکفا شویم.

* رئیس اداره تعاونیهای تولیدکنندگان وزارت

تعاون

نگاهی دوباره بر:

مفاهیم
آموزش،
پرورش و
کارآموزی

• رحمت ا... رحیمی

مقدمه

کلمه Training را در فارسی به معنای «پرورش»، «تربیت»، «کارآموزی» و کلمه «Train» را به معنای «تربیت کردن»، «ورزش دادن» می‌نامند در حالی که در انگلیسی کلمه «Training» را عمل مشخص مسیری، «Trainer» را کسب‌آموز و «Trainee» را مراحل یا تجربه آموزشی می‌نامند. از آنچه که به دست می‌آید مفهوم آموزش «Training» با مفهوم آموزش به معنای وسیع آن یعنی آموزش و پرورش «Education» تفاوت دارد. مقصود از آموزش «Training» تحصیلات حرفه‌ای، تخصصی است که هدف آن مشخص و در مدت زمان بسیار کوتاهی قابل حصول است و معمولاً بعد از یکی از مراحل تحصیلات رسمی، افراد نسبت به کار و حرفه‌ای می‌گذرانند که دارند یا می‌خواهند در آینده انتخاب کنند.

در فرهنگ انگلیسی - فارسی معاصر «Instruct» به معنی «یاد دادن»، «آموختن»، «تعلیم دادن» و «Instruction» به معنی آموزش و تعلیم معنی شده است. در این مقاله سعی بر این است که معنی و مفهوم هر یک از واژه‌های آموزش، پرورش و کارآموزی ارائه گردد.

تعریف آموزش

آموزش که معادل انگلیسی آن Instruction یا «Teaching» است نه یک نهاد است نه یک دوره، بلکه آموزش به مجموعه فعالیت هایی گفته می‌شود که در خدمت پرورش و کارآموزی قرار دارند، معمولاً فعالیت هایی را که معلم به تنهایی یا

به کمک مواد آموزشی انجام می‌دهد آموزش می‌نامند، چه این معلم در دبستان مشغول آموزش باشد. چه در دبیرستان، چه در دانشگاه و چه در یک دوره کارآموزی کوتاه مدت.

بنا به تعریف: آموزش عبارت است از فعالیت هایی که به منظور ایجاد یادگیری در فراگیر، از جانب آموزگار یا معلم طرح ریزی می‌شود و بین آموزگار و یک یا چند یساذگیرنده بصورت کنش متقابل «Interaction» جریان می‌یابد. لازم به ذکر است که این تعریف به آموزش رو در روی کلاسی محدود می‌شود. زیرا در آن برکنش متقابل بین معلم و یادگیرنده تأکید شده است و انواع دیگر آموزش مانند آموزش از طریق رادیو، تلویزیون، کتاب و از این قبیل را که در آنها کنش متقابل یا رابطه دوجانبه رو در رو معلم و دانش آموزش وجود ندارد شامل نمی‌شود. با این حال آموزش را می‌توان به نحوی جامع‌تر تعریف کرد، آن طور که علاوه بر آموزش رو در روی کلاسی، سایر انواع آموزش را نیز شامل گردد. بنابراین، می‌توان گفت آموزش به هر گونه فعالیت یا تدبیر از پیش طرح ریزی شده‌ای گفته می‌شود که هدف آن ایجاد یادگیری در یادگیرندگان است.

«کـرل (carrel) و کوزمیت (kuzmigts) آموزش را فرایند نظام اداری می‌دانند که به وسیله آن کارکنان مهارت‌ها و اطلاعات را می‌آموزند و به هدفهای پرسنلی و نگرش سازمان دست پیدا می‌کنند.»

«درک فرنج و هیشور ساورد آموزش را بهبود و گسترش منظم توانایی یک فرد در انجام کار یا وظیفه خاص می‌دانند.»

سینگر (singer) در تعریف آموزش دارد که: «آموزش تسهیل‌کننده فراگیری دانش‌های جدید، مهارت‌ها و توانائی‌هایی می‌باشد که مستلزم بهبود در اجرای شغل است.»

بارون (Baron) و گرینبرگ (Greenberg) در معنی و مفهوم آموزش می‌نویسند: «آموزش ممکن است تعریف شود به فراگردی که بدان وسیله کارکنان بطور نظام دار بدست می‌آورند و بهبود می‌بخشند مهارت‌ها و تواناییها و نگرش‌های مورد نیازشان را درجهت انجام وظیفه» و آموزش کارکنان طراحی می‌شود جهت آماده‌ساختن آنان به منظور انجام شغل با حداکثر اثربخشی.

ویلیام مک هی و پل ته یر در تعریف آموزش می‌نویسند: «منظور ما از آموختن عمل یا مجموعه‌ای از اعمال است که موجب می‌شود فردی مهارت، دانش و بینش لازم را برای انجام کاری فراگیرد.»

با توجه به تعاریف ارائه شده می‌توان نتیجه گرفت که آموزش یک استراتژی است که با هدفی خاص و جهتی مشخص در طول زمان اجرا شود. می‌توان آموزش را جریانی دانست که افراد طی آن مهارت‌ها، طرز تلقی‌ها و گرایش‌های مناسب را برای ایفای نقش خاصی می‌آموزند، جریان آموزش شامل محتوا و جهت و تأکیدهای خاص است که طی این جریان، معلومات در ذهن فرد جایگزین شده و با آگاهیهای قبلی وی تلفیق می‌شوند و در نتیجه در رفتار و نحوه دید فرد تغییراتی به وجود می‌آید که این مفهوم را نیز به شکل زیر ذکر می‌کند که:

آموزش نه تنها یکی از حقوق اولیه انسان است، بلکه جز اصلی توسعه اقتصادی و اجتماعی نیز هست و در صورتی که برنامه‌ریزی آن به شایستگی انجام شود می‌تواند بازده اقتصادی زیادی به ویژه در کشورهای فقیر داشته باشد.

تعریف پرورش

هر چند که اصطلاح پرورش از واژه‌های قدیمی و پرکاربرد در زبان فارسی است اما به زعم دکتر علی اکبر سیف در کتاب روانشناسی پرورشی، پرورش معادل اصطلاح انگلیسی (Education) است که در زبان فارسی غالباً به آموزش و پرورش ترجمه شده است. آموزش و پرورش دو مفهوم مستقل هستند با تعریف‌های متفاوت.

پرورش بنا به تعریف عبارت است از «جریانی منظم و مستمر که هدف آن کمک به رشد جسمانی، شناختی، روانی، اخلاقی، اجتماعی و یا به طور کلی رشد شخصیت پرورش‌یابندگان در جهت کسب هنجارهای مورد پذیرش جامعه و نیز کمک به شکوفا شدن استعدادهای آنهاست.» بنابراین تعریف، یک نظام درست پرورشی هم فرد را در شکوفایی استعدادهای ذاتی‌اش کمک می‌کند و هم او را به عنوان یک شهروند مفید و متعهد به ارزشهای جامعه‌ای که به آن متعلق است پرورش می‌دهد. هدف عمده مدارس ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و دانشگاه‌ها

پرورش دادن این گونه افراد است.

وظیفه عمده برنامه‌های پرورشی، پرورش افراد مورد نیاز جامعه از طریق بالابردن سطح فکر آنان و آشنا ساختن با علوم و معارف و میراث فرهنگی و اجتماعی جامعه و نیز شکوفا ساختن آنها با علوم و معارف و میراث فرهنگی و اجتماعی جامعه و نیز شکوفا ساختن استعدادهای گوناگون آنهاست، و گرچه در ضمن این کار، پرورش یابندگان ممکن است با پاره‌ای از مهارت‌ها و روشها و فنون حرفه‌ای و تخصصی آشنا گردد. باز هم برای پذیرش مشاغل گوناگون گذراندن دوره‌های تخصصی کارآموزی برای آنها ضروری است.

تعریف کارآموزی

یکی از مفاهیمی که غالباً با مفهوم پرورش در هم می‌آمیزد، مفهوم کارآموزی «معادل اصطلاح انگلیسی «Training» است که در زبان فارسی گاه به تربیت تعبیر شده است. هدف کارآموزی، برخلاف پرورش، شکوفا ساختن استعدادهای همه جانبه افراد یا رشد شخصیت آنها نیست. بلکه منظور آن دادن فنون و مهارت‌های مورد نیاز به کارآموزان برای انجام شغل یا حرفه‌ای معین است. به عنوان نمونه هدف از تأسیس دوره‌های «تربیت معلم» و یا «تربیت خلبان» یا «تربیت ماشین نویس» برآوردن اهداف کلی پرورش نیست. بلکه منظور مجهز ساختن کارآموزان با روشها، مهارتها و فنون مورد نیاز حرفه‌های معلمی، خلبانی یا ماشین‌نویسی است. بنابراین کارآموزی را باید بخش کوچکی از پرورش دانست که هدف آن تربیت افراد برای پذیرفتن مشاغل و تخصص‌های گوناگون است.

تفاوت‌های نهادهای پرورشی و دوره‌های کارآموزی

بین دوره‌های کارآموزی و نهادهای پرورشی تفاوت‌هایی به شرح زیر وجود دارد:

- ۱- پرورش فرایندی است گسترده و دراز مدت با هدفهای کلی و جامع در حالی که کارآموزی فعالیتی است محدود و مشخص و دقیق که معمولاً در مدت زمان نسبتاً کوتاه انجام می‌گیرد.
- ۲- پرورش غالباً وظیفه نهادهای رسمی و دولتی یعنی مدارس و دانشگاههاست، در

حالی که دوره‌های کارآموزی را بیشتر مؤسسات صنعتی و خدماتی خصوصی و گاه دولتی، برای تأمین نیروی انسانی متخصص خود، تأسیس و اداره می‌کنند.

۳- در نظام‌های پرورشی افراد آزادند تا با بهره‌گیری از امکانات فراوان نهادهای پرورشی، چون معلمان و متخصصان و درسهای مختلف و آزمایشگاهها و کتابخانه‌های متنوع، و به پیروی از علاقه‌ها و استعدادهای متنوع، مسیرهای دلخواه خویش را برگزینند و رشته‌های مورد علاقه خود را دنبال کنند، اما در دوره‌های کارآموزی، کارآموزان موظفند، علی‌رغم علاقه‌ها و استعدادهای، همگی به سمت هدفهای واحدی که در برنامه‌های آموزشی در نظر گرفته شده است پیش روند و مهارت‌هایی را کسب کنند که در دوره‌های کارآموزی پیش بینی شده است. به سخن دیگر، هدفهای نظام پرورشی بیشتر تأمین‌کننده نیازهای پرورش یابندگان است، در حالی که هدف‌های دوره کارآموزی معمولاً تأمین‌کننده نیازهای سازمان است.

مقایسه آموزش با پرورش

با توجه به تعاریف ارائه شده برای آموزش و پرورش، تفاوت آنها را به شرح زیر می‌توان بیان کرد:

- ۱- پرورش یک جریان وسیع و مستمر است که در مدت زمان نسبتاً طولانی انجام می‌گیرد، در صورتی که آموزش به فعالیت‌های مشخص و محدود معلم اطلاق می‌شود.
- ۲- هدف عمده مدارس، پرورش افراد است و آموزش وسیله پرورش است. پس هر زمان که یک جریان پرورشی به راه می‌افتد، این جریان به کمک آموزش صورت می‌پذیرد. زیرا، پرورش (بویژه پرورش رسمی آموزشگاهی) بدون آموزش میسر نمی‌گردد.
- ۳- چون پرورش جریانی وسیع و مستمر است که دارای هدف‌های کلی و غایی و نسبتاً دیررس می‌باشد، اما آموزش یک فعالیت مشخص و دقیق است، لذا هدفهای آن دقیق‌تر و مشخص‌تر و زودرس‌تر از هدفهای پرورشی است، با توجه به همین مطلب، صاحب نظران برای هدفهای پرورشی اصطلاح «Goals Education» را به کار می‌برند و اصطلاح

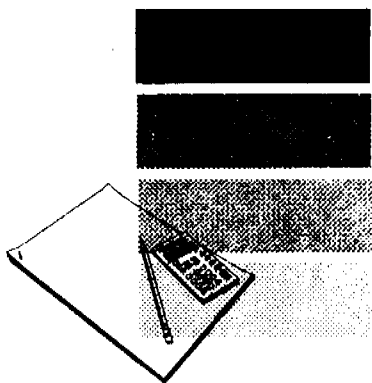
«Instruction objective» را به هدفهای آموزشی اختصاص می‌دهند.

۴- آموزش معمولاً به وسیله آموزگار و یا معلم و در جای معینی مثل کلاس درس انجام می‌گیرد، اما در پرورش، تمام عوامل آموزشگاه (از آموزگار گرفته تا ناظم و مدیر و کتابخانه و دانش‌آموزان) و عوامل خارج از آموزشگاه (پدر و مادر و مسجد و سینما و رادیو و تلویزیون و مطبوعات و غیره) مؤثرند.

۵- هدفهای کلی و غایی پرورش رسمی را برنامهریزان و معمولاً در سطح وزارت آموزش و پرورش تدوین می‌کنند، اما هدفهای دقیق و مشخص آموزشی دروس مختلف را غالباً خود معلمان، در رابطه با هدف‌های پرورشی، تدوین می‌نمایند.

نتیجه‌گیری

نتیجه‌ای که از این مقاله گرفته شد، این است که: اگر چه بعضاً افرادی ممکن است واژه‌های آموزش، پرورش و کارآموزی را از یکدیگر متمایز ندانسته و به یک معنی بکار برند. اما هر یک از این واژه‌ها مفهوم خاص خود را دارند. آموزش «Instruction» به هرگونه فعالیت یا تدبیر از پیش طرح‌ریزی شده‌ای گفته می‌شود که هدف آن ایجاد یادگیری در یادگیرندگان است. مفهوم واژه کارآموزی که اصطلاح انگلیسی آن «Training» است و هدف آن کسب فنون و مهارت‌های مورد نیاز به کارآموزان برای انجام شغل یا حرفه‌های معین است مثل تأسیس دوره‌های تربیت معلم و یا تربیت خلبان که به منظور مجهز ساختن کارآموزان با روشها، مهارت‌ها و فنون مورد نیاز حرفه‌های معلمی و خلبانی است. در مورد واژه پرورش هم که معادل انگلیسی آن «Education» به معنی آموزش و پرورش است. اطلاق می‌گردد و عبارت است از جریانی منظم و مستمر که هدف آن کمک به رشد جسمانی، شناختی، روانی، اخلاقی، اجتماعی یا به طور کلی رشد شخصیت یابندگان در جهت کسب هنجارهای مورد پذیرش جامعه و نیز کمک به شکوفاساختن استعدادهای آنها می‌باشد و توسط مؤسسات آموزش رسمی (مدارس و دانشگاهها) انجام می‌شود. ضمناً در این مقاله تفاوت واژه‌های آموزش و پرورش و همچنین کارآموزی و پرورش ذکر گردیده است. ●



آشنایی با مفاهیم و نظریه‌های بازرگانی بین‌المللی

• صدرا... البرزی

□ قسمت دوم

کلاسیکها با اتخاذ هرگونه سیاست بازرگانی که به طور طبیعی بر روند تجارت خارجی تاثیر می‌گذارد مخالفت دارند.

اهداف و ابزار اقتصادی خارجی

از بدو استقلال بسیاری از کشورها به معنی امروزی، دولتها در فکر دخالت در امور بازرگانی داخلی و خارجی خود بوده و سعی در رسیدن به اهداف از پیش طراحی شده نموده‌اند تا اواسط قرن ۱۹ کشورهای بسزرگ سیاست از مرکانتیلیسم‌ها که عقایدشان مبتنی بر پیش برد منافع سیاسی بوسیله عامل کنترلهای مختلف بر بازرگانی بین‌المللی و تحرک عوامل تولید بود پیروی می‌کردند. بعد از جنگ جهانی اول که دوران اوج اعتقاد به آزادی تجارت بود، دولتها محدودیتهای وضع شده در مورد تجارت بین‌المللی را تا حدودی لغو نمودند کسادی بزرگ سال ۱۹۳۰ به این آزادی خاتمه داد و دوره اعمال محدودیتهای بازرگانی آغاز گردید. در این دوره ناسیونالیسم اقتصادی طرفداران زیادی

هزینه‌های

داخلی

باعث افزایش و تشویق واردات می‌شود و موازنه تجاری را بر هم می‌زند. بدین ترتیب رابطه مبادله بطور کلی عبارتست از نسبت قیمت یا مقدار صادرات به قیمت یا مقدار واردات. ضمن آنکه علل تغییرات رابطه مبادله بخاطر تغییر در عرضه و تقاضای صادرات و واردات می‌باشد.

سیاستهای بازرگانی

سیاست‌های بازرگانی بخشی از سیاستهای اقتصادی هر کشور را تشکیل می‌دهند. سیاستهای اقتصادی به اقداماتی اطلاق می‌شود که هدف از اجرای آن رسیدن به اهداف اقتصادی مشخص از قبیل تحقق رشد اقتصادی، از بین بردن بیکاری، کاهش نرخ تورم و تعدیل تراز پرداختها و امثال آن می‌باشد.

سیاست بازرگانی خارجی

سیاستهای بازرگانی خارجی عبارتست از مجموعه تصمیمات و خط مشی‌هایی که به نحوی بر عوامل بازرگانی خارجی به ویژه صادرات و واردات اثر می‌گذارند. با وضع تعرفه روی کالا قیمت آن در بازار داخلی افزایش می‌یابد واردات سقوط می‌کند و تولید داخلی آن کالا بالا می‌رود و دولت درآمد اضافی را به صورت درآمد حاصل از تعرفه دریافت می‌نماید.

نظریه هکچر و اوهلین

در این نظریه تفاوت در فراوانی و میزان عوامل تولید موجود در یک کشور ملاک تجارت قرار می‌گیرد و در آن دو عامل کار و سرمایه در نظر گرفته می‌شود. بر اساس نظریه فوق برخی از کشورها سرمایه بیشتر و بعضی کار بیشتر در اختیار دارند بنابراین کشوری که کار بیشتری دارد کالاهای کاربر و کشوری که دارای سرمایه بیشتری است، کالاهای سرمایه‌بر را تولید خواهد کرد و نتیجتاً آن کشوری که از لحاظ عامل تولید سرمایه غنی است، باید به صادرات کالاهای سرمایه‌بر و کشوری که از لحاظ عامل تولید کار غنی است، باید به صادرات کالاهای کاربر بپردازد. بنابراین تجارت انعکاسی است از دارایی و مالکیت عوامل تولید. بدین معنی یک کشور در کالایی تخصص می‌یابد که عوامل تولید آن را بطور نسبی فراوانتر از دیگری دارا باشد.

نظریه‌های تجارت بین‌الملل درصدد هستند به سؤالات زیر پاسخ دهند:

۱- چه عواملی باعث برقراری تجارت بین‌الملل یعنی صدور و ورود کالاها توسط کشورها می‌شوند، به عبارت دیگر چه عواملی ترکیب جهت میزان تجارت بین‌الملل را تعیین می‌کنند؟

۲- کالاها در بازار بین‌الملل بر اساس چه نرخ (با چه قیمت نسبی) با یکدیگر مبادله می‌شوند؟

۳- چگونه کشورها و به طور کلی دنیا از برقراری تجارت بهره‌گیری می‌کند و به چه میزان؟

رابطه مبادله کالا

از آنجا که مبادله کالا نشان‌دهنده عواید کشورهای تجارت‌کننده از یکدیگر می‌باشد مورد توجه قرار می‌گیرد. وقتی رابطه مبادله کشوری در تجارت با کشور دیگر خوب باشد، عموماً می‌گویند آن کشور از تجارت خود سود می‌برد و بالعکس.

رشد اقتصادی یک کشور بر تجارت بین‌الملل اثر می‌گذارد و تجارت بین‌المللی نیز دارای آثار متقابلی در رشد اقتصادی است افزایش درآمدهای داخلی یا

پیدا کرد و همکاریهای بین‌المللی متوقف و تجارت بین‌المللی محدود شد. امروزه کشورها متعهد به رسیدن به اهداف اقتصادی متفاوتی هستند. برخی از سیاستهای اقتصادی داخلی و خارجی را می‌توان به صورتهای زیر تعریف نمود:

۱- به صورت عام یا کلی

اهداف عام یا کلی عبارتست از تمام فعالیت‌های مختلف دولت که بطور مستقیم یا غیرمستقیم بر جهت ترکیب و مقدار تجارت بین‌الملل و حرکت عوامل تولید اثر می‌گذارد. این تعریف نه تنها سیاستهای عوارض گمرکی را شامل می‌شود، بلکه سیاستهای پولی و مالی دولت را که بر تجارت خارجی مؤثر است را نیز شامل می‌شود. به این دلیل که فعالیتهای اقتصادی تماماً دارای اثرات متقابل با یکدیگر می‌باشد، لذا محدود پدیده‌های اقتصادی را می‌توان یافت که اثری بر مبادلات خارجی کشور نداشته باشد. بنابراین عملاً غیر ممکن است که بتوان فعالیتهای اقتصادی داخلی و خارجی دولت را مشخص و تعیین کرد. بهر حال پدیده‌های اقتصادی دارای اثرات مختلفی بر تجارت خارجی می‌باشند. بعضی مانند کمک دولت به خانه سازی دارای اثر کمی بر تجارت خارجی بوده و بعضی مانند برقراری تعرفه دارای اثر مستقیم بر تجارت خارجی می‌باشند.

۲- تعریف سیاست اقتصاد خارجی به صورت خاص

این مفهوم عبارتست از تمام فعالیتهای دولت که در جهت تنظیم هدایت و یا محدود کردن تجارت بین‌المللی اعمال می‌گردد.

سیاست اقتصاد خارجی و اثرات آن

سیاست اقتصاد خارجی به صورتهای مختلف بر تمام گروههای اجتماعی اثر می‌گذارد. تولید کننده، مصرف‌کننده و تمامی مردم هر کشوری تحت تاثیر اعمال این سیاست قرار می‌گیرند. اعمال محدودیتهای دولت بر بازرگانی خارجی باعث می‌شود که مصرف‌کنندگان پول بیشتری برای خرید چنین کالاهایی صرف نمایند. از طرف دیگر اعمال محدودیتهای کمتر در بازرگانی خارجی باعث استفاده بیشتر از تخصص بین‌المللی می‌گردد به

همین نحو یک تولیدکننده ممکن است بر اثر اعمال سیاست خارجی کشور منفعت برده یا ضرر کند. اعمال محدودیت کمتر موجب استفاده بیشتر از تخصص بین‌المللی می‌شود و از طرف دیگر اعمال این سیاست باعث ایجاد رفتار متقابل از طرف کشورهای دیگر می‌شود که خود بر وضعیت اقتصادی هر کشور اثر می‌گذارد.

اهداف سیاست بازرگانی خارجی

راههای مختلفی وجود دارد که می‌توان اهداف سیاست بازرگانی خارجی کشورهای را طبقه‌بندی نمود که به طور خلاصه عبارتند از:

سیاست خودکفایی (تامین کلیه کالاهای

مورد نیاز در داخل کشور)

سیاست رفاه اقتصادی: با شروع مبادله میان دو کشور هر دو کشور استفاده بیشتری برده و رفاه بیشتری برایشان ایجاد می‌گردد.

سیاست حمایتی: بین دو حد فوق خود کفایی که محدودیت برای تجارت قائل می‌گردد و رفاه اقتصادی که محدودیتهای را بر می‌دارد اهداف دیگری وجود دارد که یکی از آنها سیاست حمایتی می‌باشد، رویه حمایتی عبارتست از اعمال روشهایی مانند وضع تعرفه گمرکی، ایجاد سهمیه بندی و... به منظور حمایت از تولید کننده داخلی در مقابل واردات خارجی در بسیاری از مواقع تشخیص اینکه رویه‌ای حمایتی است یا خیر مشکل است. زیرا فقط هر سیاستی که باعث وضع حقوق گمرکی گردد حمایتی اطلاق می‌گردد، در حالی که ممکن است هدف دیگری داشته باشد.

سیاست برقراری موازنه داخلی (ثبات

اشتغال کامل):

از سال ۱۹۳۰ ثبات اقتصادی همراه با اشتغال کامل یکی از اهداف عمده سیاست اقتصادی دولتها می‌باشد وقتی این هدف حاکم بر سیاست اقتصادی باشد سیاست بازرگانی خارجی را تحت تاثیر قرار خواهد داد در این حالت تجارت بین‌المللی و حرکت سرمایه به عنوان تضعیف این ثبات مطرح می‌گردد و بر اساس درجه اهمیت این هدف محدودیتهای لازم برای بازرگانی بین‌المللی وضع می‌گردد.

سیاست برقراری موازنه خارجی (تعادل تراز پرداختها):

کشورها ممکن است دچار کسری تراز پرداختها بشوند بدین ترتیب، مجبور خواهند بود این کسری را به وسیله اعمال تعدیلات بازار یا کنترل‌های دیگر جبران نمایند. وقتی کشوری دچار کسری پرداختها می‌باشد یکی از اهداف کشور مذکور برطرف کردن این کسری خواهد بود اگر کسری مزمن بوده و مشکل عمده‌ای برای کشور ایجاد نماید، در این صورت این هدف سایر اهداف را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

سیاست توسعه اقتصادی:

امروزه یکی از اهداف عمده کشورهای غیر صنعتی آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین تشدید رشد اقتصادی و بالا بودن سطح اقتصادی زندگی مردم خود می‌باشد. توجه خاص کشورهای جهان سوم به مسأله اقتصادی باعث شده که این کشورها از بازرگانی بین‌المللی به عنوان وسیله‌ای جهت رسیدن به رشد اقتصادی بیشتر استفاده نمایند. بنابراین وضع عوارض گمرکی و سایر ابزار محدودکننده در جهت حمایت از صنایع نوظهور و جلوگیری از ورود کالاهای مصرفی خارجی در این کشورها که به توسعه اقتصادی آنها کمک می‌نماید. جزو اهداف مهم اقتصادی این کشورها محسوب می‌گردد. در مواردی دولتها صادرات را تنظیم و تشویق می‌کنند تا بدین وسیله به اهداف توسعه اقتصادی خود برسند.

سیاست اقتصادی:

در زمان جنگ اهداف سیاستهای اقتصادی خارجی با زمان صلح فرق می‌کند. دخالت دادن مسائل سیاسی و نظامی در سیاستهای اقتصادی خارجی، پدیده تازه‌ای نیست. زیرا سیاست اقتصادی خارجی جزئی از سیاست خارجی کشورها محسوب می‌گردد و نهایتاً تحت تاثیر مسائل سیاسی هر کشور می‌باشد. حتی در زمان صلح نیز سیاستهای اقتصادی نظامی جزء اهداف سیاست بازرگانی کشورها محسوب می‌گردد.

سیاستهای صادراتی و وارداتی:

(مداخلات دولتها در بازرگانی خارجی)

اصولاً مداخلات دولتها در بازرگانی خارجی تحت عنوان سیاستهای وارداتی و صادراتی مطرح می‌گردد که به طور خلاصه به شرح زیر است:

۱- سیاستهای وارداتی

برقراری میلات بایستی در چارچوب منافع ملی هر جامعه مطرح گردد، لذا هر کشور برای حفظ منافع ملی خویش، در جهت حمایت از تولیدات داخلی و رفع نیازهای جامعه، سیاستهای وارداتی خویش را تنظیم می‌نماید. با کاربرد این سیاستها علاوه بر حمایت از تولیدات داخلی منبع درآمدی برای دولت پیدا خواهد شد که نیازهای جامعه را از محل این درآمدها مرتفع سازد. سیاستهای وارداتی ممکن است با کاربرد ابزارهای زیر همراه باشد:

الف. حقوق و عوارض دولتی

ب. عوارض اضافی

ج. اعمال سیاستهای سهمیه بندی

الف. حقوق و عوارض دولتی

در واقع نوعی مالیات غیر مستقیم در زمانی که کالاها از کشور دیگر وارد مرزها می‌شود از واردکنندگان اخذ می‌گردد. لیستی که شامل اسامی کالاهای مختلف و میزان حقوق گمرکی متعلق به آنها را اصطلاحاً تعرفه گمرکی می‌نامند که مبنای حقوق گمرکی کالاهای مختلف است این تعرفه ممکن است بر اساس وزن کالا (حقوق گمرکی وزنی) و یا بر اساس ارزش کالا تنظیم شود و گاهی نیز حقوق گمرکی بر اساس تلفیقی از هر دو باشد که آنرا حقوق گمرکی مختلط گویند.

ب. عوارض اضافی

این عوارض شامل سود بازرگانی و غیره گاهی اوقات برای مقابله با سیاستهای تبعیضی کشورهای دیگر و بیشتر از منافع ملی علاوه بر حقوق گمرکی عوارض اضافی وضع می‌شود.

ج. اعمال سیاستهای سهمیه بندی

در مواقعی دولت جهت کنترل واردات بیش از حد و برای جلوگیری از خروج ذخایر ارزی سهمیه بندی در مورد واردات بوجود می‌آورد و تاکید می‌کند چه کالاهایی و به چه مقدار بایستی وارد شود.

۲- سیاستهای صادراتی

جهت حفظ منافع ملی و حمایت از

تولیدات داخلی سیاستهای وارداتی به تنهایی نمی‌تواند بدون ایجاد سیاستهای صادراتی عمل نماید. جدولی که رابطه بین میزان واردات و صادرات را بیان می‌کند تحت عنوان تراز بازرگانی خارجی عنوان می‌شود که می‌تواند سیاستهای بازرگانی وارداتی و صادراتی هر سال براساس تراز بازرگانی خارجی سال پیش و سایر سیاستهای اقتصادی پی ریزی نماید. اعمال سیاستهای صادراتی با استفاده از ابزارهای زیر صورت می‌گیرد:

الف. معافیت مالیاتی

ب. پاداش و جوایز صادراتی

ج. ایجاد امکانات صادراتی از جمله کمک به بازاریابی جهت معرفی کالا و خدمات در بازار خارجی مثلاً از طریق شرکت در نمایشگاههای بین‌المللی یا فراهم آوردن امکانات ارزی.

د. ایجاد محدودیتهایی برای جلوگیری از خروج مواد اولیه و سایر کالاهایی که جامعه به آنها نیازمند است.

دامپینگ

عبارتست از فروش کالا در بازار به قیمتی کمتر از بهاء آن کالا در بازار داخلی. از دامپینگ تعاریف زیادی به عمل آمده است. دامپینگ در واقع نوعی سیاست قیمت در جهت ایجاد شرایط رقابتی غیر سالم و از بین بردن رقیب در صحنه اقتصادی است و آن عبارتست از فروش کالا در کشورهای خارجی به قیمتی کمتر از بهاء کالای مزبور در داخل کشور تولیدکننده. همچنین این شیوه به منظور عرضه کالاهایی به کارگرفته می‌شود که در بازارهای داخلی کشتی برای خرید آن وجود ندارد. در نتیجه آن بنگاه اقتصادی و یا بازرگان می‌تواند با عرضه آن، بخشی از کالا و خدماتی که در بازار داخلی قابل فروش نبوده و یا خریدار نداشته در بازار خارجی عرضه نماید و با تفکر تولید انبوه نتیجتاً سود بیشتری عاید خود نماید. به طور خلاصه دامپینگ سیاست قیمت‌گذاری برای فروش کالا به منظور از بین بردن رقبا است که بوسیله کارتلها و شرکتهای بزرگ چند ملیتی مورد بهره برداری قرار می‌گیرد.

کارتل

وقتی دو یا چند شرکت تولیدی با ادغام

و یا اتخاذ سیاست واحد جهت کنترل بازار در آن رشته تولیدی شرکت واحدی را تشکیل دهند می‌گوئیم کارتل تشکیل شده است. حال اگر شرکتهای مورد بحث در یک کشور باشند آنرا کارتل داخلی و اگر در کشورهای متفاوت باشند و فعالیت آنها از حد یک کشور فراتر رود آنرا کارتل بین‌المللی گویند.

تراست

در این حالت چند شرکت تولیدکننده با امضا قراردادی تمام امکانات خویش را در موسسه‌ای مشترک و واحد متمرکز و در واقع با ادغام خویش تشکیل یک شرکت بزرگ را می‌دهند که در این صورت آنرا تراست می‌گویند. در هر حال کارتلها و تراستها هدفشان انحصار و در نتیجه نابودی رقبیان با ساماندهی نیروهای تولیدکننده یک رشته تولیدی و خدماتی می‌باشد.

شرکتهای چند ملیتی

شرکتهایی هستند که تحت نظارت و کنترل شرکت مادر مبادرت به سرمایه گذاری، ایجاد و ثبت شرکتهای فرعی در کشورهای دیگر نموده و تولیداتشان را در بازارهای جهانی عرضه می‌کنند. معروفترین و ثروتمندترین آنها در جهان شرکتهای چند ملیتی نفتی هستند. عمده‌ترین ویژگیهای شرکتهای چند ملیتی به قرار زیر است:

۱- بخشی از داراییهای آنها در کشوری غیر از کشور مادر قرار دارد.

۲- فعالیت اقتصادی در بیش از یک کشور است.

۳- بخش عمده‌ای از فروش و در آمد شرکت از منابع خارجی تامین می‌گردد.

۴- شرکتهای دارای کارخانه، خط تولید، شعبه یا دفتر فروش در خارج از کشور مادر می‌باشند.

۵- مدیریت شرکت دارای جهت‌گیری جهانی است.

تراز پرداختهای خارجی

تراز پرداختهای یک کشور صورتی از معاملات اقتصادی آن کشور در یک دوره عملکردی معین با ساکنین سایر کشور هاست و منظور اصلی از تهیه آن محاسبه اضافه یا کسری خالص در روابط اقتصادی کشور با سایر کشورها است. تراز

پرداختها در تعیین سیاست پولی، مالی، عمرانی، بازرگانی، ارزی و اجتماعی یک کشور نقش عمده دارد. بطور کلی تراز پرداختهای خارجی ممکن است برای دو هدف و مقصود تهیه شود:

- ۱- برای تهیه اطلاعات و آمار جهت تعیین سیاستهای پولی، مالی، عمرانی
- ۲- برای تهیه آمار بازرگانی و بودجه ارزی

در گذشته تراز پرداختها تنها وسیله‌ای برای نشان دادن وضع ارزی کشور و تهیه بودجه ارزی کشور بود و تهیه کنندگان بدین طریق می‌توانستند اطلاع حاصل کنند که برای واردات و سایر هزینه‌های خارجی منبع درآمد ارزی کافی وجود دارد یا خیر. ولی در سالهای اخیر تنظیم تراز پرداختها برای تعیین سهم و اثر مبادلات بین‌المللی در درآمد ملی مورد توجه قرار گرفته شده است. از این رو تراز پرداختها کاملتر و جامعتر شده است و کلیه معاملات خارجی را درمی‌گیرد.

تراز پرداختهای خارجی و تنظیم آن
معمولاً در تنظیم و تهیه تراز پرداختهای خارجی کشورها پاره‌ای از اصول و روشهای به کار برده شده که اطلاع از آن برای تحلیل پرداختهای داخلی کشور مهم می‌باشد که عبارتند از:

- ۱- ضوابط تشخیص سکونت اشخاص از نظر داخلی و خارجی زیرا منحصراً معاملات اقتصادی بین ساکنان کشور با ساکنان سایر کشورها در جدول تراز پرداختها درج می‌گردد.

- ۲- شناخت منابع آماری (آمار بازرگانی خارجی کشور، آمار موسسات پولی و سایر منابع پولی و مالی).

- ۳- شکل تراز پرداختها.
- ۴- معیارهای تعیین اقلام بدهکار و بستانکار جهت ثبت در ستونهای مربوطه تراز.

- ۵- مبانی طبقه بندی معاملات خارجی از نظر جاری و سرمایه‌ای.

- ۶- اساس تعیین گروه هر یک از معاملات خارجی از نظر مرئی و نامرئی و غیره.

تراز پرداختهای یک کشور معمولاً به دو بخش عمده یعنی حساب جاری و سرمایه‌ای تقسیم می‌گردد:

حساب جاری در تراز پرداختها در برگیرنده اقلامی است که به جریان کالا و خدمات به خارج از کشور (صادرات) و به داخل کشور (واردات) مربوط می‌شود. در بعضی موارد به حساب جاری نام تراز بازرگانی نیز اطلاق می‌شود. حساب جاری متشکل از دو قلم عمده است که یکی حساب مرئی و یکی حساب نامرئی خوانده می‌شود. به طور ساده حساب مرئی متشکل از کلیه اقدامات صادراتی و وارداتی است که به معامله در بازار کالا مربوط می‌شود. مثلاً اگر کشوری در سال صد میلیون دلار کالای صنعتی وارد کند و در عوض ۱۵۰ میلیون دلار کالایهای کشاورزی و معدنی صادر نماید در حساب مرئی خود دارای ۵۰ میلیون دلار اضافه پرداخت خواهد شد. حساب نامرئی مربوط به اقلامی است که صرفاً بر اثر معامله در بازار خدمات پدید می‌آید و به همین دلیل است که از معاملات بین‌المللی در این حالت تحت عنوان حساب نامرئی یاد می‌شود، زیرا به یک معنی و به ویژه در قیاس با کالاهای خدمات مورد تبادل نامرئی است. تراز پرداختهای خارجی معمولاً دارای یک جدول اصلی و کلی و عده‌ای جداگانه فرعی و تفصیلی می‌باشد در جدول اصلی تمام حسابها اعم از حسابهای مربوط به کالا و خدمات و انتقالات و حسابهای مربوط به سرمایه‌های خارجی درج می‌شود. از روی جدول مزبور می‌توان روابط اقتصادی خارج را مطالعه کرد. ولی جداگانه فرعی هر کدام اختصاص به شرح تفصیلی هر یک از حسابها دارد و چگونگی محاسبه جزئیات هر یک از اقلام اصلی را نشان می‌دهد.

تعریف معاملات بدهکار

معاملات بدهکار عبارتست از آن معاملاتی که مستلزم پرداخت وجوه توسط ساکنان کشور به ساکنان سایر کشورهاست. به طور کلی معاملات بدهکار عبارتست از: واردات کالا، خرید خدمات از ساکنان خارجی، هزینه مسافرت ساکنان کشور به خارج، درآمد سرمایه‌گذاری ساکنان کشورهای خارج در کشور هزینه سفارتخانه‌های کشور و سایر هزینه‌های دولت در خارج و نیز

اعطای وام و کمک و هدایا به ساکنین سایر کشورها.

تعریف معاملات بستانکار

معاملات بستانکار عبارتست از کلیه معاملاتی که منتهی به دریافت وجه توسط ساکنان هر کشوری از ساکنان سایر کشورها می‌شود. معاملات بستانکار عبارتند از صدور کالا و خدمات به خارجیان (مثلاً IRANAIR)، هزینه مسافران خارجی در کشور، هزینه سفارتخانه‌های خارجی در کشور، درآمدهای سایر سرمایه‌های متعلق به افراد کشور در خارج. دریافت کمک و هدایا از خارجیان بعد از ثبت حسابها باید حاصل جمع در ستون بستانکار و بدهکار مربوط به قسمت اول جداگانه با یکدیگر مقایسه شود تا معلوم گردد دریافتها بیشتر بوده و یا پرداختها و یا اضافه تراز. در قسمت دوم جدول اصلی نیز باید معلوم گردد که به طور خالص بر داراییهای خالص افزوده شده یا از آن کسر گردیده است. کسر موازنه یا اضافه موازنه قسمت اول قاعدتاً باید مساوی کسر یا اضافه دارایی قسمت دوم باشد. زیرا طبق معامله موازنه پرداختها باید دریافتها منهای پرداختها، مساوی باشد. با تغییر حاصله در میزان دارایی معمولاً دو قسمت فوق مساوی نمی‌شوند و این امر ناشی از یک سلسله اشتباهات و از قلم افتادگی‌هایی است که در آمار کلیه کشورها روی می‌دهد. این گونه اقلام جداگانه در جدول نشان داده می‌شود.

صادرات و واردات

الف - صادرات و واردات مرئی

منظور از صادرات آن عده اقلام صادراتی و وارداتی قابل لمس هستند که ورود و صدور آنها مستلزم یک سلسله تشریفات گمرکی می‌باشد.

صادرات مرئی

درآمد ارزی که از فروش کالاهای صادره هر کشور بدست می‌آید، به نام صادرات مرئی نامیده می‌شود و در ستون بستانکار جداگانه می‌آید.

واردات مرئی

هزینه ارزی که به مصرف خرید کالاهای وارداتی می‌رسد، به نام واردات مرئی نامیده می‌شود و در ستون بدهکار

جداول می‌آید.

مقایسه بین صادرات و واردات مرئی را تراز بازرگانی مرئی کشور می‌نامند.

ب - صادرات و واردات نامرئی

درآمد ارزی حاصل از فروش خدمات از طرف ساکنان کشور و هزینه ارزی مربوط به خرید ملزومات توسط ساکنین کشور از ساکنان سایر کشورها چون قابل لمس نیستند و در آمار رسمی تجارتی ثبت نمی‌شوند صادرات و واردات نامرئی خوانده می‌شوند.

صادرات نامرئی که در ستون بستانکار تراز پرداختها ثبت می‌شوند عبارتند از: درآمد حاصل از خدمات و سائط نقلیه و حمل و نقل هوایی، دریایی و زمینی متعلق به ساکنان کشور که کالاهای مسافری خارجی را جابه جا می‌کنند و عوارض اخذ شده از مسافری خارجی و عوارض بندری و راه‌داری و کانال و درآمد پست و تلگراف و درآمدهای خدماتی که توسط مؤسسات مالی از قبیل بانکها و شرکتهای بیمه پرداخت می‌شود و وجوهی که سیاحان و مسافری خارج در داخل کشور خرج می‌کنند.

معاملات جاری و معاملات سرمایه‌ای

معاملات جاری شامل معاملات کالاها و خدمات است و سرمایه‌ای شامل وام، سرمایه‌گذاری و جریانات طلا می‌باشد. حساب جاری پرداختها نشان می‌دهد که کشور با صدور کالا و خدمات به سایر کشورها چه مقدار تحصیل و چه مقدار برای واردات کالا و خدمات خرج کرده است. وقتی کشوری بیش از هزینه ارزی خود درآمد ارزی داشته باشد در آن صورت موازنه حساب جاری آن بستانکار می‌شود. ولی وقتی پرداختهای ارزی جاری (هزینه‌های ارزی) زیاده‌تر باشد موازنه حسابهای جاری بدهکار خواهد بود. حساب سرمایه نیز نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری ساکن یک کشور در خارج، بیشتر یا کمتر از سرمایه‌گذاری دیگر کشورها در آن کشور بوده است. همچنین تعیین می‌کند که به طور خالص طلا از کشور صادر و یا به آن کشور وارد شده است. به طور کلی حساب سرمایه، تراز صدور سرمایه را از کشور و همچنین ورود آنرا به کشور نشان می‌دهد.

سرمایه‌های مورد تبادل بین‌المللی که در این حساب بررسی می‌شوند به دو نوعند:

۱- سرمایه درازمدت

۲- سرمایه کوتاه مدت

۱- سرمایه‌های درازمدت

سرمایه‌های درازمدت آن نوع سرمایه است که معمولاً به منظور سرمایه‌گذاری در تولید به کشوری صادر و یا وارد می‌شوند و در نتیجه برای مدت زیادی (به صورت کارخانجات) در آن کشور باقی خواهد ماند.

۲- سرمایه‌های کوتاه مدت

سرمایه‌های کوتاه مدت سرمایه‌ای است که هرگز از حالت پولی خود خارج نمی‌شود و تنها برای اندوختن بهره‌ای که از قرض دادن یا به شکلهای دیگر در بازار پول و بازار اوراق بهادار (بازار بورس) یک کشور به آن کشور صادر می‌گردد. بنابراین صدور سرمایه دراز مدت بستگی مستقیم به امکانات سود حاصل از سرمایه‌گذاری در صنایع کشور دیگر دارد. در حالی که سرمایه کوتاه مدت اصولاً به نرخ بهره موجود در کشورهای گوناگون مربوط می‌شود.

ارز

در بازرگانی بین‌الملل پول کشورهای خارجی را اصطلاحاً ارز و عمل تبدیل پول داخلی را به پول خارجی تبدیل ارز می‌نامند نرخ ارز در تعیین حجم و ترتیب و تعیین کالا و خدمات و سرمایه و برای جریان آن بین کشورها نقش عمده‌ای ایفا می‌کند. منظور از نرخ ارز قیمت خرید و فروش پولهای خارجی در بازار ارز است و در حقیقت نرخ ارز عبارتست از قیمت پولهای خارجی به داخلی و یا قیمت پول داخلی به خارجی مثلاً اگر پول داخلی را ریال فرض کنیم نرخ ارز نشان خواهد داد که یک دلار و یا یک ین و یا یک یورو به چند ریال خرید و فروش می‌شود و یا قیمت ریال به دلار، ین و یورو چیست؟

بازار ارز

بازار ارز چارچوبی است که در آن چارچوب، اشخاص، شرکتها و بانکها به خرید پول خارجی یا ارز می‌پردازند.

تفسیر نرخ ارز در بازارهای داخلی

به طور کلی نرخ ارز در نقطه تلاقی منحنی تقاضای بازار با منحنی عرضه پول

خارجی تعیین می‌شود تقاضا برای ارز در مرحله اول در جریان واردات کالاها و خدمات از خارج و سرمایه‌گذاری در خارج و اعطای وام به خارج به وجود می‌آید عرضه ارز نیز در جریان صادرات کالا و خدمات به خارج و سرمایه‌گذاری خارجی و دریافت وام از خارج حاصل می‌شود. تغییرات نرخ ارز در بازارهای داخلی با نوع بازار آن ارتباط نزدیکی دارد.

مثلاً وقتی معاملات ارز در بازار آزاد باشد و سازمانهای دولتی در آن مداخله نمایند، نرخ ارزهای مختلف بر حسب عرضه و تقاضای آن تغییر می‌کند، ولی هر گاه مقامات پولی کشور بخواهند نرخ ارز را تثبیت نمایند، در این حالت دولتها تغییر نرخ ارز را در چارچوب معینی مجاز می‌دانند فقط گاه به گاه ممکن است این حدود توسط مقامات پولی کشور تغییر نماید. همچنین ممکن است دولت معاملات آزاد ارز را محدود و یا ممنوع کند و خود خرید و فروش ارز را به عهده بگیرد. در آن صورت نرخ ارزها دیگر تابع میزان عرضه و تقاضا نیست بلکه مبنای آن تصمیمات دولت است سه نمونه از تغییرات نرخ ارز عبارتند از:

۱- تغییرات نرخ ارز در بازار آزاد

۲- تغییرات نرخ ارز در سیستم تثبیت شده

۳- تغییرات نرخ ارز در سیستم کنترل شده

۱- نرخ ارز در بازار آزاد

تغییرات نرخ ارز وقتی آزادانه صورت خواهد پذیرفت که عرضه و تقاضای ارز در بازار با رقابت کامل جریان داشته باشد در این وضع به استثناء اختلافات مختصری که مربوط به عامل زمان و ریسک و نرخ بهره می‌باشد، اختلافاتی در نرخهای گوناگون یک ارز مشاهده نخواهد شد. بلکه هر یک از ارزها به صورت یک کالای متجانس در می‌آید که نرخ آن توسط عرضه و تقاضا در بازار ارز تعیین می‌گردد (بازار ارز بازاری است که در آن ارز خرید و فروش می‌شود و شامل فروشندگان ارز و خریداران ارز و یا تقاضا کنندگان ارز می‌باشد زیرا تعداد فروشندگان و خریداران ارز در شرایط

تعاونیهای آموزشی که آموزشگاههای تعاونی در درون مدارس می‌باشند با اهداف آموزشی، پرورشی، اقتصادی، اجتماعی تاسیس و در بارورسازی و ایجاد روحیه اعتماد بنفس در بین دانش‌آموزان جهت پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی برای آینده نقش بسزایی دارند. عشق و علاقه توأم با آگاهی در پرتو هماهنگی می‌توانند منشأ حرکت‌های جمعی و گروهی در آموزشگاهها شده و فرزندان عزیز ایران اسلامی را علاوه بر بعد آموزشی با سایر ابعاد وجودی آنها و نیازهای جامعه آشنا کرده و آنها را با مسائل روزمره زندگی آگاه نموده و نهایتاً، انجام امور به صورت تیمی و گروهی را به جای حرکت‌های فردی به آنها آموزش دهد.

داشتن بینش، نگرش و عشق در بین مدیران مدارس و مربیان پرورشی همراه با همکاری و هماهنگی بخش تعاون می‌تواند سازوکار اجرایی لازم را برای تاسیس تعاونیهای آموزشی فراهم آورد و از ظرفیت موجود در مدارس در جهت زندگی اجتماعی دانش‌آموزان بهره‌گیری نماید.

به طور کلی و با وجود مشکلات زندگی اجتماعی بشر در قرن حاضر، علی‌رغم توجه به حرکت‌های فردی فعالیت‌های

اجتماعی انسان را ناگزیر از همکاری و همیاری هم‌نوعان خود می‌نماید، به طوری که این همیاری به صورت کنشی دو سویه از طرف فرد و گروه و بالعکس وی را به تلاش وامی‌دارد.

در ایسن راستا درک اهداف والای تعاونیهای آموزشی برای افراد آنها را به این باور می‌رساند که با اعتمادی بیشتر تلاش خود را معطوف آنها سازند تا در رشد و شکوفایی و بالندگی آنها گام‌های لازم برداشته شود. در این راستا گفتنی است که یادگیری مطالب درسی برای دانش‌آموزان در ساعات اولیه به لحاظ داشتن انرژی کافی مناسب می‌باشد اما به تدریج با تحلیل قوا در ساعات آخر،

یادگیری کاهش یافته و زحمات معلمین به هدر می‌رود مگر آن که در ساعات تفریح، دانش‌آموزان بتوانند مواد غذایی سالم و بهداشتی و با قیمت مناسب را در محل آموزشگاه خود تهیه نمایند و چه مکسانی مناسب و بهتر از تعاونی آموزشگاهی که عهده‌دار این مسؤولیت باشد تا با در اختیار گذاردن مایحتاج دانش‌آموزان جهت بازایی انرژی مورد نیاز، آنها را در یادگیری بهتر و درک مفاهیم کمک و یاری رساند.

تعاونیها را از سال ۱۳۳۸ دانست. ذیلاً آگهی تاسیس تعاونی فوق‌الذکر درج می‌گردد:

«به منظور خرید و فروش و تهیه خوراک و پوشاک و نوشت افزار و وسیله رفت و آمد دانش‌آموزان دانشسرای کشاورزی کرمان شرکتی به نام شرکت تعاونی تولید و مصرف دانش‌آموزان دانشسرای کشاورزی کرمان با سرمایه چهار و چهار هزار و پانصد ریال بین شصت و سه نفر دانش‌آموزان دانشسرای کشاورزی کرمان از فروردین ماه یک هزار و سیصد و سی و هشت برای مدت نامحدود تشکیل و آقای داود خداوردی به سمت رئیس هیأت مدیره و آقای احمد شیرخانی به سمت نایب رئیس و آقایان رضا میرحسینی و داود محمد حسینی جور و محمود ترکستانی به ترتیب خزانه‌دار و منشی و حسابدار و آقایان مهدی قطبی و احمد رفیعی و علی فارسی به عضویت علی‌البدل و آقایان علی سلطانی و عباس رهنما و محمدحسین حیدری به سمت بازرسان شرکت و آقای علی‌اکبر عسکری‌زاده به مدیریت عامل شرکت انتخاب شده‌اند که بر طبق اساسنامه انجام وظیفه نمایند امضا کلیه اسناد شرکت با آقایان خداوردی رئیس هیأت مدیره و رضا مرعشی خزانه‌دار خواهد بود این شرکت در تاریخ نوزدهم اسفند ماه یک هزار و سیصد و سی و هشت ذیل شماره ۸۶ در دفتر ثبت شرکت‌های داخلی ثبت کرمان ثبت گردیده است.»

جالب توجه است که شرکت فوق زمانی به ثبت رسیده که تشکیلات تعاون به صورت وزارتی مستقل در ایران وجود نداشت، بلکه با تصویب شورای عالی تعاون کشور و از طریق وزارت کار مجوز تاسیس تعاونی فوق صادر گردید و دانشسرای کشاورزی به عنوان واحد آموزشی زیر نظر اداره کل فرهنگ استان کرمان موفق به تشکیل این تعاونی گردید. گذشت ایام و رونق فعالیت شرکت، کارکنان دانشسرای کشاورزی را بر آن



تعاونیهای آموزشگاهی در کرمان

● حمید نوروزی

تعاونیهای آموزشی سالهاست که در دنیا فعالیت می‌نمایند و فرانسویان بنیانگذار این نوع از تعاونیها در جهانند به گونه‌ای که قریب به ۱۰۵ سال از تاسیس تعاونیهای فوق در کشور فرانسه می‌گذرد.

در کشور ایران سابقه تعاونیهای آموزشگاهی به سال ۱۳۵۴ بر می‌گردد اما جالب توجه است که در استان کرمان ۴۵ سال پیش در سال ۱۳۳۸ اولین تعاونی آموزشگاهی به صورت رسمی برای دانش‌آموزان دانشسرای کشاورزی کرمان طی شماره ۸۶ و با عضویت ۶۳ نفر و سرمایه ۴۴۵۰۰ ریال به ثبت رسانده است. از این رو می‌توان سابقه این گونه

تعداد شرکتهای تعاونی آموزشگاهی استان کرمان تا پایان مرداد ۸۳

ردیف	نام شهرستان	تعداد تعاونی	تعداد اعضا			سرمایه
			مرد	زن	جمع	
۱	بافت	۱۵۶	۷۸۳۲	۵۸۸۱	۱۳۷۱۳	۵۲۰۶۵/۶
۲	بم	۱۸۹	۷۷۰۶	۶۱۹۹	۱۳۹۰۵	۶۲۷۸۹/۵۵
۳	جیرفت	۲۵۵	۱۰۵۲۴	۱۱۷۶۸	۲۲۲۹۲	۶۹۰۲۹
۴	رفسنجان	۲۹۸	۱۲۴۵۴	۹۳۶۹	۲۱۸۲۳	۱۸۵۸۶۳/۴۹۸
۵	زرنند	۱۶۹	۶۰۵۰	۴۰۱۹	۱۰۰۶۹	۴۱۸۶۷
۶	سیرجان	۲۶۴	۸۴۰۳	۸۸۰۲	۱۷۲۰۵	۹۹۸۴۲/۶۸۹
۷	شهربابک	۳۷	۳۹۲	۱۱۲۱	۱۵۱۳	۵۲۹۷
۸	کرمان	۴۰۵	۱۵۶۲۸	۱۷۲۴۱	۳۲۸۶۹	۱۶۰۴۴۱/۵۹۷
۹	کهنوج	۱۴۷	۵۲۴۷	۴۰۷۷	۹۳۲۴	۲۸۴۳۹/۵
۱۰	راور	۳۷	۷۶۱	۵۹۴	۱۳۵۵	۱۷۵۹۳/۸۲۵
۱۱	بردسیر	۶۶	۲۳۰۵	۱۰۱۰	۳۳۱۵	۸۹۱۹/۹۵
	جمع کل	۲۰۱۳	۷۷۳۰۲	۷۰۰۸۱	۱۴۷۳۸۳	۷۳۲۱۴۹/۲۰۹

تعاونیهای فوق‌الذکر (متشکل از اتحادیه‌های مناطق) به صورت رسمی و از طریق ثبت شرکتهای تاسیس گردید که خدمات لازم را به اعضا ارائه می‌نمایند.

چهارده‌گام تشکیل تعاونیهای آموزشگاهی در استان کرمان

۱- تشکیل اولین جلسه مسوولین اداره کل تعاون با مسوولین سازمان آموزش و پرورش جهت بیان اهداف و مقاصد تعاونیهای آموزشگاهی، نقش آنها در تعلیم و تربیت، آموزش عملی برای دانش‌آموزان و... و تنظیم توافقنامه مشترک متضمن دستورالعمل تشکیل تعاونیها همراه با اساسنامه و فرمهای مربوطه.

۲- انتخاب یک نفر کارشناس در سازمان آموزش و پرورش به عنوان مسوول تعاونیهای آموزشگاهی و یک نفر هم در اداره کل تعاون با همین مسوولیت ۳- انتخاب یک نفر ناظر تعاونیها در هر منطقه آموزشی و صدور ابلاغ از طریق اداره کل تعاون با پیشنهاد آموزش و پرورش

۴- برگزاری دوره آموزشی برای ناظرین جهت آشنایی با بخش تعاون، قانون و مقررات تعاون. نحوه تاسیس و تشکیل تعاونیهای آموزشگاهی و تاکید بر مسوولیت و نقش آنها

۵- هماهنگی با آموزش و پرورش جهت برگزاری دوره‌های آموزشی و صدور مجوز ضمن خدمت از طریق آموزش و پرورش در جهت احتساب ۳ امتیاز برای شرکت‌کنندگان در دوره‌های آموزشی

۶- تشکیل دوره‌های آموزشی برای مدیران و معاونین و مربیان پرورشی واحدهای آموزشی در جهت آشنایی با تعاونیهای آموزشگاهی، نحوه تشکیل و ذکر خدمات این تعاونیها به دانش‌آموزان به مدت ۳۴ ساعت

۷- برگزاری مجمع عمومی در آموزشگاهها و تکمیل فرمهای مربوطه و ارائه به ناظرین

۸- بررسی مدارک توسط ناظرین و ارسال به اداره کل تعاون

۹- بررسی نهایی توسط کارشناس

اتحادیه تعاونیهای آموزشگاهی هم در منطقه ماهان در ۶۲/۱۰/۲۰ طی شماره ۴۳ ثبت و شروع به فعالیت نمود.

با این حال سوابقی از تعاونیها و اتحادیه مزبور که در آموزش و پرورش ثبت شده‌اند در اداره کل تعاون موجود نمی‌باشد مگر مکاتباتی که در مورد ارائه اساسنامه و صدور حواله کالا بعد از تاسیس وزارت تعاون در خلال هماهنگی و توافقیهای بعمل آمده با وزارت آموزش و پرورش حرکت جدیدی در تاسیس و تشکیل تعاونیهای آموزشگاهی به وجود آمد و این حرکت در استان کرمان به دلایل گوناگون که ذیلاً می‌آید در خور توجه و تعمق می‌باشد:

۱- تهیه و تدوین روش چهارده‌گام ۲- تهیه و تدوین و آسان نمودن فرمها، اساسنامه‌ها

۳- آموزش جدی ناظرین در مرحله اول و مدیران و معاونین و مربیان پرورشی آموزشگاهی در مرحله دوم ۴- ایجاد هماهنگی و همکاری تنگاتنگ بین سازمان آموزش و پرورش و اداره کل تعاون

در این راستا شایان ذکر است که تعداد تعاونیهای تشکیل شده از سال ۷۰ تا کنون به ۲۰۱۳ شرکت می‌رسد که بخشی از اطلاعات آنها به شرح جدول می‌باشد.

در استان کرمان برای اولین بار اتحادیه تعاونیهای آموزشگاهی در هر ناحیه یا منطقه آموزشی و سپس اتحادیه مرکزی

داشت تا شرکت را از حالت آموزشگاهی به نام کارمندان تغییر دهند و این کار هم در سال ۱۳۶۳ صورت گرفت. از نکات در خور توجه این است که شرکت فوق در سال ۱۳۵۳ صورتهای مالی خود را مطابق اصول و موازین حسابداری تهیه و تنظیم و به اداره تعاون وقت هم ارسال نمود که در پرونده مربوطه مضبوط می‌باشد این امر خود نشانگر توجه جدی مدیران شرکت به حساب و کتاب دقیق و نظارت قوی اداره تعاون وقت بوده است.

به مرور زمان و با توجه به این که آیین‌نامه تشکیل تعاونیهای آموزشگاهی در سال ۵۴ به تصویب رسید، تشکیل تعاونیهای آموزشگاهی قانونمند گردید، اما متأسفانه هیچ‌گونه سابقه‌ای از آنها در سالهای قبل از انقلاب به جز تعاونی فوق‌الذکر موجود نمی‌باشد و حتی بعد از انقلاب به دلیل آن که ثبت چنین شرکتهایی به موجب مقررات می‌بایست در ادارات کل آموزش و پرورش صورت گیرد، علی‌رغم پیگیریهای زیاد سوابقی مشاهده نشد، مگر از سال ۶۱ به بعد که به همت یکی از فرهنگیان علاقه‌مند به نام آقای سیدحمید رضوی نعمت‌اللهی که اولین تعاونی آموزشگاهی که در دبستان قائم کوثر خیز جویبار بشماره ثبت ۱ تشکیل گردید و پس از آن روند تشکیل و توسعه تعاونیها رو به افزایش گذارد و تا سال ۶۲ تعداد آنها به ۴۹ شرکت رسید. با همت همین شخص فرهنگی اولین

گزارش اجمالی از: فعالیت شرکت تعاونی خدمات بهداشتی و درمانی ۱۵۰۶ میانه

اشاره

در راستای کاهش تصدی‌گری دولت و واگذاری امور به بخش تعاونی و به منظور اشتغال فارغ التحصیلان پزشکی و رشته های پزشکی وابسته و ایجاد تشکلهای تعاونی خدمات بهداشتی و درمانی، شرکت تعاونی خدمات بهداشتی و درمانی ۱۵۰۶ میانه (سینا) با عضویت ۸ نفر از فارغ التحصیلان رشته های مرتبط فعالیت خود را از سال ۱۳۸۲ آغاز کرد.

شرکت تعاونی خدمات بهداشتی و درمانی سینا ۱۵۰۶ میانه برای رسیدن به مقاصد زیر فعالیت می‌کند.

- ایجاد زمینه اشتغال فارغ التحصیلان پزشکی و رشته‌های وابسته
- کاهش تصدی‌گری دولتی و جلب مشارکت مردمی برای اداره امور مربوط
- ارائه بینه خدمات بهداشتی و درمانی به مردم به ویژه قشر محروم جامعه
- گسترش فرهنگ رعایت بهداشت عمومی و سلامت در کشور

موضوع فعالیت شرکت تعاونی

شرکت تعاونی خدمات بهداشتی و درمانی ۱۵۰۶ میانه به عنوان یکی از شرکتهای موفق در زمینه کاهش تصدی‌گری امور دولتی و مشارکت در انجام فعالیت‌های بهداشتی و درمانی و ایجاد بسترهای جدید شغلی برای فارغ التحصیلان پزشکی و پیراپزشکی در زمینه‌های زیر فعالیت دارد.

۱- ارائه خدمات پزشکی و پیراپزشکی در منزل و اعزام بیمار با آمبولانس به مراکز درمانی در صورت لزوم.

۲- خدمات پزشکی گروهی و طب کار جهت پوشش بهداشتی و درمانی مدارس، کارخانجات، کارگاههای پرجمعیت، ادارات و سایر مکانهای عمومی دیگر.

۳- خدمات واکسیناسیون بیماری‌های واگیر.

۴- تاسیس مرکز ترک اعتیاد و مشاوره روانشناسی.

۵- ارائه خدمات بهداشتی و درمانی در سطوح مختلف مثل تاسیس درمانگاه، دی کلینیک و پیمانکاری خدمات بهداشتی و درمانی وغیره.

۶- ارائه خدمات دندانپزشکی، آزمایشگاهی، رادیولوژی، فیزیوتراپی، داروسازی، کاردرمانی، شنوایی‌سنجی، بینایی‌سنجی و سایر رشته‌های مرتبط.

۷- اطلاع‌رسانی و خدمات اینترنت در زمینه‌های پزشکی و امور وابسته.

۸- انجام طرح‌های تحقیقاتی بهداشتی و درمانی

۹- تهیه و توزیع اقلام بیمارستانی، دارویی و تجهیزات پزشکی و آزمایشگاهی

۱۰- تولید مواد اولیه صنایع دارویی از گیاهان دارویی به صورت مواد اولیه نیم ساخته، کنسانتره و محصول نهایی.

اقدامات شرکت تعاونی

شرکت تعاونی خدمات بهداشتی و درمانی سینا در جهت انجام فعالیت در موضوعات یاد شده اقدامات عده‌ای را صورت داده که اهم آنها به شرح ذیل می‌باشد:

۱- اخذ مجوز تاسیس مرکز مراقبتهای بالینی در منازل از وزارت بهداشت و درمان به عنوان اولین مرکز رسمی مراقبتهای بالینی در شمال غرب کشور که با تهیه تجهیزات لازم و خرید یک دستگاه آمبولانس فعالیت رسمی خود را از ۸۲/۱۱/۱۸ آغاز کرد. این مرکز در حال حاضر با همکاری ۸ پزشک عمومی، ۶ پزشک متخصص، ۷ پرستار مرد و ۵ پرستار زن، یک راننده و یک منشی به صورت شبانه‌روزی خدمات ارائه می‌دهد و تاکنون بالغ بر ۳۵ فقره اعزام بین شهری و استانی، ۷۲ فقره انتقال داخل شهری بیمار، ۲۷۰ مورد ویزیت پزشک عمومی و متخصص و ۳۰۰ مورد خدمات پرستاری ارائه داده است.

۲- اخذ موافقت اصولی مرکز آمبولانس خصوصی از دانشگاه علوم پزشکی تبریز که در این زمینه نیز تعاونی جهت ارائه خدمات

یک دستگاه آمبولانس دیگر را خریداری کرده است.

۳- اخذ مجوز خدمات طب کار و بهداشت حرفه‌ای از دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تبریز (شبکه بهداشت و درمان میانه) با شرکت در دوره‌های بازآموزی طب کار و موفقیت در آزمون مربوطه.

۴- اخذ مجوز تاسیس مرکز ترک اعتیاد از طریق سازمان بهزیستی استان با شرکت در کلاسهای آموزشی و حرفه‌ای ترک اعتیاد که توسط سازمان نظام پزشکی برگزار می‌شود.

۵- اخذ طرح طبقه‌بندی مشاغل از اداره کار و امور اجتماعی استان

۶- از فعالیت‌های انتفاعی و اشتغالزایی این شرکت، پیمانکاری در حوزه‌های مختلف بهداشتی و درمانی می‌باشد که در این مورد در حال حاضر این تعاونی برنده مناقصه تامین نیروی فنی و پشتیبانی از دانشگاه علوم پزشکی تبریز جهت به کارگیری ۱۲ نفر در درمانگاههای شهری و روستایی میانه شده است.

همچنین این شرکت در مناقصه خدمات پرستاری درمانگاه فرهنگیان میانه برای شش نفر پرستار برنده شده است.

۷- تعاونی مزبور با توجه به امکان فعالیت در سایر شهرستانها و استانها اقدام به

شرکت در مناقصه تامین نیروهای فنی و خدماتی پایگاه منطقه‌ای انتقال خون زنجان و پایگاه منطقه‌ای آموزشی و ستاد انتقال خون تهران نموده است که در همین راستا شعبه‌ای

در تهران و زنجان تاسیس کرده است.

۸- از دیگر طرحهای ابتکاری و نوین تعاونی خدمات بهداشتی و درمانی سینا، حمایت از روستاییان و اقشار کم درآمد جامعه (که فاقد حمایت‌های بیمه‌های درمانی

می‌باشند) با ارائه دفترچه‌های اشتراک تخفیف‌دار و کارت اشتراک می‌باشد. این امر

با همکاری ۲۵ پزشک عمومی، متخصص، آزمایشگاه، رادیولوژی و سونوگرافی، داروخانه، فیزیوتراپی، بینایی‌سنجی و عینک‌سازی مهیا شده که خدمات بهداشتی و

درمانی به دارندگان دفترچه و کارت‌های اشتراک تعاونی با تخفیف تا ۲۵٪ ترفه‌های معمول در بخش خصوصی ارائه می‌شود.

شایان ذکر است در حال حاضر بالغ بر ۵۰ نفر از فارغ‌التحصیلان پزشکی و رشته‌های وابسته و جوانان جویای کار تحت مدیریت و

فعالیت این تعاونی مشغول کار می‌باشند. ●

تعاون تویسرکان پیشرو در تشکیل تعاونیهای آموزشگاهی

اهداف تشکیل تعاونی آموزشگاهی
اگر بخواهیم دانش آموزانمان در آینده دارای پشتکار و روحیه قوی کارهای گروهی باشند باید آنها را از ابتدا با تعاون و فرهنگ کار گروهی آشنا سازیم. زیرا شخصیت کودکان بیشتر در کارهای گروهی و معاشرت با گروههای همسال خود شکل میگیرد. تحقیقات ثابت کردهاند کسانی که در کودکی شخصیتشان به صورت صحیحی شکل بگیرد در دوران بزرگسالی دارای اعتماد به نفس قوی و پایدار در برابر مسائل و مشکلات خواهند بود و برعکس کسانی که در فعالیتهای گروهی شرکت نکرده و گوشه گیری می کنند، در آینده نیز افرادی منزوی و فاقد حس همکاری و دچار مشکل در برابر مسائل زندگی خواهند بود و یکی از بهترین راههای ممکن که اگر به شکل صحیح و مفهوم واقعی آن اجرا شود می تواند حلال این مشکل باشد تشکیل تعاونی آموزشگاهی در کلیه مقاطع تحصیلی است.

با این توضیحات در راستای تحقق اهداف بخش تعاون اداره تعاون تویسرکان توانسته است تا تعاون را از پایین ترین سطح آن یعنی مدارس آموزش داده و بیشتر توان خود را در تشکیل تعاونی آموزشگاهی بگذارد تا بستر مناسبی برای ایجاد تشکلهای تعاونی در شهرستان ایجاد نماید. و نقشی در توسعه اقتصادی و آبادانی شهرستان هر چند کم ایفا کند.

روش تشکیل تعاونی آموزشگاهی
اجرای صحیح تعاونیهای آموزشگاهی شامل چند مرحله است که باید به صورت دقیق انجام شود. مرحله اول آموزش مدیران و مربیان پرورشی مدارس و رابطان تعاونی آموزشگاهی در مناطق آموزش و پرورش است که یکی از مهمترین مراحل است در این مرحله باید طی یک دوره آموزشی کوتاه مدت و برگزاری جلسات ترویجی مدیران و مربیان مدارس و رابطان آموزش و پرورش را با مفهوم همکاری و کار گروهی در تعاون و جایگاه آن در اقتصاد کشور و مزایای تشکیل تعاونیهای آموزشگاهی و فواید آن برای دانش آموزان آشنا ساخت، به شکلی که خود متقاضی تشکیل تعاونی آموزشگاهی باشند بدین ترتیب با انجام مرحله اول بستر مناسبی برای انجام مرحله دوم فراهم شده، و در مرحله دوم نیز باید با مراجعه به مدارس و برگزاری جلسات ترویجی حدوداً یک ساعته (در حد سخنرانی قبل از تشکیل کلاس درس) صورت گرفته و دانش آموزان را با تعاون و تعاونی آموزشگاهی و فعالیتهای آموزشگاهی آشنا ساخت و

مرحله سوم تشکیل تعاونی آموزشگاهی می باشد و مرحله چهارم نظارت بر انجام فعالیت تعاونی و حمایت از آن می باشد.

آمار تشکیل تعاونی آموزشگاهی
شهرستان تویسرکان دارای دو منطقه آموزش و پرورش می باشد:
۱- منطقه مرکزی تویسرکان
۲- منطقه ققلرود تویسرکان
آمار تشکیل تعاونی آموزشگاهی در قبل از سال ۸۲ و در طی سال ۸۲ با استفاده از روش بالا به شرح زیر است:
تعداد کل آموزشگاههای موجود در مقطع راهسنمایی و دبیرستان $28+58+19+6=111$
تعداد کل تشکیل تعاونی آموزشگاهی در مقطع راهسنمایی و دبیرستان $25+53+10+4=92$
 $83/88 \times 111 = 92 \times 100$
یعنی در مجموع ۸۳٪ مدارس راهنمایی و دبیرستان این شهرستان دارای تعاونی آموزشگاهی می باشند که امید است در سال ۸۳ تمامی آموزشگاههای این شهرستان دارای یک واحد تعاونی آموزشگاهی شوند. ●

منطقه مرکزی تویسرکان

مقطع آموزشی	تعداد آموزشگاه	تعداد تشکیل تعاونی		تشکیل تعاونی طی آموزشگاهی		تعداد کل	درصد تشکیل نسبت به کل
		تعداد	درصد	تعداد	درصد		
راهنمایی	۲۸	۱۱	۳۹/۲۸	۱۴	۵۰	۲۵	۸۹/۲۸٪
متوسطه	۵۸	۱۹	۳۲/۷۵	۳۴	۵۸/۶۲	۵۳	۹۱/۳۷٪

ضمناً به واحد تعاونی آموزشگاهی نیز در مقطع ابتدایی تشکیل شده است.

منطقه ققلرود تویسرکان

مقطع آموزشی	تعداد آموزشگاه	تعداد تشکیل تعاونی		تشکیل تعاونی طی آموزشگاهی		تعداد کل	درصد تشکیل نسبت به کل
		تعداد	درصد	تعداد	درصد		
راهنمایی	۱۹	-	-	۱۰	۵۲/۶۳	۱۰	۵۲/۶۳٪
متوسطه	۶	۱	۱۶/۶۶	۳	۵۰	۴	۶۶/۶۶٪

ضمناً به واحد تعاونی آموزشگاهی نیز در مقطع ابتدایی تشکیل شده است.

علمی - اجتماعی و اعتلای آنها تأثیر بسزایی دارد؛ در عین حال ارتباطات آشکار و پنهان نهادها سازمانها، عملکردها و اعتقادات و تحولات مربوط قابل مشاهده علمی شده است.

ز) پدید آوردن خصائص امر جنسی از ترکیب منابع و امکانات انسانی، مادی و تجهیزاتی به منظور توان افزایشی، که بی‌تردید به طور تصاعد هندسی آگاهی نسبت به تعاون و تعاونی را در هر مقوله افزایش می‌دهد و سبب می‌شود تا بر انواع، اقسام، گستره‌ها و زمینه‌های فعالیتهای تعاونی افزوده شود.

ز) از آنجا که پدیده شهرنشینی بیش از پیش مسأله تفرّد یا فردگرایی را دامن زده است و از این طریق صدمه‌ها و آسیبهای فراوان بر روحیه و روان گروه و جامعه وارد نموده است لذا تسامحاتی نوین قادرند این خلاءهای پدید آمده عصر را پر کنند و از فردگرایی افراطی و تکرویهای مرتبط برخوردارند و جنبه‌های منفی زندگی منفصل، ریزشده و انتزاعی را به زندگانی غیرانتزاعی مشترک‌المنافع و همبستگی مثبت و آشکار تبدیل کنند.

س) اشتغال‌زایی و کارآفرینی سازمانها و شرکتهای تعاونی در هر زمینه و گستره و نوع فعالیت و بسیاری آثار مثبت آشکار و پنهان دیگر... بی‌شک ایجاد و گسترش تعاونیهای نو در هر زمینه، گستره و فعالیت می‌تواند دامنه خود را به ابنای بشر از هر جنس، سن، شغل، منزلت و قدرت توسعه دهد و بسیاری از کاستیها و کمبودهای زندگی اجتماعی (به مفهوم عام) عصر حاضر را جبران نماید و برخوردگردانی و خودباوری و خوداتکایی اعضای جامعه‌ها بیفزاید و بلوغ فکری روانی انسان را بارورتر کند و مواسات (برابری‌طلبی) و مواخات (برادری) و آزادی و فرزندی را تعمیم و تامین دهد و مسالمت‌جویی و قبول تغییر، تحول و دگرگونی را برای انسان عصر حاضر میسرتر سازد.

ویژگیهای مفاهیم و منابع مفاهیم لازم برای تعریف تعاونیهای نوین

امروزه در تعریف اصلاح تعاونی نوین با استفاده از تجارب پژوهشی بدست

آمده علاوه بر توجه به وجوه اشتراک و افتراق منابع و مبادی مفاهیم مورد نیاز، این مسائل را هم مورد بررسی و تدقیق قرار می‌دهند:

۱- ساختار یا بنیادهای مشترک امور، پدیده‌ها و رابطه‌های آنها.

۲- کارکرد مشترکی که از امر، پدیده‌ها و رابطه‌ها انتظار می‌رود.

۳- کارکردهای متمایزی که امور، پدیده‌ها و رابطه‌ها نسبت به یکدیگر دارند.

۴- موازین و مضامین اساسی آنها در جهت اهداف موردنظر

از این رو با توجه به موارد چهارگانه فوق‌الذکر حتی می‌توان الگویی مناسب برای تعاونیهای نوین ترسیم کرد که هر نوع شرکت تعاونی را بیانگر شود و شامل و جامع انواع و اقسام مدلهای زیر مجموعه‌ای تعاونیها نیز باشند.

امروزه پایه‌گذاران انواع و اقسام تعاونیها قبل از هر چیز می‌کوشند تا ساختار (بنیاد) سازمان موردنظر خود را تدوین کنند و شبکه روابط و ارتباطات ارکان اصلی را به نمایش گذارند. یک ساختار مناسب سازمان تعاونی با توجه به بازار رقابتی، بهیوی مستمر و رو به تعالی، کیفیت مطلوبتر تولیدات و خدمات، محتاج مستندسازی و استانداردپذیری منعطف است تا کارکردهای تعاونی هم جوابگوی احتیاجهای روبه‌تزیاید و متنوع اعضا باشد و هم در انسجام عامه و وحدت بخشیدن به ارزشها و زوال خودسریها اثر مثبت تربیتی و فرهنگی پویا برجای نهد و از میزان و اندازه جداییها، افتراقها، ستیزها و رقابتهای ناسالم بکاهد.

در عصر حاضر روابط و ارتباطات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی چندان تو در تو و تنگاتنگ هستند که سلامت یکی می‌تواند در سلامت و سازندگی دیگری موثر شود و این تأثیر و تأثرها با اتخاذ تدابیر علمی، پژوهشی آثار و نتایج مفیدی بر فرد، گروه و جامعه خواهد داشت.

مشارکت و همیاری در تعاونیهای نوین می‌تواند هم مشارکتهای اقتصادی بویژه تولیدی را ارتقاء دهد و هم مشارکتهای سیاسی، فرهنگی و تربیتی و... را نیرومند

سازد در جامعه‌های عصر جدید میزان استقبال از تعاونیها نمایانگر میزان اراده‌های آگاه و هوشمند است که به صور گوناگون در جستجوی راههای هم‌دلی، همیاری بیشتر می‌باشد. به عبارت دیگر ابعاد حتی اقتصادی و معیشتی و خدماتی تعاونیها. بعد اخلاقی و معنوی زندگی را توانمند می‌کند و این توانمندی نیز به نوبه خود بر رقابتهای ناسالم اقتصادی اثر مثبت می‌گذارد و آن را فروکش می‌نماید.

همه اینها به اعتماد، تفاهم، اراده آگاه و افکار سالم و پرورش و آموزش پربار و بارور مبتنی هستند. همان‌گونه که اعتماد و تفاهم مستلزم پیش‌بینی‌پذیری الگوهای رفتاری نهادمند است و مجموعاً فضای زندگی و ظرفیت ارتباطات را به مصالح همگانی معطوف می‌دارد. با در نظر آوردن روابط و ارتباطات امور، پدیده‌ها و متغیرها در هر زمینه و قلمرو می‌توان به عنوان نمونه اظهار نمود که هرگونه مشارکت و تعاون خارج قسمت تحرک و پویایی اجتماعی بر توسعه اجتماعی مخصوصاً اقتصادی است.

تحرک و پویایی اجتماعی = مشارکت و تعاون در تعاونیهای اقتصادی

یکی از بارزترین آثار سازنده و پویانده تعاونیهای نوین کاستن از خودکامیها، خودسریها و سودطلبی فزاینده و کوتاه مدت صاحبان سازمانها و شرکتهای قرن نوزدهم در اروپاست (که قبلاً به آن اشاره شده است)

در کشور ایران مسأله استقبال از تعاون نوین بسی حساس‌تر و حیاتی‌تر است، زیرا یک بررسی ساده‌روی وقایع نامه‌های جامانده از گذشته داستانهایی از زندگی ناامن و مخاطره‌آمیز مردم کشور ما شرح می‌دهد.

ساختار نامتمرکز و مردمی شرکتهای تعاونی جدید راهی میان‌بر تمرکزگرایی سخت و انعطاف‌ناپذیر می‌نمایند تا کارآیی و اثربخشی معطوف به بهره‌وری سازمانها (شرکتهای) بر اثر همیاری اعضا تعاونی مضاعف شود و تنگناها ناپدید گردند.

در تعاونیهای نوین به کمک عدم تمرکز شدید، انگیزه، کار و تلاش و همکاری نیرو می‌گیرد.

مسئول تعاونیهای آموزشی در اداره کل تعاون و صدور آگهی تاسیس و ارسال مدارک به آموزشگاه و یک نسخه از آگهی به آموزش و پرورش منطقه، سازمان آموزش و پرورش استان و اداره تعاون شهرستان مربوطه

۱۰- تشکیل ستاد پشتیبانی در استان به منظور تامین مایحتاج تعاونیها و صدور دستورالعمل به ادارات تعاون شهرستانها، آموزش و پرورش شهرستانها، تعاونیهای مصرف فرهنگیان، کارمندان و کارگران جهت تحویل کالا به صورت موعدی یا اخذ چک (اعضا ستاد عبارتند از مدیران آموزش و پرورش و تعاون، معاون امور پرورشی اداره آموزش و پرورش، کارشناس مسئول فعالیتهای گروهی و حسب مورد معاونین و روسای ادارات در آموزش و پرورش و همچنین معاون یا رئیس اداره آموزش، ترویج و تحقیقات - کارشناس مسئول تعاونیهای آموزشی، مدیران عامل و روسای هیئت مدیره اتحادیه تعاونیهای مصرف فرهنگیان، کارمندان، محلی،

کارگرمی و مدیران عامل تعاونیهای تولیدی عنداللزوم، مسئول صندوق تعاون.

۱۱- کنترل و نظارت بر تعاونیها توسط ناظرین و ادارات تعاون و آموزش و پرورش شهرستانها و کارشناسان تعاون عنداللزوم

۱۲- ارسال گزارش پیشرفت کار مبنی بر تعداد عضویت، سرمایه، خرید و فروش و سود.

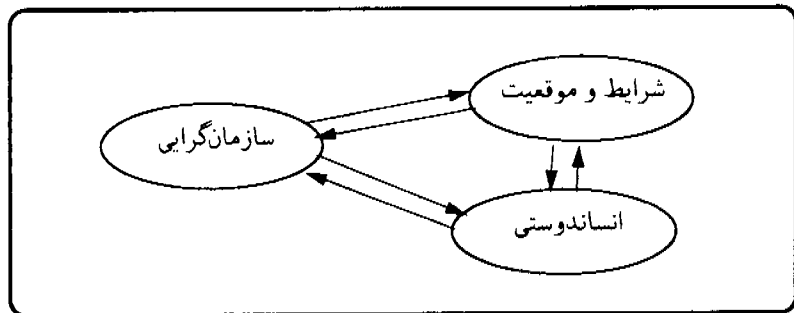
۱۳- تشکیل اتحادیه تعاونیهای فوق به صورت منطقه‌ای با عضویت تعاونیهای آموزشی هر منطقه

۱۴- تشکیل اتحادیه مرکزی تعاونیهای آموزشی در استان با عضویت اتحادیه‌های مناطق ردیف

منابع و مأخذ:

- ۱- سوابق موجود در اداره کل ثبت و اسناد و املاک استان کرمان (ثبت شرکتها)
- ۲- سوابق موجود در اداره کل تعاون
- ۳- روزنامه‌های ندای وحدت شماره ۱۳۳
- ۴- گزارش آقبای سیدحمیدرضا رضوی

نعمت‌اللهی ●



که نظام یافتگی شرکتهای تعاونی چندجانبه و قابلیت ترقی و پیشرفت همسویی آن بیشتر گردد و سرانجام اینکه در تعاونیهای نوین به جای مشابه سازی و همانند نمایی به تعلق پذیری و پیوند یافتگی داده شده است که به تقویت ارتباطات عقلی و زیرمجموعه‌های آن منحصر می‌گردد.

بی شک تقویت ارتباطات عقلی می‌تواند بسیاری از سرگشتگیهای ناشی از آسیب‌پذیری عوامل و عناصر مثبت فرهنگی و تربیتی عصر حاضر را خنثی نماید و اصالت‌های نوینی را تدارک دهد و رفتارهای غیرطبیعی و مجازی را ریشه کن سازد. لذا در تعاونیهای نوین جایی برای ورود و همگامی گروه‌های رسمی و غیررسمی وجود دارد و هیچ‌گونه مانعی در راه همسازی و همیاری افراد و گروهها دیده نمی‌شود به عبارت ساده‌تر بعد شرایط و موقعیت به دو بعد انسان دوستی و سازمان‌گرایی متصل می‌شود و نظام یافتگی را قدرت می‌بخشد.

و از این طریق فرایند تصمیم‌گیری در جهت منافع و مصالح اعضا صورت می‌گیرد و انتخاب برترین و صحیح‌ترین راه از میان راههای مختلف به آسانی انجام‌پذیر می‌شود تا پاسخگویی به سلسله مراتب نیازها مانند معیشتی، اقتصادی، نیاز به تامین و رفاه، نیاز به همدلی و همگامی، نیاز به خودیابی و نیز نیازهای نظارت خواهی، ماندگاری، موفقیت و حداکثر بهره‌مندی از فعالیت، بی‌هیچ مانعی تحقق یابد.

مردآوری و تلخیص: رحیم حسین‌آبادی

منبع:

کتاب انواع و کارکرد تعاونیها - مؤلف: دکتر محمد

آراسته غر ●

تکثر قدرت و مشارکت در تصمیم‌گیریها هم فرصتهای نوجویی، نوآوری و نوآفرینی را پدیدار می‌سازد و هم خودگونه‌ای آموزش «تصمیم‌گیری عقلایی» محسوب می‌گردد تا روزی همه اعضای یک تعاونی بتوانند تصمیم‌گیریهای دشوار را برعهده گیرند.

این مهم، وقتی کاملاً ثمربخش است که یکایک اعضا از آموزشهای ضروری بهره‌مند شده باشند و گرنه ممکن است آبی گل آلود محل تردید برای صید قانونمند شود در یک تعاونی، نظارت اعضا بر فرایند تصمیم‌گیری محتاج پنج گام استوار و تزلزل‌ناپذیر است.

یکی دیگر از تمایزات شرکتهای تعاونی نوین و شرکتها یا موسسات با تعاونیهای سنتی که شاید مهمترین شاخص تلقی گردد برقراری رابطه بسیار نزدیک میان تعاونیهای نوین و دانشوری محققانه است و چنانچه در برخی از تعاونیها تولید امر نوآوری و خلاقیت نسبت به موسسات بخش خصوصی ضعیف و نسبتاً ناچیز بوده ناشی از نقصان عنایت به دانشوری محققانه می‌تواند باشد.

این مسأله امروزه در بعضی از تعاونیهای تولید مورد توجه خاصی واقع شده است تا به موازات فراهم شدن تامین‌های متنوع برای کلیه اعضا و کاهش ناسازگاریها وجود شش فرد و سازمان (شرکت) و بسیاری از جنبه‌های مثبت این نقیصه نیز مرتفع شود.

از شاخصهای برجسته و متعالی شرکتهای تعاونی نوین این است که امروزه مطالعاتی در جهت تغییرپذیری ساختار و کارکرد رفتار و باورهای جمعی اعضا صورت می‌گیرد و استانداردهای رفتاری مجموعه اعضای تعاونی انعطاف‌پذیر می‌شود و از این سو می‌توان امیدوار بود